



پروژه‌های جهان متحد شوید!

# مسائل بین‌المللی

۳

مرداد - شهریور

سال ۱۳۶۳



انتشارات حزب توده ایران

اول ژوئن، روز بین المللی دفاع از کودکان



پوستر اثر ک. روسوس نقاش یونانی

www.iran-archive.com

## فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
-	مجموعه موازین صلح در قرن سلاحهای هسته ای	۳ - ۴
پتر میلادیتف	د راه پیروزی خورد	۴ - ۷
یورگن یونس	ازلیله هسته ای میتوان جلوگیری کرد	۸ - ۱۰
جون پیتمان	تبلیغ جنگ جنایت است	۱۱ - ۱۴
بریس کنت	ازخوش به لبه پرتگاه جلوگیری کنید	۱۴ - ۱۸
بوهورسلاو کوچیرا	راه ملی و واقعی	۱۸ - ۲۱
علی خواوری	آتش پرومته را نمیتوان خاموش کرد	۲۲ - ۳۰
هانس پیرش	" جنگ روانی در استراتژی روبروشی	۳۱ - ۴۳
آندره کارل	چهار بهار " اومانیتیه "	۴۴ - ۴۹
-	در آئینه مطبوعات	۴۹ و ۷۰
خالد حماسی	نیروی پایان ناپذیر جنبش آزاد بیخشم ملی	۵۰ - ۶۱
-	از اسناد و مدارک	۶۲ - ۶۴
-	خبرهای کوتاه	۶۴
ویلی پروشت	تعقیب شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ	۶۵ - ۷۰
علی جوپیلی	به قتل و کشتار در مراکش پایان دهید	۷۱

## مجموعه موازین صلح در قرن سلاحهای هسته ای

در مارس سال جاری اتحاد شوروی ابتکار تازه فوق العاده مهمی در سیاست خارجی بخرج داد . رفیق ک . او . چرننکو در هرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشنهاد کرد کشورهای دارنده سلاح هسته ای در مناسبات با یکدیگر موازین معینی را مراعات کنند که هدف از آنها حفظ صلح باشد . صحبت بر سر موازین زیر است :

- جلوگیری از جنگ هسته ای را هدف فاعده سیاست خارجی خود بشمار آورند . مانع از پدیدایش وضعی شوند که خطر درگیری هسته ای را در پی داشته باشند ، در صورت بروز چنین خطری بلا درنگ به مشاوره بپردازند تا از شعله ور شدن آتش سوزی هسته ای جلوگیری کنند .

- از تبلیغ جنگ هسته ای به هر شکل و نوع آن ، خواه جهانی و خواه منطقه ای امتناع نمایند .

- تعهد بسمارند که در بکار بردن سلاح هسته ای پیشدستی نکنند .  
 - در هیچ شرایطی علیه کشورهاییکه سلاح هسته ای ندارند و این اسلحه در اراضی آنها وجود ندارد ، سلاح هسته ای بکار نبرند . موقعیت کنونی مناطق فاقد سلاح هسته ای را محترم بشمارند و ایجاد این قبیل مناطق را در سراسر جهان تشویق و ترغیب نمایند .

- از اشاعه سلاح هسته ای امتناع ورزند ؛ این اسلحه ویا کنترل آنرا به هیچ شکلی در اختیار دیگری قرارند هند ، در سرزمین هایی که اینک وجود ندارد

آنرا مستقر نسازند ، مسابقه تسلیحاتی را به عرصه های دیگر و از جمله به فضای کیهانی  
نکشانند .

— بر پایه اصل امنیت یکسان ، گام به گام در جهت دسترسی به کاهش تسلیحات  
تا مرحله ناپودی کامل آنها ، از هر قبیل که هست ، کوشش بعمل آورند .

ابتکار تازه اتحاد شوروی بمقیاس گسترده مورد استقبال مجامع بین المللی قرار  
گرفت . در سلسله مقالاتی که در روزنامه انتشار مییابد ، شخصیت های حزبی ، دولتی  
و اجتماعی کشورهای مختلف از اهمیت این ابتکار و راههای مبارزه نیروهای صلح دوست  
برای تضمین امنیت مساوی بین رزندگان سخن خواهند گفت .

### در راه پیروزی خرد

#### پترو لادینف

عضو شورای سیاسی کمیته مرکزی حزب  
کمونست بلغارستان  
وزیر امور خارجه جمهوری توده ای  
بلغارستان

پیشنهاد رفیق ک . او . چرننکو در میرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در بلغارستان  
هم مانند سایر نقاط جهان با علاقه متوجه فوق العاده زیادی مواجه گردید . این ابتکار تازه اتحاد شوروی  
فوق العاده بوقوع و جاساست . اکنون نیز مانند گذشته مشی سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی  
بنیانگرمناقص مبرمجیاتی مردم شوروی ، خلقهای کشورهای سوسیالیستی و تمام جامعه بشری است .  
در مبارزه در راه حفظ صلح هیکانی و امنیت ، سوسیالیسم نقش پر مسئولیت و وظیفه تاریخی بعهده دارد  
که شامل حال تمام جامعه بشری است .

تدابیر لازم برای پیشگیری از بلیه هسته ای ، بویژه اکنون مبرم و ضروری است ، زیرا اوضاع  
بین المللی بنگاه محافل امپریالیستی راستگرای افراطی و مقدم بر همه ایالات متحده آمریکا ، پیش از

هر زمان دیگری چنان وخیم گردیده که بمانند آن در تمام دوران پس از جنگ جهانی دوم دیده نشده  
است . این محافل با پیروی از مشی رویارویی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ،  
بطور مدوام مسابقه تسلیحاتی را تشدید میکنند و دنبال هدف دست نیافتنی برهم زدن موازنه  
تقریبی نظامی — استراتژیک بسود خود و ایجاد شرایط برای اعمال سیاست " از موضع زور " طبق  
" جنگ صلحی " هستند که آشکارا علیه نظام اجتماعی سوسیالیستی اعلام کرده اند .

استقرار وسائل هسته ای تازه و مابرد متوسط ( ویژه وارد آوردن ضربت نخستین ) در اراضی  
یک سلسله از کشورهای اروپای غربی عضو ناتو ، خلاف اراده خلقهای این کشورها ، با تبلیغات  
گسترده ای همراه است که تلاش دارد مجاز بودن جنگ هسته ای با اصطلاح " محدود " در اروپا را  
مدلل سازد . دستگاه تبلیغاتی عظیمی با قدرت تمام در کار و کوشش است تا توده های مردم را بسا  
این اندیشه آشنا سازد و مقاصد واقعی طراحان استراتژی ناتو را پنهان کند . اینکه در این اواخر  
تلاش میکنند سیاست رویارویی چند جانبه خود را با جملاتی از قبیل " حلقه به حفظ صلح و همایلی به  
مذاکره با اتحاد شوروی و مانند اینها استوار کنند فاکت ها و واقعیت سیاسی را تبخیر نمایند . این  
فاکت ها عبارتست از : موشک های تازه آمریکا در اروپای غربی ، تجاوز علیه گرنادا و اشغال آن ، جنگ  
اعلام نشده علیه نیکاراگوئه ، تهدید کوبا ، تشدید حضور نظامی در خلیج فارس و دخاله در خاور  
نزدیک . این فبهرست بسیار ناقصی از سیاست امپریالیستی است که ایالات متحده دنبال میکند .  
ایالات متحده امریکاطی ده سال هیچ قرارداد و برادری را در باره محدود ساختن تسلیحات  
استراتژیک امضا نکرد . دولت کنونی آمریکا با تهیه نقشه با اصطلاح " جنگ ستارگان " نه فقط  
پیشنهادات اتحاد شوروی در باره جلوگیری از میلیتاریزه شدن فضای کیهانی را رد میکند ، بلکه  
پایه و اساس توافق های موجود در باره محدودیت تسلیحات استراتژیک را هم سمت میکند . سیاست  
تضعیف و تخریب تدریجی سیستم توافق ها در باره راه اندادن به درگیری هسته ای که در سالهای  
هفتاد با تشریک مساعی میان شرق و غرب ایجاد گردید ، فوق العاده خطرناک است . نقشه های  
سایر کشورهای امپریالیستی هم که در آنها مد نظر مبرم کردن نیروهای هسته ای پیش بینی شده نقش  
بی ثبات سازنده را ایفا میکنند .

البته ، کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ، همانطور که بارها و سبباً مقامات بسیار  
مسئول اعلام گردیده ، اجازه نمیدهند توازن تقریبی نظامی — استراتژیک بهم بخورد و به شفاعت  
امنیت آنها زبانی وارد آید . در عین حال این کشورها با درک وظیفه خود در برابر جامعه بشری بدون  
وقفه و انحراف برنامه فعالیت برای حفظ صلح را اجرا میکنند .

پیشنهاداتی که ک . او . چرننکو مطرح ساخت ، مظهر درخشان مشی اصولی سیاست

خارجی اتحاد شوروی است. آنها هسته اصلی مسئله اساسی دوران مابین حفظ صلح را در برمیگیرند و ضمناً بر مسئولیت عظیم رهبران کشورهایی که دارای سلاح هسته ای میباشند (در برابر نسلهای کنونی و آینده) تأکید میکنند. سرچشمه پیشنهاد هادک این واقعیت است که در مسابقه دو سیستم اجتماعی - سیاسی توسل به شاننازهسته ای و اتکا به دست یافتن به برتری نظامی مجاز نیست.

ابتکار تازه اتحاد شوروی بر فلسفه صلحی استوار است که بطور عینی بوسیله ماهیست بشر و ستانه سوسیالیسم از پیش تعیین شده است و این ابتکار مشخص کننده اصل زیرین است: از بکار بردن نیروی مادی بد به بکار گرفتن زور و ترس اتم خود داری شود. پیشنهاد شوروی بویژه از این روایع کننده است، که در سیاست خارجی اتحاد شوروی میان حرف و عمل اختلافی وجود ندارد. موازین مناسبات کشورهای هسته ای عملاً مدتی است مبنای رهنمود دهند و مسلط در فعالیت بین المللی کشور شوروی است. در اتحاد شوروی تبلیغ جنگ مدتهاست قذف شده است. در قانون اساسی و قوانین کشور اصل همزیستی مسالمت آمیز کشورهایی که دارای نظام اجتماعی گوناگون میباشند بواقع تثبیت گردیده است. در سال ۱۹۸۲ در اجلاس ویژه سازمان ملل متحد در باره خلع سلاح اتحاد شوروی بطور یکجانبه تعهد تاریخی عدم پیشدستی در بکار بردن سلاح هسته ای را اعلام داشت. در همین حال تعهد کرد آنرا علیه کشورهای فاقد سلاح هسته ای که این اسلحه در اراضی آنها استقرار یافته باشد بکار نبرد. در ضمن اتحاد شوروی تعهدی را هم که از قرارداد متوسط به عدم اشاعه سلاح هسته ای ناشی میشود تماماً کمال مراعات میکند.

ابتکاری که ک. او. چرننکو مطرح ساخته با موازین اساسی حقوق و مناسبات بین المللی که در اساسنامه سازمان ملل متحد و سند نهایی کنفرانس هلسنکی بازتاب یافته کاملاً مطابقت میکند. این ابتکار عملاً بیانگر و مشخص کننده مواد ۲ و ۴ اساسنامه سازمان ملل متحد است که طبق آن اعضای سازمان متعهد شده اند در مناسبات بین المللی خود از تهدید بیکدیگر ببردن زور و اعمال زور خود داری کنند. هدف از موازینی که در این مجموعه قوانین ویژه صلح (بر پایه اصول برابری و امنیت یکسان) ، پیشنهاد گردیده کمک به انجام صادقانه تعهداتی است که کشورهای هسته ای موافق با اساسنامه سازمان ملل متحد، پذیرفته اند. این موازین با آن قراردادهای سازمان ملل متحد هم توافق کامل دارند که اعضای سازمان ملل متحد در آنها قاطعانه بدون قید و شرط جنگ هسته ای را بمنزله دشتناک ترین جنایت علیه جامعه بشری محکوم کرده اند.

ابتکار تازه اتحاد شوروی مورد پشتیبانی کامل جمهوری توده ای بلغارستان است. رفیق ت. ژبوکف ۲۲ مارس سال ۱۹۸۴ در کنفرانس حزبی ملی اظهار داشت: "موضوع ماحلله جنگ و در

پشتیبانی از صلح، کاهش تشنج و دیالوگ شرافتمندانه، با حقوق برابری با وضوح کامل بوسیله رفیق ک. او. چرننکو در بیروت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در نطق پیش از انتخاباتی وی در مسکو بکار بکار تأکید گردید (۱).

مردم بلغارستان با علاقه خاصی از پیشنهادی استقبال کردند که بموجب آن کشورها که سلاح هسته ای دارند در هیچ شرایطی آنرا علیه کشورهای فاقد آن میباشند و سلاح هسته ای در اراضی آنها استقرار نیافته، بکار نبرند و علاوه بر این وضع موجود آن کشورها را محترم شمرده و ایجاد مناطق فاقد سلاح هسته ای در مناطق مختلف جهان را تشویق و ترفیب نمایند.

جمهوری توده ای بلغارستان بطور پیگیر و فعالانه خواستار تبدیل بالکان به منطقه آزاد از سلاح هسته ایست. شور و مشورتیهای کارشناسان دولتی کشورهای بالکان که چندی پیش در آتن بعمل آمد و هدف آن تدارک دیدار سران کشورهای سطح عالی بمنظور بررسی اندیشه خارج کردن سلاح هسته ای از این بخش اروپا بود نشان داد که پیشنهاد ایجاد منطقه بدون سلاح هسته ای در بالکان با پشتیبانی هر چه گسترده تری در مجامع و محافل رهبری کشورهای منطقه روبرو میشود. بطوریکه ت. ژبوکف خاطر نشان میسازد طرح این مسئله در شرایط بهر نرج کنونی پیروزی اخلاقی - سیاسی بزرگی بر نیروهای جنگ طلب است.

پذیرش و تصویب مجموعه موازین مناسبات متقابل کشورهای هسته ای و بدون تردید تأثیر نیکی بر تحقق اندیشه ایجاد منطقه بدون سلاح هسته ای در بالکان میبخشد.

مراعات کامل و پیگیر موازین مناسبات متقابل که ک. او. چرننکو فرمول بندی کرده از طرف کشورهای هسته ای به عادی شدن اوضاع بین المللی کمک خواهد کرد، و شرایط مقدماتی را برای دستیابی به نتایج واقعی در مسئله محدود ساختن و کاهش تسلیحات هسته ای و تأمین صلح استوار فراهم میسازد.

پیشنهادات شوروی پاسخگوی منافع حیاتی و دراز مدت خلقها است. از این رو است که برقم تلاش محافل رسمی غرب برای مسکوت گذاردن آنها هر چه بیشتر اشاعه و شهرت پیدا میکنند و مورد پشتیبانی و تفاهم افراد واقع بین قرار میگیرند.

سلاحهای نابودی جمعی و ازین بردن تمام ذخایر این قبیل سلاحها ضمن واقعی سرنگرفتن جنگ هسته ای ورهائی از پهلایای بی شمار آنست .

البته ، باید تدابیری هم اتخاذ کرد که بتوانند تدارک جنگ جدید را متوقف سازند و این تدابیر را باید هم در عرصه نظامی و هم در عرصه ایدئولوژیک تحقق بخشید . میتوان و باید چنان جستجو بین الطلی ایجاد کرد که شرایط را برای مذاکرات برپایه برابری فراهم سازد و مانع اشاعه هیستری جنگی فلج کننده عقل و خرد گردد و از خزش جهان بسوی بلیه هسته ای جلوگیری کند .

در چنین اوضاع و احوالی کشورهای "واحد سلاح هسته ای" مسئولیت ویژه ای دارند .

اخذ تصمیمهای سودمند برای سرنشست جامعه بشری ، در درجه اول ، وابسته بدانهاست . بهین سبب ابتکاری که بوسیله رفیق ك . او . چرننکوف بهرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بیان گردیده ، دارای اهمیت بنیادی است . پذیرش همگانی موازین مناسبات میان کشورهای هسته ای که پیشنهاد شده ، منتهی قابل ملاحظه ای در سالسازی اوضاع بین الطلی میبود . ابتکار شوروی امید تازه ای را برامی انگیزد و توطئه میدهد که مهمترین مسئله در ویران مایعنی مسئله صلح بسود حفظ زندگی روی سیاره ماحل خواهد شد .

کاملاً روشن است که اگر کشورهای دارندة سلاح هسته ای تمهید کنند جلوگیری از جنگ هسته ای را بمنزله هدف عمده سیاست خارجی خود بشمار آورند ، آرامش و تسکین بزرگی برای جامعه بشری خواهد بود . بد شواری میتوان هذرموجهی برای کشور هسته ای که موازین پیشنهاد شده را به حساب نیارود پیدا کرد .

پیشنهاد شوروی را بریرقطع هیستری جنگی هم سراپا حاکی از علاقه به جلوگیری از جنگ هسته ایست . این سؤال مطرح میشود که اگر ایالات متحده امریکا و یاناتو تمهید کنند که از تبلیغ جنگ هسته ای بهر شکل آن ، خواه جهانی ، خواه محدود دست بردارند که امیک از ضایع قانونی آنها به خطر خواهد افتاد ؟ فراخوان اتحاد شوروی خطاب به سایر کشورهای که اسلحه هسته ای دارند نیز فوق العاده مهم است . طی آن از این کشورها خواسته شده است با پیروی از اتحاد شوروی تمهید کنند در بکار بردن چنین سلاحی پیشدستی نکنند . تعمیم موازین پیشنهاد شده در براتیک بین الطلی راه را برای دست یافتن به حداقل اعتماد لازم برای مذاکرات سازنده میگشاید .

بطوریکه معلوم است از طرف ایالات متحده امریکا هیچ واکنش مثبتی نسبت به ابتکار شوروی بعمل نیامد . از دانشنگن دانما این مطلب بگوش میرسد که ایالات متحده باید برتری نظامی قاطع داشته باشد . محافل ارتجاعی ماجراجو راندیشه تحقق نقشه های تجاوزکارانه خود هستند و در این رویا بسر میبرند که گویا جنگ هسته ای را میتوان " محدود کرد " یا آنرا در صورت پیشدستی در وارد

## از بلیه هسته ای میتوان جلوگیری کرد

یورگن پنسن

صدر حزب کمونیست دانمارک

اکثریت کسانی که از عقل سلیم برخوردارند بروشنی می بینند که مسابقت تسلیحات هسته ای و وخامت اوضاع بین الطلی مقیاس بی سابقه ای پیدا کرده اند و خطر جنگ جهان برپا شده و باوقعبیت جدل شده است . ازین کماتیکه در برابر خطر جنگ احساس بیم و هراس میکنند ، بسیاری خود را بدین امید تسکین میدهند که هیچ شخصیت سیاسی که احساس مسئولیت میکند جرأت نخواهد کرد درگیری بوجود آورد که بتواند به بلیه جنگ هسته ای منجر گردد . این افراد که بسیاری از شرکت کنندگان در جنبش صلح بین آنها هستند ، هنوز نرک نکرده اند که وخامت اوضاع بین الطلی نتیجه سیاست کاملاً حساب شده و هدفمند امپریالیسم است . در همین حال هنوز افراد زیادی هم هستند که فعالیتی ندارند ، زیرا ، با وجود هراس و بی اعتمادی ، این را باور کرده اند که اسلحه نابودی جمعی کسونی بقدری د هشتناک است که بطور اتوماتیک مانع بروز جنگ است . آنها اینطور بخود تلقین میکنند که گویا قابلیت اطمینان تکنیکی و مراعات دقیق دستورالعمل ها از طرف کارکنان و خدمه موشکهای کونوسی تضمینی در برابر بروز حادثه ای شوم و مرگبار است . ولی فاکت ها عکس این را نشان میدهند .

بطور مثال ، همین چندی پیش دادگاهی در دانمارک علل پرتاب اشتباه آمیز موشکسی را بررسی میکرد ( خوشبختانه بدون چاشنی هسته ای ) که در یک کشتی نیروی دریائی دانمارک صورت گرفته بود . این موشک یک قصبه غیر موشکونی بیلاقی را ویران کرد . بطوریکه معلوم شد علت پرتاب شدن آن از کار افتادن سیستم کنترل بود و این سیستم از همان نوعی است که روی موشکهای امریکایی که در برخی از کشورهای اروپائی عضو ناتو کارگذاری شده است .

در روضه فوق العاده وخیم کونوسی ، انسانها یا نباید در راه امنیت خود دسته جمعی مبارزه کنند ، یا اینکه همه باهم نابود شوند . نیروهای صلح قادرند و موظفند برای دور کردن خطر نابودی از جامعه بشری گامهای تازه ای بردارند . عضویت تولید و بکار بردن سلاح هسته ای و انواع دیگر

آوردن ضربه ای که باندازه کافی شدید باشد با پیروزی خاتمه داد .

بدین ترتیب در موشی در سیاست بین المللی پدید می آید : کوشش برای پذیرش متقابل موازین برابر — رفتار نسبت به یکدیگر از طرف کشورهاییکه سلاح هسته ای دارند از یک سو و استفاده از نیرو که جنایت هولناکی علیه جامعه بشری است ، از سوی دیگر . در اینکه خلقها بچه علاقمند هستند تردید نیست .

تنها کشورهای هسته ای نیستند که در پیشرفت اوضاع بین المللی مؤثرند . دانمارک هم بمنزله عضو بلوک آتلانتیک شمالی در موشی تجاوزکارانه این بلوک مسئولیت دارد . دانمارک باید از شرکت در مسابقه تسلیحاتی ، از شرکت در گروه برنامه ریزی هسته ای ناتو ، از قرارداد های استقرار هواپیماهای حامل سلاح هسته ای در اراضی خود و از ایجاد پایگاه برای نیروهای خارجی امتناع ورزد . دانمارک باید از انعقاد قرارداد های بین المللی که مانع بروز جنگ هسته ای میشوند پشتیبانی بعمل آورد و انعقاد چنین قرارداد هایی را خواستار شود .

پیشرفت جنبش صلح در کشورهای اخیر نشان داد که دستیابی بدینها امکان پذیر است . بطور مثال دولت محافظه کار زیر فشار مجامع صلح دوست مجبور شد به ناتو اعلام نماید که دانمارک از استقرار موشک در اروپای غربی حمایت نمیکند و تصمیم گرفت پرداخت اعتبار برای اسلحه مربوط به متدارک استقرار آنها را قطع کند .

اینکه در نتیجه افزایش فعالیت جنبش ضد جنگ و بحث و مذاکراتی که طی یکسال در کشور درباره ضرورت طرح ابتکارات دانمارک در جهت تأمین کاهش تشنج انجام یافته اکثریت مردم ما و اکثریت نمایندگان فولکتینگ ( پارلمان ) از ابتکارات و مذاکرات بین المللی پشتیبانی میکنند که به شرکت دانمارک در ایجاد منطقه بدون سلاح هسته ای در شمال اروپا کمک کند .

میتوان از جنگ هسته ای جلوگیری کرد . برای این کار باید تمام کسانی که با جنگ مخالفند و شاهد دیوانگی مسابقه تسلیحات هسته ای و تدارکات جنگی میباشند متحد گردیده و فعالانه با میلیتاریسم مخالفت نمایند و امپریالیسم ایالات متحدہ آمریکا را مجبور کنند از سیاست رویاروئی و استفاده از تهدید هسته ای بمنزله ابزار سیاست بین المللی خود دست بردارد .

## تبلیغ جنگ جنایت است

جون بیتمان

عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی  
حزب کمونیست ایالات متحدہ  
آمریکا

بین موازینی که مناسبات میان کشورهای هسته ای باید تابع آن باشد ، امتناع از تبلیغ جنگ هسته ای به هر شکل که میخواهد باشد و قدغن ساختن کامل چنین تبلیقاتی اهمیت خاصی دارد . در شرایط کنونی که خطر هسته ای واضح گردیده و مبارزه علیه آن به مسئله مبرم روز مبدل شده است ، زمانیکه سلاحهای مختلف آنقدر روی هم انباشته شده که آنها نمیتوان زندگی را در سراسر کره زمین نابود کرد پیشنهادات رفیق ک . او . چرننکو فوق العاده ضروری و مبرم میگردد . به همین سبب است که مردم جهان و در رده اول مردم آمریکا با توجه خاصی به سخنان دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی گوش فرادارند .

ترددی نیست که تبلیغ جنگ هسته ای در کشور ما امنه فوق العاده گمترده ای پیدا کرده و بدون اغراق بی بند و بار گردیده است . ریگان با صدای بلند و بیشرمانه جنگ را تبلیغ میکند و وسائل ارتباط جمعی مطیع و منقاد ، سخنان تحریک آمیز او را تکرار میکنند . هیستری جنگ در هیچ کشوری تا این حد جنایتکارانه بزرگ جلوه داده نمیشود .

در دستگاه دولتی که ریگان و طرفدارانش در رأس آن قرار گرفته اند عملاً به مردم آمریکا سیاست دولتی را تحمیل کرده اند که هدف آن نابودی فیزیکی سوسیالیسم موجود و در رده اول اتحاد شوروی در جنگی برق آسا بکک سلاحه مدرن و ویژه ضربه نخستین است . محافظ خاکمه برای دست یافتن به این هدف مایلند پشتیبانی افکار عمومی را جلب کنند . به همین جهت آنها سوسیالیسم و کمونیسم را بمنزله تجسم نیروهای شیطانی شتر تصویر میکنند .

ایدهولوگ های سرمایه داری دولتی — انحصاری ایالات متحدہ آمریکا با تحریف واقعیات و دروغ آشکار درباره اتحاد شوروی ، بلافاصله پس از انقلاب اکثر ، شروع به ترسیم چنین تصویری از

سوسیالیسم کردند . نصلهای متعددی از امریکائیهها بزرگ شدند ، به پیری رسیدند و در رگد شتند بدون آنکه فیرا از این تهمت و افترا چیزی در باره سوسیالیسم موجود بدانند . ولی دولت ریگان در کوشش خود برای تلقین نفرت و نازجان نسبت به اتحاد شوروی و صیوهراس از آن در امریکائیهها و تأثیر روانی در اهالی کشورهای اینک اندیشه ضرورت جنگ هسته ای علیه اتحاد شوروی و امکان پیروزی در چنین جنگی را بهیچ بر تمام احلاف خود پیش گرفته است .

ولی بخش قابل توجهی از مردم تحت تأثیر این تبلیغات گسترده قرار نمیگیرند . بطور مثال هیچک از رهبا سازمان وائتلاف اتباع ایالات متحده که از صلح طرفداری میکنند و مخالف تدارک جنگ هسته ای میباشد به اظهارات ریگان و طرفداران او در باره اجتناب ناپذیری درگیری هسته ای با اتحاد شوروی باور نمیکنند . هیچکدام از اعضای آنها به این گفته ریگان که سلاحهای هسته ای و معمولی شوروی خیلی بیشتر از سلاحهای ایالات متحده است باور ندارند . آنها این راهم باور نمیکنند که تناسب نیروهای نظامی بسود اتحاد شوروی تغییر میکند و همین سبب است که گویا خود اندیشه موازنه نیروها و امنیت یکسان نمیتواند واقعیت پیدا کند .

هیچک از سازمانهای طرفدار صلح به این سخنان ریگان ، پوش معاون ریاست جمهوری و واین برگروزید فاع باور ندارند که جنگ هسته ای در برتوتکنیک و تکنولوژی مدرن امریکا میتواند " محدود باشد " و یا اینکه در جنگ هسته ای " میتوان پیروز شد " . این راهم باور نمیکنند که پیراژ مبارزه ضربه های هسته ای بخش بزرگی اهالی کشورهای متحده است و بماند و امپریالیسم " غالب شکست " این قبیل افکار تا بخردانه راهبران سازمان هائی که در راه صلح مبارزه میکنند بشدت محکوم کرده اند .

جنبش خواستار متوقف کردن تولید سلاحهای هسته ای به سرعت سرمایه ایالات متحده را در نوردید . با وجود روحیه ضد شوروی بسیاری از اعضای کمیته اجراییه فدراسیون کار امریکا - جمعیت کارفرمایان ، سندیکاها و طبقه کارگر در این جنبش شرکت میکنند . سندیکا سراسری همین ملتها ماشینت ها و کارگران صنایع هواپیما سازی و فضانوردی ، فدراسیون کارمندان ارگانهای اداری ایالات نواحی و شهرهای امریکا ، سندیکا متحد همین ملتها کارکنان صنایع غذایی و بزرگانسی سندیکا متحد کارکنان صنایع و زندگی و پارچه بافی ، شرکت ملی کارکنان فرهنگ ، شعب برادری سراسری ملی رانندگان ماشین های باری و کارگران انبارها و غیره از خواست متوقف ساختن تولید سلاحهای هسته ای پشتیبانی کردند .

بسیاری از اتحادیه های صنفی دیگر اقداماتی که در هفته مبارزه در راه صلح و کار عمل آمد و در ۷ شهر صنعتی برگزار شد شرکت کردند . قطعنامه های حاوی خواست متوقف ساختن تولید سلاح

هسته ای را جلسات مجامع قانونگذاری يك سلسله از ایالات و شوراهای شهر در نقاط مختلف کشور بتصویب رساندند ، این قطعنامه ها در سنای مجلس نمایندگان ( پارلمان ) مطرح گردیدند .

تیلیخ " جنگ هسته ای پیروزی بخش " بشیوه ریگان با مخالفت دانشمندان ، افسران سابق نیروهای مسلح و نمایندگان برجسته دولت های قبلی ایالات متحده مواجه میگردد . سازمانهای پزشکان خواستار مسئولیت اجتماعی و مرکز اطلاعات دفاعی هم در افشای دروغ مربوط به جنگ هسته ای " محدود " و افکار جنون آمیز و این برگر نظیر " پیروزی " در جنگ هسته ای جهانی سهم خود را دادند . فیلم های تلویزیونی مانند " يك روز بعد " هم که حالا شهرت جهانی یافته به افشای دروغ های ریگان کمک کردند .

با اینهمه جنون ملین جنگ حد مرزی ندارد . پاپئس " کرملین شناس " عمدتاً ریگان عضو شورای امنیت ملی گستاخانه اعلام میکند گویا " ارتغاتی که البته دهشتناک است میتوان کاست ، اگر بدقت برای این کار آماده شویم و اگر هزم و قاطعیت قلبه در درگیری فرسایشی هسته ای را داشته باشیم " .

اما بوش چگونگی اظهار نظر کرده است . در پاسخ به این سؤال که " چگونه میتوان در جریان مبارزه ضربه های هسته ای پیروز شد ؟ " او گفت : " شما فرماندهی نیروها ، پتانسیل صنعتی ، درصد معینی از شهروندان را حفظ خواهید کرد و قادر خواهید بود خسارات بیشتری از آنچه طرف دیگر شما وارد میآورد ، به او وارد آورید " . در پاسخ این سؤال که چند درصد اهالی زند خواهد ماند ، بوش جواب داد : " بیش از پنج درصد " . شاید او فکر میکند که خود شرم بین آنها خواهد بود . نباید تعجب کرد ؛ زیرا ، اینکه محافظ حاکمه سرمایه داری دولتی - انحصاری اقدامات مخفیانسه پیشگیرانه ای بعمل میآورد تا خود ، خانواده و دوستانشان را نجات دهند تقریباً بر همگان معلوم است . آنها توتل های سونکرهائی ( پناهگاه ) در زیر کوهها ایجاد کرده اند و مواد غذایی و وسایل ولوازم ضروری را هم از هم اکنون در آنجا قرار داده اند . این پناهگاهها بوسیله سیستم بمب سرنج امنیتی از دستبرد مردم امریکا محافظت میشود . در سال ۱۹۷۹ در دایره ای به شعاع سیصد میل از واشنگتن چند مرکز فرماندهی زیرزمینی ساخته شد . در یکی از آنها بسته های عظیم دلار قرار داده شده است . جونسون که یکی از کارمندان پنتاگون است ، لا بد تصور میکند که این دلارها پس از جنگ بکار میآیند . بطور مثال او اعلام کرد که گویا ۹۸ درصد اهالی امریکا جان سالم به در خواهد برد . او گفت : " این کاراز همه ساخته است . گودالی بکنید بروی آنرا با تخته بپوشانید ، بعد روی آن را تاسه فوت خاک بریزید . همین خاک شما را نجات میدهد " .

این قبیل افراد را باید به بیمارستان مخصوص دیوانگان خطرناک سپرد . ولی آنها آزاد



زندگی میکنند و اکنون نقشاً آنرا میکشند که برنامه‌های جنون آمیز خود را چگونه تحقق بخشند. وسایل ارتباط جمعی هم بطور گسترده برای جنگ تبلیغ میکنند. موج تبلیغات ضد کمونیستی ضد شوروی تبلیغ امکان پیروزی در جنگ هسته ای "محدود" ویا "فرسایشی" بدون وقفه هر روز، هر هفته و هر ماه، هر روز شب، از بالای صفحات اکثر روزنامه‌ها، مجلات، کتابها، از پرده سینما و تلویزیون و از بلندگو هامردم را احاطه کرده است.

انتخابات رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا نزدیک میشود. ششم نوامبر شهروندان آمریکا امکان پیدا میکنند ریگان را از حکومت برکنار سازند. این ضربه جدی به آتش افروزان جنگ میباشد.

## از خزش به لبه پرتگاه جلوگیری کنید

بریسون کیت

دبیرکل جنبش خلق هستهای  
انگلستان

در زمینه خطر جنگ هسته ای این نکته روشن است که اگر موازینی که اتحاد شوروی برای مناسبات بین المللی پیشنهاد کرده از طرف همگان پذیرفته میشد جهان ما امن تر میگردد. خطر آغاز چنین جنگی با تولید انواع تازه سلاحهای بی شائبه گنده افزایش مییابد.

شش سال پیش در سال ۱۹۶۸ در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد خلع سلاح نظر همه آهنگ مجامع بین المللی بدین شکل بیان گردید: "برطرف ساختن خطر جنگ هسته ای جهانی، مبرمترین و حیاتیترین وظیفه در حال حاضر است. جامعه بشری در برابر درواهی قرار گرفته. با ما باید مسابقه تسلیحاتی را متوقف سازیم و به خلع سلاح بپردازیم یا نیستی و نابودی ما را تهدید میکند". این سند از نتیجه گیریهای گزارش کمیسیون پالمه (۱) هم گام را فراتر

۱ - مقصود کمیسیون بین المللی خلع سلاح و امنیت در جهان است که در سال ۱۹۸۰ بمنزله ارگان بین المللی مستقلی ایجاد گردید. شخصیت های برجسته اجتماعی و سیاسی نمایندگان کشورهای آنی که دارای نظام اجتماعی گوناگون میباشند، در آن عضویت دارند.

نهاده است. در گزارش گفته شده است که در قرن اتنی ما افزایش تسلیحات به امنیت کسی نمیافزاید ولی خطر همگانی را تشدید میکند.

موازینی که اتحاد شوروی پیشنهاد کرده عقلی است و من امیدوارم تمام کسانی که بدین امر علاقمند هستند ( و باید گفت همه ما باید در این کار به یقین باشیم ) با نظر موافق آنها را بررسی کنند. این نیز روشن است که این قبیل موازین تعامسایلی را که در برابر ما قرار دارد در بر نمیگیرد. مثلاً، پیشنهاد مربوط به مجاز نبودن اشاعه بیشتر سلاح هسته ای حالی را که از قرارداد مربوط به عدم اشاعه سلاح هسته ای ناشی میشود در بر نمیگیرد. این پیشنهاد در عین مخالفت با گسترش تعداد کشورهای واجد این اسلحه، واگذاری تکنولوژی هسته ای را قانع نمیکند. میدانیم که وجود راکتورهای اتنی امکان تولید بمب اتنی را هم فراهم آورد. این همشگوشه‌ها هنجار است که تعداد زیادی از کشورهای هائی که امکان دارند در راه خطرناک بدست آوردن سلاح هسته ای گام نهند، قرارداد عدم اشاعه را امضاء نکرده اند.

در ارتباط تازه اتحاد شوروی بخشی که خواستار قذف کردن تبلیغ جنگ است بسیار مهم است. مانده فقط از گفتار و کرداری که تحقیر و تنفر نسبت به سایر خلقها پایه‌های آنها را تشکیل میدهد باید امتناع بورزیم، بلکه با انرژی بیشتری باید پهل های تغافل مقابل و دیالوگ را برقرار سازیم. سازمان های غیردولتی در تحقق این وظیفه نقش فوق العاده مهمی میتوانند ایفا کنند.

جمله: "اصل امنیت یکسان" در مجموعه موازین پیشنهاد شده اثر خصوصی در ضمن بخشید. این یک فرمول بندی سازنده است. امنیت یکسان نباید بمنزله برابری کفی در تسلیحات هسته ای تعبیر شود و بطور کلی قدرت تخریبی جنگی را دیگر نباید بمعنا به یگانه راه امنیت واقعی بشمار آورد. ما باید جهانی بسازیم که حل مسائل بین المللی در آن بوسیله کشتار انسانها همانقدر مجاز نباشد که اکنون قتل در داخل کشورها مجاز نیست.

پذیرش همگانی موازینی که شوروی پیشنهاد کرده، اگرچه تمام معضلات بین المللی را حل نمیکند، ما را به میزان قابل توجهی در راه کاهش تشنج کنونی و جلوگیری از زید ایشرو ضعی نامعقول به پیش میرود. هیچ انسانی که از عقل سلیم برخوردار باشد نمیتواند خواستار جنگ هسته ای باشد، ولی این هنوز تضمینی برای درنگ رفتن آن نیست. تا حال چندین بار در مؤسسات و دستگاههای هسته ای هیئت منقوص و خرابی پیدا شده و تکرار آن نیز امکان پذیر است، در کار کمیونترها هم نقص و خرابی بوجود آمدن مییابد، امکان فراروشی درگیریهای منطقه ای به وضعی که کشورهای هسته آرا وارد صحنه کنند نیز وجود دارد و در وقت روز افزون سلاح هسته ای پایه و اساسی برای ترس در مقابل ضربه پیشگیرانه نخستین است.

تصور می‌رود تعهد عدم پیشدستی در کنار بردن سلاح هسته‌ای، برای کاهش تشنج و کاهش از بسک جنگ هسته‌ای اهمیت بسیار زیادی داشته باشد. اغلب می‌گویند چنین تعهد اتسی جنبه کاملاً لفظی دارد و فاقد نیروی مؤثر عملی است. با اظهار می‌کنند که هر شکل استفاده از سلاح هسته‌ای خلاف اخلاق و غیرقانونی است (و نظرم این درست است)، البته، صرف نظر از اینکه چنین اقدامی برابر با خودکشی است.

ولی تعهد غربی و شرقی با اینکه در کنار بردن سلاح هسته‌ای پیشدستی نکنند، بمنزله گامی در جهت صحیح فعلاً بقیمت است. استقرار سلاح ویژه ضربه نخستین را بکامک وسائل تکنیکی موجود میتوان نسبتاً بزودی معلوم کرد. اگرچه این جریان جدی برخورد شود، چنین تعهدی کنار گذاشتن سلاحی را درین میدانست که در جنگ هسته‌ای برای عملیات جنگی در نظر گرفته شده و در ضمن بدان سبب استقرار یافته که در وضع بحرانی برای تبدیل درگیری معمولی به درگیری هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. در جزوه‌ای که دولت بریتانیا انتشار داده و ویژه تبلیغ موشک‌های بالذ است جمله ای وجود دارد که اینک بر سرزبانها افتاده است: "مقصود از کنار بردن آنها قانع کردن رهبری روسی به اینست است که در آخرین لحظه باید عقب نشینی کند". معلوم میشود، برخی از کسانی که این قبیل نقشه‌ها را میکشند باور دارند که جنگ هسته‌ای "محدود" امکان پذیر است و یاد در شرایطی که کلاهک‌های هسته‌ای (کنشیرویی تخریبشان چندین بار بیشتر از معمولی است که بر فراز هیروشیما منفجر گردید) بمسوی هدف روانه شده اند میتوان انتظار سؤال و جواب منطقی داشت.

متأسفانه مسئله پیشدستی نکردن در استعمال سلاح هسته‌ای را با مسئله دیگری یعنی سطوح نیروهای غیر هسته‌ای بشدت بهم ارتباط داده اند. البته، این مسئله بخودی خود بسیار مهم است، زیرا در باره پتانسیل تسلیحات معمولی و خطری که دارند ارزیابی‌های متضادی بعمل می‌آید. بنا بر این داشتن اطلاعات واقعی و قابل کنترل در باره تسلیحات معمولی حائز اهمیت است. ما هم باید به این کار کمک کنیم. ولی امتناع از تعهد عدم پیشدستی در کنار بردن سلاح هسته‌ای با این دستاویز که گویانوع تکنیکی آن بشکل معینی میتواند مکمل تسلیحات عامی باشد، عاقلانه نمی‌رود.

از تعداد کسانی که تصور میکنند میتوان جنگ هسته‌ای را در سطح پائینی (اگرچه فاجعه آمیز) و پیش از آنکه کار به تبادل گسترده و شدید ضربه‌ها ی هسته‌ای برسد متوقف ساخت به سرعت کاسته می‌شود. اگر کسی باین گروه تعلق نداشته باشد، نمیتواند نهنند که صحبت از کنار بردن سلاح هسته‌ای، بوجهی معنی است، زیرا در چنین موردی اصطلاح "اسلحه" برای سلاح هسته‌ای معنی و مفهومی ندارد. تعهد عدم پیشدستی در کنار بردن سلاح هسته‌ای، در بخشی که به سیستم تسلیحات مربوط میشود حداقل "تئوری نیروهای ضربه متقابل" را ازین میبرد و ما را بحالت اولیه باز دارند و

اگرچه توأم با خشونت، بر میگرداند. به متوقف ساختن تولید تمام وسائل باز دارند و تکمیلی بمنابۀ شرط مقدّماتی کاهش قابل توجه ذخایر کشورهای هسته‌ای هم بمنزله تدبیری بموازات این اقدام میتوان امید وار بود.

چون علاقمند کاملاً واقع بینانه اظهار نظر کنیم باید اعتراف نمایم که باور کردنی نیست که بخش اعظم سکنه بریتانیا، با پیشنهادات اتحاد شوروی آشنا باشد یا برای بررسی جدی آنها امکان بدست آورده باشد. در اینجا اکثر مردم تصور بسیار سطحی و شیرواحی از خطر جنگ هسته‌ای دارند و نمیدانند بخاطر چنینست که در عرصه بین المللی اتهامات و اتهامات متقابل مطرح میشوند. گروههایی از قبیل شعبه‌های سازمان ملل متحد، جنبش در راه خلع سلاح هسته‌ای و شورای ملسی صلح، بدون تردید پیشنهادات شوروی را بمنزله بخشی از کارهای معمولی خود منتشر میکنند و هدفشان همگامی از میزان بهبود سراسر و خصومت است. از لحاظ سازمان دادن تبلیغات گسترده میان مردم، بعقیده من، با تمرکز روی گامهای کاملاً ضروری و مبرم و عملی مانند متوقف ساختن تولید سلاح هسته‌ای، موضوعیت کامل آزمایش‌های هسته‌ای و عدم پیشدستی در کنار بردن سلاح هسته‌ای ممکن بود تمهیزات زیادی در افکار و عقاید عمومی بوجود آورد. فقط تعداد کمی از مردم بریتانیا از موضعگیری بسیار منفی دولت مادر با خلع سلاح که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیته سازمان ملل متحد ویژه خلع سلاح در ژنو بر ملا گردیده، راضی هستند. بسیاری کسانی که اغلب از اصطلاح "مذاکرات چند جانبه" که دولت در تبلیغات خود علیه جنبش طرفداران خلع سلاح هسته‌ای و جنبش در راه صلح بکار میبرد، استفاده میکنند، بدون آنکه از تاریخچه طولانی بی‌ثمر بودن مذاکرات چند جانبه با خبر باشند.

بهمین جهت من ماهم گامهای دیگری بمنظور روشن ساختن آذهان مردم، شاید از طریق سازمان ملل متحد و مقیاس جهانی برای خلع سلاح و همچنین در مورد جریان مذاکراتی که در ژنوو انجام میگیرد، برداشته شود. بنظرم سطح این مذاکرات را نباید ارتقا داد و درباره جریان آن نیز اطلاعات بیشتری به مردم داد.

اگر با اختصار بگوئیم هیچ انسان آگاه و با حسن نیتی با موازینی که پیشنهاد شده مخالفت نخواهد کرد. ولی مادر بریتانیا هنوز در مرحله‌ای هستیم که برای آنکه این آگاهی همگانی گردد باید گامهای فوری دیگری برداشته شود. اکنون که ذخایر هسته‌ای بمیزان غیر قابل تصویری رسیده و واحد و مرزها ویژه باز دارندگی گذشته، پیشنهاد مربوط به متوقف ساختن دو جانبه و چند جانبه همه آزمایش‌ها، تولید و افزایش و استقرار سلاح هسته‌ای فوق العاده قانع کننده است. با وجود این در کشور ما بسیاری از کسانی که خطر بار سنگین هزینه‌های تسلیحاتی را در نظر گرفته اند، هنوز هم

نمیدانند دولت انگلستان با اینگونه ابتکارات که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بعمل میآید ، مخالفت میکند .

آ. اینشتین که در پیدایش قرن اتم سهم مسئولیتی بحمه دارد ، پس از هیروشیما و ناکا زاکی گفت با تجزیه اتم همه چیز تغییر کرد غیر از طرز تفکر ما و همین جهت ما بسوی بلیه ای می خزیم که نظیرش تا کنون دیده نشده است .

طرز تفکر ما در باره جنگ هنوز شکل پیش از آغاز قرن اتم باقی مانده است . بنا بر این وظیفه عمده همه ما تغییر این طرز تفکر است . پیشنهادات شوروی در ردیف سایر ابتکارات سازنده در جهان کنونی قرار دارند . در پیشنهادات شوروی موازین گرانبهائی مطرح میشود که اگر مورد قبول واقع شوند به متوقف ساختن پیشروی کورکوران و جنون آمیز بسوی بلیه ای هلاکتبار یاری میرساند .

### راه عملی و واقعی

#### بوهوسلاو کوچرا

صد رجزب سوسیالیست چکسلواکی  
صد رزمیته امنیت و همکاری اروپا

ابتکار رهبری شوروی شایسته توجه بسیار جدی است . ما در شرایط بین المللی بفرنجی زندگی میکنیم . زمانی است که مناسبات میان کشورها و در درجه اول آنهایی که بدو گروه بندی نظامی - سیاسی عمده ( پیمان ورشو و ناتو ) تعلق دارند به میزان قابل توجهی وابسته به سیاست کشورهای است که صلاح هسته ای در اختیار دارند . هر فرد هشیاراوند یسعدنی میدانند اگر تمام کشورهای که صلاح هسته ای دارند موازین و اصولی را که او . چرننکو فرمول بندی کرده مبنای سیاست خود قرار میدادند چه چرخش بزرگی در اوضاع کنونی جهان پدید میآید . زیرا این موازین تدابیر اساسی را در بر میگیرند که عملاً میتوانستند تغییرات قاطع و مثبتی در وضع بین المللی بوجود آورند . ما هم این نکته را علاوه کنیم که ابتکار شوروی از نقطه نظر دیگری هم حائز اهمیت است . فراخوان رهبری شوروی به شکل قانع کننده ای ب همه مردم جهان ثابت کرد که در اتحاد شوروی نه فقط عمیقاً این را درک میکنند که مقیاس خطر بلیه هسته ای تا چه اندازه بزرگ است ، بلکه گامهای

را پیشنهاد میکنند که در صورت حسن نیت همشکرت کنندگان میتوان برای جلوگیری از این خطر برداشت . موازین مناسبات میان کشورهای هسته ای کنونی مجموعه قوانین مسئولیت هسته ای آنها را بوجود میآورند ، مقدم بر هر چیز ، بدین سبب باید مراعات کرد که اینک تقریباً چهل سال است که ما همه در قرن هسته ای بسر میبریم . درست است که دانشمندان زود تر به این قرن گام نهادند ، ولی قرن هسته ای با چهره دهشتناک جنگی خود سحرگاه ششم اوت سال ۱۹۴۵ در برابر جامعه بشری نمایان گردید و این روزی بود که نخستین بمب اتمی امریکا در هیروشیما منفجر گردید . این بمب طی چند ثانیه چندین ده هزار نفر انسان را کشت و یا بشدت زخمی کرد . دهها هزار نفر در اثر تشعشعات اتمی بهلاکت رسیدند . چنین است بیلان دهشتناک نخستین حمله هسته ای . بدینها باید سرنوشت ساکنان ناکا زاکی را هم که پس از حمله هسته ای ایالات متحده امریکا ( روز نهم اوت ۱۹۴۵ ) به شهر تند رستی و جان خود را از دست دادند ، افزود . اینهاست آنچه را که ما در هیچ شرایطی حق نداریم فراموش کنیم .

باید همیشه بیاد داشت که کشورهای هسته ای اینک هزاران واحد از این سلاح مرگبار ، و از انواع مختلف در اختیار دارند که نیروی نابود کننده هر یک از آنها چندین بار بیش از نخستین بمب اتمی است . برای تصویر این منظره با استعداد و قدرت تجسم زیادی لازم نیست که درگیری هسته ای ناگزیر به چه پایان دهشتناکی من انجامد . دعاوی طراحان استراتژی و سیاستمداران ایالات متحده در باره امکان با اصطلاح برخورد هسته ای " محدود " یا " دورنمای غلبه در جنگ هسته ای هم لا طاقلی بیش نیست .

من یقین دارم که اگر کشورهای هسته ای تعهد کنند مجموعه موازین صلحی را مراعات نمایند که اتحاد شوروی پیشنهاد میکند ، این خود عملاً خطر درگیری هسته ای را منتفی میسازد . در این صورت به اعتماد میان کشورها افزود میشود و انجامد اکرات در باره مسائل مورد اختلاف سهل تر میگردد و برای پیشرفت سریع همکاری امکان فراهم میشود . این ، برای ما اروپائی ها ، همچنین مایه امید یهود که آتشسوزی هسته ای قاره ما را نابود نخواهد کرد .

تاریخ سالها و ماهها ی اخیر نشان داد که مردم جهان نسبت به مسئله خطر جنگ و در درجه اول جنگ هسته ای فوق العاده حساس میباشند . من اغلب باید به کشورهای سرمایه داری مسافرت کنم و بلا واسطه با نمایندگان پارلمانها ، سیاستمداران و شخصیت های حزبی و سندی یکائی ، افراد یازتظام قشرهای جامعه و متخصصین حرفه های گوناگون بحث و گفتگو کنم . بخش بزرگی از آنان سیاست " از موضع قدرت " را در میکنند ، اگر چه آنها در ایالات متحده امریکا و کشورهای اروپای غربی تبلیغ نموده و محافل حاکمه اعمال میکنند .

در ضمن عده ای از شخصیت های برجسته سیاسی و اجتماعی این کشورها هرگونه ماجرایی را که بتواند به جنگ هسته ای انجام دهد میبندد. توده های انبوه مردم در کشورهای اروپای غربی هم در همین موضع قرار دارند و فعلاً نه میکوشند خطر هسته ای را دور کنند. کافیسست ما به مخالفت گسترده با سلاح نوترونی و در این اواخر مخالفت با استقرار موشک های امریکائی ویژه وارد آوردن ضربت نخستین استناد کنیم. جنبش های گوناگون اجتماعی و سیاسی سازمانهای مختلف، از جمله انترناسیونال سوسیالیستی ابتکارات ضد جنگ مهی اراشه میکنند.

من معتقدم که جنبش امنیت اروپا میتواند برای تبلیغ موازین مناسبات میان کشورهای هسته ای کار زیادی انجام دهد. اکنون که مسائل مربوط به افزایش اعتماد در راستکلم مورد بحث بررسی است، پذیرش چنین موازینی برای تعمیق اعتماد سیاسی، نه فقط میان کشورهای هستهای بلکه به قیاس بسیار وسیع تری اهمیت فوق العاده زیادی میباید.

این نیز خود مسئله ایست که در جهان کشورهای وجود دارند که قادرند سلاح هسته ای بسازند و یاد آینده نسبتاً چندانی در وی آترا بدست آورند. به همین جهت، این موضوع قابل درک است که جلوگیری از انتشار این اسلحه بهر طریقی که باشد چقدر مهم است و ندان آن بکشورهائی که فاقد آن هستند، عدم استقرار آن در کشورهای موجود ندارد و منتقل ساختن مسابقه تسلیحات هسته ای به عرصه های دیگر و از جمله به فضای کیهانی تا چه اندازه حائز اهمیت است. در همین اینصورت نه فقط هر نوع مذاکراتی در باره فسد و ساختن و نابودی آن در آینده مشکل میبود، بلکه به تلاش و کوشش در این جهت هم که در جهان و از جمله در اروپا، تا حد ممکن مناطق بدون هسته ای گسترده ای پدید آید بطور جدی زبان وارد میآید. برای ایجاد چنین مناطقی چندین طرح وجود دارد. اگر طبق موازینی که اتحاد شوروی پیشنهاد میکند مناسبات میان کشورهای هسته ای بهبودی باید امید واقعی به تحقق این طرحها محکمتر میگردد.

جنبه دیگری هم که بدین امر مربوط میشود این است که مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی منتقل نگردد. اکنون ایالات متحده امریکا نقش سلیبتاریزه کردن فضای کیهانی را میکند. برزید نیست ریگان در نخستین روزهای آوریل فهاوند که کامل نیست با اتحاد شوروی هیچ نوع مذاکره ای بعمل آورد که هدف از آن انعقاد قراردادی باشد که سلاح ضد ماهواره را قذف کند. ریگان قبلاً هم بارها موافقت خود را با ساختن سیستم های فضائی ضد موشک که در آنها از مدرن ترین تکنولوژیها، مانند توپ های لیزر و نظایر آن استفاده شود، بیان کرده بود. بنظر من، لازم باشد هر چه زودتر به قراردادی متقابل میان کشورهای هسته ای دست یابیم که بموجب آن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی گشاندن نشود. زیرا پیشرفت بسیار سریع تکنولوژی که اینک ما شاهد آن هستیم، میتواند چنان خطرناک

بوجود آورد که حتی تصور آن به شکل است.

پیشنهاد کنکرت اتحاد شوروی وسیله واقعی جلوگیری از خطر هسته ایست. این خطر در صورتیکه تمام کشورهای هسته ای و از جمله چین مجموع موازین مسئولیت هسته ای را بپذیرند کاهش خواهد یافت. در این اواخر ما بارها از واشنگتن سخنانی در باره تعامل به دیالوگ و مذاکرات شنیده ایم. ولی حرف باید عمل درین داشته باشد و همین پیشنهادات شوروی زمینه ای برای عمل است.

\* \* \*

میلونها تن از افراد با حسن نیت در همه کشورهای عقیده دارند که تمهید موازین مناسبات

میان کشورهای هسته ای که اتحاد شوروی پیشنهاد کرده و دادن خصلت اجباری به این

قبیل موازین بمعنی تحکیم واقعی امر صلح و کمک به کاهش تشنج است. این موازین خواستار

حذف هرگونه خودسری و خودکامگی در زندگی بین المللی است، زیرا در قرن اتم سیاست

اعمال زور میتواند فاجعه ای برای جامعه بشری به بار آورد. هیئت تحریریه مجله با انتشار

نظریاتی که درباره ابتکار شوروی ابراز کرده و با توجه باینکه این ابتکار گام تاریخی در جهت

بازسازی مناسبات میان کشورهای بر پایه خرد و منطق است، امیدوارست، بدینوسیله مجله

به آشنائی عموم مردم با این پیشنهادات اتحاد شوروی روشن ساختن کامل وظیفه نیروهای

صلح دوست در مبارزه برای از بین بردن خطر جنگ هسته ای یاری رساند.

## آتش پرومته را نمیتوان خاموش کرد

علی خاوری

عضو هیبری حزب تودا ایران

تقریباً همه روزه خبرگزاری‌ها اخبار نگران‌کننده‌ای از ایران نقل میکنند.

از گانه‌های سرکمر جمهوری اسلامی به‌خشن‌ترین و بیرحمانه‌ترین شکلی نیروهای دموکراتیک، مترقی و مصلحت‌پرست کشور در رتبه اول پیش‌تازانان حزب توده ایران را مورد تشبیه و فشار قرار داده‌اند. تبلیغات رژیم برای اعتبار ساختن کمونیست‌های ایران از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کند و متخرف، دروغ و تباهی و افترا متوسل می‌شود (۱). بدین مناسبت هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" باردیگر از رفیق خاوری خواهش کرد با توجه به تجربه شخصی خود مطالبی درباره سهم ارزنده حزب خود در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه، علیه امپریالیسم و مبارزه در راه آزادی و استقلال ایران، برای خوانندگان مجله بیان دارد. ما پاسخ‌های رسیده را با چاپ می‌رسانیم.

— لطفاً بگوئید چه وقت و در چه شرایطی شما عضو حزب توده ایران شدید و چه چیزی شمارا واداشت که در زندگی خود به چنین گزینش پر مسئولیتی دست بزنید؟

۱ — رجوع کنید به: علی خاوری. حزب را به‌صلاحه کشیده‌اند تا انقلاب را متلاشی سازند. مجله "مسائل بین‌المللی" شماره ۱، سال ۱۳۶۳.

— سال ۱۹۴۱ در زندگی مردم ما جای ویژه‌ای دارد. در آن هنگام جهان در آتش جنگ جهانی دوم می‌سوخت. ارتش قهرمان سرخ در برابر حملات اوباشان هیترری مقاومت میکرد. در دست مرتجع رضاشاه پهلوی حاکمیت‌های خود را تقویت می‌کرد. آلمان هم بنوعی خود در نقشه‌های ماجراجویی نظامی خویش جای مخصوصی برای ایران قائل بود و اندیشه استفاده از منابع اقتصادی و وضع استراتژیک آن در مبارزه علیه اتحاد شوروی و انگلستان را در سر می‌پروراند. بمنظور عقیم کردن مقاصد فاشیسم و پایان دادن به فعالیت‌های خرابکارانه عمال آن در ایران ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱ با تکرار دولت انگلستان ارتش‌های انگلیس و اتحاد شوروی وارد کشور شدند (۱). این عمل متفقین در ائتلاف ضد هیترری ضربه محسوس به دیکتاتوری پهلوی شاه که از ایران طرد شد، وارد ساخت. با وجود آنکه رژیم نیمه فئودالی برجای مانده امکانات معینی برای دگرگونی و تحولات بورژوا-دموکراتیک بوجود آمد (۲).

در این شرایط، گروهی از کمونیست‌هایی که پس از سال‌های دراز از زندان آزاد شده بودند با نمایندگان جناح پیشرو جنبش کارگری متحد گردیده و در دوم اکتبر سال ۱۹۴۱ (دوم مهر ۱۳۲۰) حزب توده ایران را تأسیس کردند (۳). سه ماه بعد من به عضویت آن درآمدم و همین تعیین کننده تمام دوران بعدی زندگی من بود.

انگیزه ورود به سازمان افراد آن‌ها این بود که تا این اندازه غیر معمولی و متفاوت با دیگران بودند (آنوقت، اینطور به نظر می‌آمد) چه بود؟ بجای پاسخ اجازه بدید بخش از سخنانم در دادگاه نظامی در سال ۱۳۴۵ را که در جریان آن دادستان برای من و رفیق تقاضای حکم اعدام کرده بود متذکر شوم.

"کودکی منم، مانند میلیون‌ها کودک دیگر ایرانی در تنگ سستی شدید گذشت. من شاهد فقر، گرسنگی و بی‌رحمی و عذاب مردم بودم و نمیتوانستم نسبت بدان بی‌تفاوت باشم. برای بهبود زندگی و تسهیل سرنوشت بینوایان چه باید کرد؟ این سوالی بود که لحظه‌ای از نظر من دور نمی‌شد. اما من قادر بودم خیلی چیزها نبودم و چرا سرنوشت کودکانی که در خانواده‌های تنگ دست و ثروتمند بدینا آمده‌اند اینقدر بهم تفاوت دارد و در قطب ثروت و فقر از یکدیگر جدا شده‌است و چرایی قادر نیست کاری پیدا کند و نان و دارو ندارد، محکوم به نابودی است و بچه سبب مردم ما، با آنکه کسرت‌های

۱ — دولت اتحاد شوروی در اقدامات خود به حقوقی متکی بود که قرارداد سال ۱۹۲۱ شوروی و ایران بدان داده است.

۲ — پس از استعفای رضاشاه پهلوی، پسرش محمد رضا پهلوی به سلطنت رسید. هیئت تحریریه.

۳ — حزب توده ادامه دهنده کار فعالیت حزب کمونیست گردید که در سال ۱۹۲۰ ایجاد و در سال ۱۹۳۱ از طرف دولت غیرقانونی اعلام شد. هیئت تحریریه.

طبیعی بیشماری در اختیار دارند در قزوین دست بر میزنند ؟

در این جریان بود که با جهان بینی علمی حزب توده ایران آشنا شدم . برنامه و اندیشه های اجتماعی آن پاسخ به پرسش هایی بود که مدت طولانی مرا متوجع میدادند . به همین سبب بسا اعتقاد کامل و آرزوی شدید آزادی زحمتکشان ایران بصوف حزب پیوستم . . . .  
این سخنانی که سالها پیش گفته شده است هنوز از مسائل مبرم روز است .

— تاریخ دهه های اخیر ایران با مبارزه طبقاتی کارگر و پشاهنگ آن یعنی حزب توده ایران ارتباط بسیار زیادی دارد . آیا میتوانی درباره اینکه حزب توده ایران در مراحل مختلف و شرایط گوناگون چگونه در راه حق حاکمیت ملی و دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه میکرد توضیح دهی ؟

— همانطور که یاد آوری کردم حزب توده ایران در گرما گرم جنگ جهانی دوم بوجود آمد . از آن زمان به بعد شما هیچ رویداد ملی و بزرگ یا جنبش اعتراضی نیرومند ایرانی بینید که مهر نشان شرکت فعال حزب ما را نداشته باشد . مبارزه علیه دیکتاتوری شاه ، فاشیسم ، استعمار انگلستان با علیه اسارت ایران بوسیله درند قهرموند تری مانند امپریالیسم امریکا ، اشتراک فعال در تدارک انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی سال ۱۹۲۹ ، دفاع کشور در برابر دست اندازی و تجاوز ارتجاع داخلی و خارجی همه صفحات درخشان تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم ایران است که با فعالیت حزب توده ایران ارتباطی ناگسستگی دارد .

خوب بخاطر دارم که رژیم سلطنتی شاه چگونه میکوشید مردم را با روحیه طرفداری از فاشیسم تربیت کند . رژه های پرخرج ارتش ، شعارهای شوونیستی ( مانند " ما ، آریائی ها ، خواستار احیای عظمت باستانی امپراطوری ایران هستیم ) " ) و هیستری لجام گسیخته ضد کمونیستی افکار بسیاری از ایرانی ها ، بویژه نمایندگان روشنفکرانی را که از تشریح های روز و شب و خرد و بورژوازی بودند مسموم و گمراه میکرد .

حزب توده ایران از نخستین روزهای موجودیت خود با حرارت و انرژی به مبارزه علیه طاعون فاشیسم پرداخت . روزنامه " مردم " که کمونیست ها منتشر میکردند و بعد ها ارگان مرکزی حزب توده ایران شد ، به ستاد واقعی جنبش ضد فاشیستی مبدل گردید و در مقابل تبلیغات هوا فربه پانگه و مقاصد کسانیکه میخواستند رژیم " نظم نوین " بشیوه هیترلینها برقرار سازند ، نقش برجسته ای ایفا کرد .

علاوه بر این ، حزب بد رستی خطری را که سلطه امپریالیسم انگلستان بر صنایع نفت ایران

برای حاکمیت ملی ما بوجود میآورد خاطر نشان ساخت و خواستار لغای قرارداد غارتگرانه کمپانی نفت انگلیس و ایران گردید . اعتصاب عمومی کارگران نفت در ژوئیه ۱۹۴۶ برهبری حزب توده به جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک در ایران و همچنین به تظاهرات عظیم بمنظور احیای حقوق مردم ایران در تعلق ثروت نفت کشور نیروی محرکه تازه ای بخشید . این مبارزات در سالهای بعد به موفقیت تاریخی منجر گردید و بموجب قانونی که ۲۰ مارس سال ۱۹۵۱ به تصویب مجلس رسید موسسات کمپانی نفت انگلیس و ایران به مالکیت دولت ایران درآمد . این ، پیروزی درخشان حزب طبقه کارگر و تمام نیروهای دموکراتیک بود و برای پیشرفت بعدی سیاسی و اقتصادی کشور اهمیت فراوان داشت . کسی نمیتواند منکر این واقعیت شود که در همان آغاز سالهای ۵۰ ، حزب توده ایران در حالت نیمه غلبه توانست به نیروی سیاسی بانفوذی مبدل گردد که در جریان مبارزات آزاد به بخش واقعا مؤثرها شد . در واقع مبارزات توأم با از خود گذشتگی قشرهای پیشرو زحمتکشان برهبری حزب توده ایران بود که در لحظه حساسی از نیروهای سیاسی داخلی ، نقش عمده را در حفظ دولت مصدق ( ۱ ) ایفا کرد و توانست مسئله ملی کردن نفت را عملاً تحقق بخشد . در پاسخ به تلاش شاه برای بر کار ساختن مصدق از نخست وزیر در ژوئیه سال ۱۹۵۲ ، پایتخت ایران را موجی از تظاهرات ضد سلطنت برهبری حزب توده ایران فراگرفت .

حزب و شورای متحد کمزکی اتحادیه های کارگران ایران که نماینده بیش از ۹۰ درصد تمام کارگران متشکل بود و اوایل ماه مه سال ۱۹۴۴ برهبری به واسطه حزب بوجود آمده بود توانستند سطح آگاهی سیاسی زحمتکشان را بالا ببرند و پیروان را برای آفرینندگان تاریخ کشور مبدل سازند . کسانیکه اکنون مدعیند اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم برای مردم ایران بیگانه است در مقابل این واقعیات چه دارند بگویند ؟ پاسخ ما چنین است : " راه انتخاب آزاد را برای مردم ما باز بگذارید ، آنوقت دنیا خواهد دید این خیالات خام شما چه ارزش اعتباری دارد ! " .

شعارهای حزب در جهت دموکراتیزه ساختن و تحکیم استقلال کشور نه تنها توسط کارگران ، بلکه توسط سایر اقشار و طبقات بگرمی استقبال میشد . حزب توده ایران میان دهقانان که صدها هزار نفرشان در " اتحادیه دهقانان " حزب و در صفوف خود حزب متشکل شده بودند ، از قد رومنزلت ویژه ای برخوردار بود . بکوشش کمونیست ها بزرگترین سازمان زنان در تاریخ ایران و همچنین سازمان جوانان توده ایجاد شدند . جنبش های دموکراتیک بسیاری که با تکیه بر حزب توده ایران بوجود آمده بود با موفقیت فعالیت میکردند ، از جمله " جنبه آزادی " ، ( که کارکنان میهن پرست مطبوعات ، نویسندگان و روزنامه نگاران را در بر میگرفت ) " جنبه متحد احزاب آزاد بخواه " ، " جنبه واحد ضد استعمار " و غیره . تمام این سازمانهای اجتماعی توده ای سهم ارزنده ای در آزادی ملی داشتند

۱ - محمد مصدق ، نخست وزیر ایران از آوریل ۱۹۵۱ تا آخر اوت سال ۱۹۵۳ ، نماینده منافع بورژوازی ملی و برنامه اش ملی کردن صنایع نفت بود . هیچ تحریریه .

به افزایش آگاهی سیاسی توده‌ها و جلب آنان به مبارزات فعال اجتماعی یاری رسانند . نیروهای ارتجاعی نمیتوانستند این جنبه‌های فعالیت حزب را نه در زمان شاه و نه پس از سرنگونی او به حزب توده ایران ببخشند .

یکی از معدودترین خدمات حزب توده ایران مبارزه بیکرطیبه امپریالیسم امریکا و افسای آن بمثابة دشمن شماره یک مردم ایران است . امپریالیسم امریکا در تلاش برای تضعیف مواضع استعمارگران بریتانیا و جلب نظر موافق ایرانیان ، مدتها در ایران زیر پوشش دموکراسی و رشد و سستی عمل میکرد . برای نشان دادن چهره حقیقی گرگی که لباس میش درآمده بود نیروی بسیاری لازم بود . با وجود این حزب ما این وظیفه انقلابی جدی را با موفقیت انجام داد . اگرچه مبارزه به بهای جان صد هاستن از بهترین پسران و دختران آن تمام شد .

راستی مگر میتوان نقش عظیم حزب توده ایران را در بالا بردن سطح فرهنگ عمومی توده‌های مردم انکار کرد ؟ صد ها روزنامه و مجله حزب توده ایران و آثار تئوریک ، اجتماعی - سیاسی ، تاریخی و فلسفی آن ایرانیان را با روحیه وطن دوستی ، انترناسیونالیسم ، آزادخواهی و دوستی خلقها پرورش داد و مبارز آوردند . بجاست در این جا فقط یک فاکت را که گواه جنایات عظیم ارتجاع است و چند ی پیش مطبوعات درباره آن نوشتند متذکر شویم . بطوریکه معلوم شد ، نیروهای ارتجاعی جمهوری اسلامی دست نویس ۱۳ اثر احساق طبری فیلسوف و مورخ بزرگ و شاعر ادانشمند مشهور عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران را که دهها سال برای نگارش آنها وقت صرف کرده بود نابود کردند . خود طبری یکسال است که در زندان قعال شکنجه و کشتار مرمیبرد و او را به شدت شکنجه میکنند .

حقیقت و بخش آن میان زحمتکشان همان چیزی است که ارتجاع و امپریالیسم از آن بیم دارند ؛ از اینرو آنها همیشه راه تضییق و فشار و شکنجه و دروغ را انتخاب میکنند . تصادفی نیست که یکی از افسراد بانفوذ رژیم اسلامی هجوم علیه حزب توده ایران را " پیروزی مهمتر از موفقیت هائی که در جنبه‌های ست مآید " توصیف کرد .

ولی با اطمینان میتوان گفت ارتجاع با هیچ تضییق و فشاری هیچوقت نخواهد توانست آتش را که حزب توده ایران ، این پرومته خلق ما ، برافروخته و تا این حد برای ایرانیانی که در راه آزادی ملی کامل ، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه میکنند ضروری است خاموش کند .

— هزاره که ارتجاع داخلی و خارجی نیروهای دموکراتیک ایران را مورد تعقیب و تضییق و فشار قرار داده کمونیست ها نخستین قربانیان ترور بوده اند . چنانکه معلوم است شهادت شرایط غیرعقلی فعالیت کرده اید ، سالهای درازی را در زندان رژیم شاه بسر برده اید و سه

اهد ام محکوم شده اید . چه چیزی بشما کمک کرد که در این نبرد شدید نابرابر باید آری و مقاومت کنید ؟

— حزب توده ایران ۳۳ سال از نزدیک به ۴۳ سال دوران موجودیت خود را پناچار در شرایط غیرعقلی بسر برده و فعالیت کرده است . طی این سالها حزب میکوشید نه فقط مواضع خود را در میان توده‌ها از دست ندهد ، بلکه در صورت امکان آنها را استحکام بخشد . حلقه ارتباطی اساسی با " پل هائی " که حزب توده را با زحمتکشان پیوند میداد باران رزمندگی - یعنی انقلابیون حرفه ای بودند که در شرایط غیرعقلی فعالیت میکردند . آنها نه فقط می باید عمیقاً به اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم صادق و وفادار باشند بلکه لازم بود بتوانند به تمام معنا توده ای و در میان توده‌ها کار کنند ، از خود هشیاری و استقامت نشان دهند ، درد شوارترین شرایط خونسردی خود را حفظ کنند و همواره آماده از خود گذشتگی در راه حزب و مردم باشند . من وظیفه انقلابی خود میدانم که در اینجا تعدادی از قهرمانان حزب را که بدست درخیمان شامبه هلاکت رسیدند نام ببرم .

رفیق وارطان بوسیلعه امیران سازمان امنیت یعنی ساواک دستگیر شد . او را به شدت شکنجه کردند و میخواستند نشانی چاهخانه مخفی حزب را بدهد ولی او به بهای جان خود از اصول حزبی و شرافت یک کمونیست دفاع کرد . او اکنون بین مانیت و طی نام این رزمنده قهرمان که با حروف زرین بر پرچم حزب توده ایران نگاشته شده در خاطره خلقهای مازنده جاود است .

نمونه دیگر : خسرو روزه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران با این سخنان کوبنده و به محاکمه کنندگان خود پاسخ داد : " ممکن است ... چشمان من پیروزی سوسیالیسم در ایران را نبیند ، ولی من با اطمینان کامل میدانم که بزودی اوضاع تغییر خواهد کرد ... تمام کارهای من بر پایه این امید و آرزوست که جامعه تازه ای در ایران ساخته شود تا برای خلق من پیروزی ،

سر بلندی ، رفاه و آسایش و آزادی بهار آورد " ، خسرو روزه با زده ماهه سال ۱۹۵۸ تیر بهار ان شد . سیامک ، تنزایی ، حکمت جووود ها و صد ها کمونیست قهرمان دیگر راهم میتوان نام برد که در مبارزه در راه آزادی میهن خویش ، شکست ناپذیر بهلاکت رسیدند . اکنون هم هزاران تن از اهالی حزب در سلول های زندانهای ایران از اندیشه های کمونیسم دفاع میکنند .

آید بدگی حزبی به کمک کرد که در نبرد نابرابر ساواک مقاومت کنیم . گروه چهار نفری که منضم جزو آنها بودم بکارهایی مشغول بود که برای کسانی عادی است که در شرایط غیرعقلی فعالیت میکنند . این کارها عبارتست از بخش تراکت و روزنامه های حزب توده ایران ، سازماندهی تظاهرات اعتراض آمیز کارگران و دانشجویان ، ایجاد حوزه های حزبی و غیره . اما ، بالاخره پلیس ماراد سنگسار کرد . مرحله تازه مبارزه در زندان ساواک آغاز شد . آنجا زندانیان را زیر فشار قرار میدادند تا به خیانت

و ادارشان سازند . میخواستند زندانی از افکار و عقاید خود دست بردارند و سرار حزب را به پامس بدهند . دوستم پیروز حکمت جوخلیان سابق و مراد الهای طولانی در زندان انفرادی نگهداشتنند ( ماهر و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بودیم ) ، دوهار ما را به اعدام محکوم کردند ، دو تن از رفقای ما نیز شکنجه بهلاکت رسیدند .

در " دادگاه " ما با دفاع از شرافت و حیثیت حزب اظهار کردیم :

— آقای رئیس دادگاه نظامی ! شما با تهدید به مجازات اعدام از ما میخواهید از افکار و عقاید میهن پرستانه و بشر دوستانه خود صرف نظر کنیم . ما با صدای بلند اعلام میکنیم : بکشید بالا ! مانعید انستیم ، در روزها شکی که محاکمه جریان داشت ، کمونیست های همفکر ما و موکراتهای بسیاری از کشورهای جهان ، صدای اعتراض خود را علیه زورگوشی صهی قانونی بلند کرده بودند . سالهای درازی گذشت و فقط پیش از آزادی از زندان ، در روزهای انقلاب ، من دانستم چه چیزی در روز قیامت بر باران شدن ما جلوی دست درخیم را گرفته است . این جنبش نیرومند همبستگی بود که بهام صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی را یکی از یاران آن باید دانست . تاریخ طایف قوانین حرکت خود به پیش میبرد . احکام آن قاطع و اکتد و دقیق است . اگر چه گاهی در روز زندان ها ، آنجا که انقلابیون را شکنجه میکنند و صدای شلاق بگوش میرسد ، اینطور بنظر میرسد که چرخ تاریخ باز ایستاده است . ولی تاریخ را با تاویزانه و میله های زندان نمیتوان متوقف ساخت .

چند ماه پس از بازداشت در گرما گرم بازرسی و شکنجه سر لشکر نصیری جلا ، رئیس ساواک ، روزی بهمراه چند سرهنگ و رئیس زندان وارد سلول من شد . خطاب بمن با خشم و در حالیکه زندان های ما را روی هم فشار میداد گفت :

پس اینطور تو میخواستی ایران سرخ ، ایران داسوچکش بسازی ؟

جواب دادم : ایرانی آزاد و شکوفان . او به رئیس زندان رو کرد و پرسید :

— همه چیز را گفته است ؟

زندانیان جواب دادند ، نه ، او کمونیست متعصبی است .

پس از شنیدن این سخنان نصیری دستور داد آنقدر مرا شکنجه بدهند که هر چه پامس میخواهد بدست آورد . مهم این نیست که شکنجه چقدر طول کشید ، مهم چیزی است که پانزده سال پس از آن ، در سال ۱۹۷۸ و در آغاز زویداد های انقلابی افتاد .

شامبه امید حفظ تاج و تخت ، ناگزیر شد ، چند تن از نوکران وفادار خود را فدای کند . او همانوقت دستور بازداشت سر لشکر نصیری را صادر کرد . روزیکه توده های عصیانگر به ساختن زندان

حمله کردند ، سر لشکر تصمیم گرفت بکمک نگهبانان گریخته و مخفی شود ، شاید از جنگ مردم و مجازاتسی که در انتظارش بود بگریزد . ولی یکی از رفقای ما اورا میان جمعیت شناخت و به گروههای انقلابی سپرد . او در آن گاه در حالیکه سراپا میلرید سوگند میخورد که از شکنجه زندانیان بی اطلاع بود . است . ولی موفق نشد از مجازاتی که مستحق آن بود در امان ماند : به اعدام محکوم گردید و حکم اعدام به مرحله اجرا درآمد .

سالها پیش ، هنگامیکه رئیس ساواک مرا برگه تهدید میکرد ، البته ، من نمیتوانستم در قیامت پیش بپنی کم که انقلاب ، زندانیان میهن پرست را از زندان آزاد میکند و بجای آنها مرتجعین و دواش به راه بند میکند . ولی بمنزله یک کمونیست و کسیکه با تاریخ خلق خود و سایر خلقها آشنا بودم به ناگزیری پیروزی عدالت باورد ایشتم .

متأسفانه ، بسیاری از آنچه بسر ما آمده است ، هم اکنون در ایران تکرار میشود . در جمهوری اسلامی ، بیش از یکسال است که نمایندگان " عدل الهی " برخلاف تمام موازین قضائی میهن پرستان را تعقیب میکنند . شکنجه های قرون وسطائی و مدرن ، " اعترافات " که بزرگرفته شده ، متهم ساختن به خرابکاری و جاسوسی همه اینها ، مانند قطره آب شبنم یکدیگر ، بیداد گاههای شاه را به یاد میآورند ، فقط با این تفاوت که در آن هنگام بنام " قانون " میکشند و امروز بنام " الله " . صحبت نه از تعقیب مخالفان ، بلکه از نابودی جمعی واقعی تمام دیگران پشان است .

در لحظاتی که این سطور نوشته میشد ارگانهای سرکوب و کشتار ایران دست به جنایت عظیم دیگری زدند . محاکماتی ترتیب دادند که در جریان آن ۸۷ نفر بمعدتهای مختلف زندان محکوم گردیدند که رویهمرفته به بیش از ۷۰۰ سال میرسد و سپس ده تن از اعضای حزب توده ایران را به اعدام محکوم کردند و حکم را هم به مرحله اجرا درآوردند . تمام این اقدامات نه فقط با قوانین جاری کشور ، بلکه با موازین حقوق بین المللی مورد قبول همگان نیز مغایرت دارد .

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که بدین مناسبت انتشار یافت گفته شده است : انسان های شرافتمندی که با چنین شقاوتی اعدام شدند سراسر زندگی پرافتخار خود را وقف مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی و نجات ستمدیدگان کردند . همه آنها در جریان خیمه شببازی محاکمات بهشمرمانده ، قاطعانه اتهامات بی پایه و عملی را بر جاسوسی و توطئه ضد ولتی وارد کردند . آنها اعلام داشتند که فقط و فقط علاقه به دفاع از دست آورد های انقلاب که پاسخگوی منافع و مصالح مردم است ، انگیزه آنان به شرکت در مبارزه سیاسی بوده است . رفیق فرزاد جهاد یکی از یارهایان شدگان در دادگاه گفت : " ... ما سربازان گمنام انقلاب ، جمهوری را امید خود میدانستیم ، آرزویمان این نبود که فرزندانمان آزاد و خوشبخت باشند و بهمن سبب از جمهوری دفاع میکردیم . من تقاضای عفو و بخشش



نمیکنم و از عقاید خود نیز صرف نظر نمیکنم."

در شرایطی که ایران یکی از دوارترین دوره‌های تاریخ خود را میگذراند، جامعه ما با مشکلات عظیم اقتصادی - اجتماعی روبرو است و کشور در برابر خطر آشکار و تجاوز امپریالیسم امریکایی قرار گرفته تضییق و فشار علیه حزب توده ایران این مجربترین و فعالترین مدافع منافع زحمتکشان تشدید گردیده است. بعد از آن اعلامیه گفته شده است که در عین حال دامنه تبلیغات ضد شوروی نیرومندترین تکیه گاه نیروهای مترقی جهانی نیز، توسعه یافته است. همه اینها در واقع بمعنی فراهم ساختن شرایط مساعد برای فعالیت ضد انقلاب و احیای مواضع امپریالیسم بسریستی امپریالیسم امریکایی در کشور است.

تضییقات قرون وسطائی علیه رهبران، اعضا و هواداران حزب توده ایران موجی از اعتراض از طرف احزاب کمونیست و کارگری، نیروهای دموکراتیک و مترقی و خیراندیشان سراسر جهان بر سر انگیزه است. حزب توده ایران شما سگداز این احساسات همبستگی برادرانه است. ما معتقدیم که اعتراض نیرومند و روزافزون جماع بین المللی به بستن دست خون چکان شکنجه گران قرن بیستم کمک خواهد کرد که کار بر حق حزب برقم تمام فشارها و تضییقات و دسائس مشعزکننده ارتجاع و امپریالیسم پیروز خواهد شد.

## "جنگ روانی" در استراتژی رویارویی

هانس پیترش

دکتر د ر علوم فلسفی، رئیس شعبه  
بررسی های ایدئولوژیک دانشکده  
سیاست و اقتصاد بین المللی -  
جمهوری دموکراتیک آلمان

تجاوزکارترین محافل امپریالیستی در سالهای ۸۰ با استفاده از شیوه های مسزورانه و صرف سوائل مادی عظیمی "جنگ روانی" آشکاری را که بدون هیچ پرده پوشی برای خدمت به ملیتاریسم است آغاز کردند. این جنگ در درجه اول علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی است که از سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز کشورهای که دارای نظام اجتماعی گوناگون میباشند بهیروی میکنند. گروه بندیهای ماجراجوی سرمایه انحصاری و مقدم بر همه سرمایه انحصاری ایالات متحده امریکا همچنین میکوشند بکلی "جنگ روانی" مانع گردند که توده های مردم در کشورهای سرمایه داری خطر جنگ هسته ای را درک کنند که با آغاز استقرار موشکهای امریکائی مخصوص ضربه نخستین در اراضی برخی از کشورهای اروپای غربی بویژه افزایش یافته است. امپریالیسم سعی میکند مانع آن گردد که شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ از تظاهرات و اعتراضات خود بخودی و غیرمتشکل بسبب اقدامات سازمان یافته تروجدی تری در رامنخلع سلاح و کاهش تشنج بین المللی بیبرازند.

اینکه ما با تجزیه و تحلیل ارتباط "جنگ روانی" با سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم، نفوذ آن در هر صدهای گوناگون زندگی جامعه بورژوائی و ویژگیهای خرابکاری ایدئولوژیک علیه سوسیالیسم موجود و طرفداران صلح در کشورهای سرمایه داری به بررسی برخی از جنبه های "جنگ روانی" در سالهای اخیر میپردازیم. درس اخلاق ناپخردانه ایدئولوژیک های امپریالیسم هم که از آن برای مستدل ساختن

استراتژی رویاروشی استفاده میکنند مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

### زمینه ایدئولوژیک مشی تجاوزکارانه

ماهیت میلیتاریستی استراتژی امپریالیستی رویاروشی مقدم بر هر چیزی در حیطات ایدئولوژیک فوق العاده تجاوزکارانه به سیاست صلح ، کاهش تنش و خلع سلاح بر میزند . در ضمن ایدئولوژی امپریالیستی هر چه بیشتر در شکل مشی سیاست خارجی کشورهای سرمایه داری تأثیر میکند و در همین حال هنگام تحقق آن هر چه گسترده تر مورد استفاده قرار میگیرد .

افزایش نقش ایدئولوژی در سیاست بین المللی امپریالیسم در زمینه وجود اختلاف نظرهای سیاسی در اردوگاه بورژوازی معاصر جریان مییابد . توجه بدین نکته در مبارزه برای جلوگیری از جنگ هسته ای جهانی وادی ساختن مناسبات میان کشورهای سرمایه دار است . " جنگ روانی " کسبه ماجراجویان سیاسی تجاوزکارانه پشیمانی مجتمع نظامی - صنعتی آغاز کرده اند با حملات ایدئولوژیک آن گروههای بورژوازی به سوسیالیسم که برخوردشان به مسئله صلح واقع بینانه تر است خطوط مشابه بسیاری دارد . اما تفاوتها هم وجود دارد . ولی این تفاوتها آنقدر راه به اساس هدفهای ضد کمونیستی و مخالف ترقی مشترک آنها ( که رسالت دارند موجودیت نظام سرمایه داری را حفظ کنند ) مربوط نمیشود که به درجه جنگ طلسمی و همچنین وسائل و شیوه های تحقق این اهداف در عمل و این نیز در اندیشه ها و سیاست گروههای مختلف بورژوازی بازتاب مییابد . در سالهای ۷۰ در سیاست خارجی امپریالیستی بیش از هر چیز نظریاتی مؤثر بود که طبق آنها آنتاگونیسم سیستم ها و ایدئولوژیهای اجتماعی بدون جنگ هسته ای جهانی قابل حل است و حسابها بر این نظریه استوار بود که سوسیالیسم را میتوان در درازمدت از طریق تأثیر اقتصاد ، ایدئولوژیک و سیاسی در آن از بین برد . حالا در ایالات متحده آمریکا نظریات افراطی ارتجاعی و میلیتاریستی حاکم شده است . تغییراتی که در نتیجه پیشرفت سوسیالیسم و جنبشهای انقلابی رویداده ، مناسبات موجود در عرصه رقابت در جهان سرمایه داری و حتی تغییر عمیق قدرت در یک سلسله از کشورهای سرمایه داری را گریه نمود مجتمع نظامی - صنعتی ایالات متحده نباشد ، از طرف آمریکا بمنزله خطر تهدید ی تلقی میشود . سوسیالیسم موجود طبق نظریه " توتالیتریزم " ( ۱ ) نه فقط بمنزله خطری برای ایالات متحده آمریکا ، بلکه برای تمام جامعه بشری تصویر میشود .

۱ - توتالیتریزم . ( از کلمه لاتینی توتال ) - سیستم سیاسی که حقوق شهروندان در آن بوسیله دولت محدود میگردد و غیر از حزب دولتی ، به دیگر احزاب و سازمانها اجازه فعالیت داده نمیشود .

ایدئولوژیک ها و سیاستمداران امپریالیستی از اینجا اجتناب ناپذیری درگیری رویاروشی میان کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری را نتیجه میگیرند . آنها بدون توجه به تغییرات اجتماعی در جهان و تناسیبیروهای نظامی - استراتژیک قدرت نظامی را بمنزله وسیله قاطع دست یافتن به هدفهای سیاست خارجی خود بشمار میآورند . باور به " سلاح اعجاز آمیز " که تحت تأثیر ایدئولوژی تکنیسیم ریشه دوانند ، این تصور باطل را که گویا پیروزی در جنگ هسته ای امکان پذیر است تقویت میکند . طرز تفکر شوونیستی و میسیونری و خلق و خوی ارتجاعی ماجراجویی سیاسی را دامن میزنند که جنگ هسته ای زمینه استراتژیک آن است .

گرایش تجاوزکارانه ترین آشکار " جنگ روانی " از طرف محافل امپریالیستی ایالات متحده تا حدود قابل ملاحظه ای پیشاپیش تعیین کننده آن تغییراتی در عامل ذهنی است که شرط مقدم طرح ریزی و تحقق استراتژی رویاروشی است . اینجا ایدئولوژیک های بورژوازی هستند که با تبلیغ ارتجاعی ترین نظریات میلیتاریستی به آتش دامن میزنند . تشدید " جنگ روانی " در سالهای هشتاد با هدفهای گروه بندیهای ارتجاعی افراطی در ارتباط است .

بار دیگر بر این نکته تأکید میکنیم که خصائص تازه " جنگ روانی " امپریالیسم در دوران اخیر در واقع شروط بر این است که این جنگ به استراتژی تجاوزکارانه در سیاست خارجی یاری میرساند . امپریالیست ها در تحقق مشی خویش برای سواصل نظامی اعمال فشار از مشی قاطع و تعیین کنندگانند . ایدئولوژیک های بورژوازی که سیاست سروکار دارند مشی اعمال زور آشکار در دستگاه دولتی ریگان را درست میدانند . آنها با تکرار سخنان فردریش کبیر اظهار میکنند که " دیپلماسی بدون سلاح همانند موسیقی بدون آلات موسیقی است " ( ۱ ) . بعقیده آنها سیاست خارجی بطور کلی بدون بکار بردن زور و تهدید به بکار بردن آن غیر ممکن است . واشنگتن این قبیل نظریات را اکنون رهنمود خود قرار داده است . برخ کشیدن تحریرات میهن پروری نظامی ، تجاوزکارانه های آشکار ، پیروی از مشی افزایش لجام گسیخته تسلیحات با تشدید " جنگ روانی " ضد کمونیستی همراه است و هدف از آن کمک به تحقق منافع سیطره منجوانانه انحصارهای ایالات متحده است .

بطور مثال سرور صدای فتراوان و برداعنه تهمت و افترا علیه دولت بیشوپ که پیش از مدخله مسلحانه آمریکا در گرنادا اجریمان داشت یکی از عملیات " جنگ روانی " دوران اخیر به مقیاسی گسترده بود . این پرده دود تبلیغاتی اقداماتی را که توسط گران حزب جنبش جدید جوان و فعال سیا ، علیه دولت قانونی بیشوپ بعمل آوردند ، تسهیل نمود و این در حالی بود که دولت بیشوپ از پشتیبانی تمام مرد گرنادا برخوردار بود و در عرصه بین المللی هم ارج و اعتبار فراوانی داشت . ریگان از قتل بیشوپ و

و پیدایش بی ثباتی بمنزله دستاویزی برای تجاوز و استفاده مکرر. گرناد اپایگاه "کمونیسم جهانی" نامیده شد، که گویا برای ایالات متحده آمریکا خطر نظامی ایجاد میکرد و مورد استفاده اتحاد شوروی بود. لبقیتز حملات امپریالیسم آمریکا در رجه اول متوجه اتحاد شوروی بود. ولی در همین حال جابرو جنگال تبلیغاتی علیه کوبانیز بشد تجربیان داشت و سیاست خارجی کوبا و در آن واحد نیروهای صلحدوست و ضد امپریالیستی و دموکراتیک کشورهای حوضه کارائیب و امریکای مرکزی هم بی اوج و اعتبار قلمداد میشد. هدف فریب افکار عمومی در ایالات متحده و دست یافتن بدین بود که سردم امریکا ماجراجویی های تازه ای را که مواشنگتن علیه نیکاراگوا و خلق سالوادور سازمان میدهد مورد پشتیبانی قرار دهند.

در ارتباط با تجاوز و مسلحانه به گرناد آریگان میگفت: "ما... زندگی افرادی را که در نیروها مسلح ما خدمت میکنند به این دلیل به خطر میاندازیم... که مانع از آن شویم که جامعه بشری در دریای استبداد غرق شود" (۱). بوجی وی معنای این اظهارات کاملاً روشن است. از سوی گرناد که زنجیرستم امپریالیستی را گسسته بود و نیروی نظامی اندکی فقط برای دفاع از خود را اختیار داشت خطر "صدور" مناسبات اجتماعی نوین به ایالات متحده یا سایر کشورهای جهان وجود داشت و نمیتوانست وجود داشته باشد. این سخنان هم که گویا در گرناد اپایگاه نظامی شوروی ساخته میشد و نه فرودگاه بین المللی غیر نظامی برای پیشرفت جهانگردی، بطوریکه با ثبات رسیده و روغ آشکاری بود. طرفداران "جنگ روانی" امپریالیستی به شرمانه حقایق را برای ایجاد دستاویزی بمنظور تحقق ماجراجویی های نظامی خود تحریف میکردند.

در مورد آنچه بعنوان "جنگ روانی" در جریان تدارک استقرار موشک های هسته ای تازه آمریکا در یک سلسله از کشورهای اروپای غربی، صورت میگردد نیز وضع بهمین قرار است. استقرار آنها را بمنزله "تکمیل تسلیحات" قلمداد کرد و میگویند، اگرچه در واقع افزایش تسلیحاتی است که هدف از آن برتری تسلیحاتی است و بمعنی تهدید مستقیم اتحاد شوروی از طرف ایالات متحده آمریکا است. در ضمن کاهش زمان پرواز موشک ها تا هدف بمیزان زیاد فاصله زمانی جنگ هسته ای را فقط به مرزهای اروپا محدود نمیکردند که میکنند.

طراحان استراتژی "جنگ روانی" با موجه جلوه دادن افزایش تسلیحات از انواع جعلیات و روغ ها استفاده میکنند. یکی از آنها هم افسانه خطر نظامی است که گویا از طرف کشورهای سوسیالیستی وجود دارد، دیگری این نظریه است که گویا ایالات متحده فقط وقتی میتواند کشوری بزرگ باقی بماند که برای خود برتری نظامی بدست آورد و برای وارد آوردن نخستین ضربه هسته ای آماده باشد،

سخنان بدون مسئولیت دیگر درباره اینکه جنگ هسته ای اینقدرها هم خطرناک نیست و گویا آمریکا میتواند چنین جنگی براه انداخته و در آن پیروز گردد، و بالاخره معرفی موشک "MX" و مانند آن به دروغ بمتابه "وسائل حفظ صلح" هم از همین نوع است.

کوشش هایی از این قبیل، بمنظور زهر آلود ساختن جو باید و نولویک در جهان، خطرناک تر از تمام اقداماتی است که پس از جنگ جهانی دوم بعمل میآوردند. "جنگ روانی" امپریالیسم اینک در شرایط وجود چنان سطح بالایی از تسلیحات جریان دارد که حتی تصادفی ناشی از اشتباه تکنیکی و یا ذهنی میتواند برانگیزاننده جنگ هسته ای گردد.

### "جنگ روانی" بسیاری از عرصه های

#### زندگی اجتماعی را در بر میگیرد

ایدئولوژی ملیتاریستی امپریالیسم و تدارک عملی کشتار هسته ای از طرف آن خصلت کیفی تازه ای به "جنگ روانی" می بخشد که عبارت از سرایت آن به بسیاری از عرصه های زندگی اجتماعی است.

در عرصه دیپلماسی خد متگذاری "جنگ روانی" به امپریالیسم بهنگام مذاکرات در باره موشک های با برد متوسط آشکارا نمایان گردید. دولت آمریکا کوشید از این مذاکرات برای دست یافتن به برتری نظامی استفاده کند و اظهار میداشت که استقرار "پرشینگ - ۲" و موشکهای بالگرد رارویای غربی نمیتواند با اتحاد شوروی مورد بحث قرار گیرد، زیرا صحبت بر سر تصمیم و قرارنا تو است (۱).

پرزیدنت ریگان اعلام داشت که گویا میتوان درباره این موضوع بحث کرد که چمنوع اسلحه ای برای ایالات متحده لازم است و چه اسلحه ای لازمنیست، ولی چنین مذاکره ای کاملاً ایالات متحده باید از اسلحه بخاطر قراردادها و موافقت نامه ها صرف نظر کند به هیچوجه مطرح نیست.

مذاکرات ژنود در شرایط "جنگ روانی" به سابقه ای از لحاظ مقیاس و همراه با اقداماتی که مضمون ضد شوروی داشت جریان یافت. این "جنگ روانی" راهم دروغ "راه حل در حد صفر" که خلق سلاح یکجانبه اتحاد شوروی از آن مفهوم میشد و هم تبلیغات دامنه داری تشکیل میداد که هدف از آن اثبات این نکته بود که نتایج مثبت مذاکرات ژنود فقط در صورت گذشت اتحاد شوروی میسر است. بالاخره تلاش برای تلقین این اندیشه ب مردم جهان که گویا اتحاد شوروی در قطع شدن مذاکرات ژنود مقصراست (چون قبول نکرد بطوریکه یکجانبه سیستم سلاحهای با برد متوسط خود را تا سال ۱۹۸۳ منقضی تا آغاز استقرار موشک های جدید آمریکا در اروپای غربی، کاهش دهد) نقطه اوج پشت هم اندازنها

عاملین " جنگ روانی " گردید .

معلوم است که این گام برای اتحاد شوروی و مجموع جامعه کشورهای سوسیالیستی پذیرفتنی نبود . موازنه تقریبی نظامی - استراتژیکی که سازمان بهمان روش در سالهای ۷۰ بدان دست یافت یکی از نقاط اتکا سیاست کاهش تشنج با نتایج مثبت آن برای خلقها و کشورهای سراسر جهان بود . چنین توازن اینک بمنزله عامل بازدارنده ماجراجویی تجاوزکاران امپریالیستی است . البته این عامل بخود بخود تعیین کننده تأثیرات تأمین کننده صلح نیست ، بلکه باین دلیل مؤثر واقع میشود که یکی از طرفین توازن سوسیالیسم است که بحالت سرشت خود در حفظ صلح استوار و پرتغ است .

ماجراجویان جنگ طلب ایالات متحده آمریکا از اعمال فشار و شانتاژ همچنین برای تأثیر روانی در متحدین خود نیز استفاده میکنند . البته ، نتایج مطلوب همیشه بدست نمآید . نظریه جنگ هسته ای که به اراضی اروپای غربی محدود باشد و از طرف واشنگتن تهیه شده و تهدیدهای کاخ سفید به استفاده از نیروی نظامی ، در سیاستمداران واقع بین اروپای غربی نگرانی ایجاد میکند . ایالات متحده آمریکا میکوشد این قبیل روحیات را بمنزله نوعی قلمداد کند که برخسب از نمایندگان محافل دولتی کشورهای اروپای غربی بر سر راه انجام وظائف سیاست خارجی ناتوا میجاسد میکند . مقاومت در برابر شی میلیتاریستی آشکار دولت ریگان ، از طرف آن بمنزله " ضد امریکائی بودن " ( آنتی امریکانیسم ) ارزیابی میشود . ولی نجات جهان از لوله همتی ای ، کاهش و قطع مسابقه تسلیحاتی ، خلع سلاح ، کاهش تشنج بین المللی و همکاری کشورهای که دارای نظام اجتماعی گوناگون هستند ، هیچیک بهیچوجه علیه ایالات متحده آمریکا و مردم امریکان نیست ، بلکه ، بالعکس با منافع خود امریکائی ها مطابقت میکند .

بعقیده بسیاری از سیاستمداران برجسته کشورهای سرمایه داری عطیات دیپلماتیک جنگ افزوزانه و ماجراجوئی های تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا گناه افزایش خطر غیر قابل پیش بینی بودن شی سیاسی دولت ریگان است . این ، البته درست است ، ولی این واقعیت غیر قابل پیش بینی بودن فقط مولود اقدامات خود سرانه در سیاست نیست . محافل ، حاکیه ایالات متحده آمریکا اغلب عمدتاً دست باین بیان اقدام میزنند تا بر اتحاد شوروی و سایر نیروهای صلح دوست و مترقی در جهان فشار روحی وارد آورند و در همین حال متحدین خود را هم در اضطراب و زبر فشار نگهدارند . گامها و شیوه عمل دولت امریکا بطور مثال ، در عرصه روابط فرهنگی و سایر روابط میان کشورها هم تابع همین جریان است .

در باره " جنگ " اقتصادی ، بازرگانی و مالی که دستگاه دولت ایالات متحده ادامه میدهد و از استراتژی روپاروئی آن جدائی ناپذیر است نیز همین را میتوان گفت . البته ، این جنگ در درجه اول

در جهت وارد آوردن زیان اقتصادی و سیاسی به کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نواستقلال و جنبش آزاد بیخش ملی است . ولی آندسته از کشورهای سرمایه داری هم که واشنگتن آنها را رقیب خود میدانند نیز در ایام تأثیر آن قرار میگیرند . در اینجا نیز هدف تأثیر روانی است . بطور مثال تصمیم کاخ سفید به برقراری تحریم فروش غلات به اتحاد شوروی ، تلاش برای بهم زدن معاملات " گاز - لوله " میان اتحاد شوروی و کشورهای اروپای غربی و همچنین افزایش نرخ بهره و بالا نگه داشتن نرخ دلار همه برای آنست که ایالات متحده میخواهد شرکای خود را " بانضباط " کند .

" جنگ روانی " سالهای ۸۰ در حقیقت سراسر جهان را فرا گرفته است . پیشرفت های علمی - تکنیکی در رشته وسائل ارتباطی عملاً بمحافل تجاوزکاران امریکا امکان میدهد سراسر جهان را باشبکه تبلیغاتی که با منافع جامعه بشری در تضاد است بپوشانند .

هدف گیری روی سوسیالیسم

بدین ترتیب ، " جنگ روانی " امپریالیسم تابع هدف استراتژیک آن یعنی نابود ساختن سوسیالیسم موجود است . به تأثیر ایدئولوژیک در اهالی کشورهای سوسیالیستی بویژه اهمیت داده میشود . این تلاش و کوشش با اساسهایی که در خدمت بهد فهای خرابکاری ایدئولوژیک در سالهای ۶۰ و ۷۰ است مطابقت دارد . ولی اکنون امپریالیسم اقداماتی با مضمون تجاوزکارانه تری بعمل میآورد و حمله اش بمنزله ساختن هر چه سریع تر نظام نواست .

خصلت بویژه تجاوزکارانه خرابکاریهای ایدئولوژیک کنونی علیه سوسیالیسم موجود ( ۱ ) با درهم آمیختگی شدید مبارزه بدون استفاده از اسلحه ، تدارک برای جنگ و امکان علمی ساختن آن مشخص میگردد . کارشناسان رشته خرابکاریهای ایدئولوژیک با تکیه بخصوص بر نقش نخستین راه و روش یعنی مبارزه فکری میکنند که از ابزار و آلات تبلیغاتی خارجی کشورهای ناتوا باشد برای بی ثبات ساختن اوضاع در کشورهای سوسیالیستی استفاده کرد . آنها می پندارند که از این راه " . . . روپاروئی میان شرق و غرب رامکن است بدون جنگ بقاخرین حد رساند " ( ۲ ) .

در باره ماهیت تدارک جنگ " گرم " ، بطور مثال ، برپایه این میتوان قضاوت کرد که مانورهای ناتوا چگونه طرح ریزی و انجام میشود . آنها بر اساس این فرضیه بی ریزی میشوند که میتوان از این نظمی

۱ - ایدئولوژی های امپریالیسم امریکائی اصطلاح " اطلاعات اجتماعی تجاوزگر " را وضع کردند که بوسیله آن خصلت تبلیغاتی مخصوص کشورهای سوسیالیستی را تعریف میکردند .  
2 - Gabriel Radnitzky, Schopper, Die I-Waffen. Information im Kräfte-spiel der Politik, München/Westberlin, 1982, S.174.

واغتشاشات سیاسی که عملیات " جنگ روانی " محرک آنها باشد بمنزله دستاویزی برای تجاوز مسلحانه استفاده کرد. این متذکرین بهنگام تعلیمات مبتدای مشترک ناتوتیمیه وتدوین شد. پنتاگون برای خرابکاریهای ایدئولوژیک در برنامه ویژه تمدید تدابیر نظامی و غیرنظامی هم آهنگ باید بگر اهمیت زیادی قائل است. دفاع " تازه " برنامه ریزی شده پنتاگون " در واقع امر شامل نقشه‌هایی است که پیروزی وظیفه براتحاد شوروی در تمام سطوح در صورت وقوع جنگ، در آن پیش‌بینی شده است... از عیانی که میتوان آنرا آغاز کرد مومورد استفاده قرار داد... تا جنگ و از جمله جنگ اتمی" (۱).

امپریالیسم اکنون به خرابکاری‌های ایدئولوژیک همانند وسیله ای برای مداخله سریع مینگرد. این قبیل اقدامات بمنظور تأثیر و خرابکاری در کوتاه ترین مدت در نظر گرفته شده اند. بطور مثال ایستگاه‌های رادیویی ویژه خرابکاری هنگام شورش‌های ضد سوسیالیستی در لهستان سه وظیفه انجام میدادند: اولاً آنها عملیات ضد انقلابیون را توجیه میکردند، ثانیاً بکمک آنها گروه‌های ضد انقلابی باید بگارتباط برقرار میکردند، ثالثاً این رادیوها مردم را به اقدامات ضد دولتی و ضد اجتماعی تحریک میکردند.

طرفداری از جامعه سرمایه‌داری که از مدت‌ها پیش در جریان است برای " جنگ روانی " سال‌های ۸۰ هنوز اهمیت خود را حفظ میکند، طبق این نظریه گویا جامعه سرمایه‌داری جاودانی است و عبادت از عالیترین شکل پیشرفت اجتماعی است، زیرا مجسم کننده آزادبود موکراسی میباشد و برای جامعه بشری بهترین شرایط زیست را بوجود می‌آورد. ولی این طرفداری اکنون بمیزان قابل توجهی تجاوزکارانه تراست. هدف آن این است که نه فقط هرگونه ترقی و پیشرفت ضد امپریالیستی، در ماکرا<sup>تیک</sup> و سوسیالیستی را در جهان متوقف سازد، بلکه آنها را نابود کند و در سراسر ساره<sup>تیک</sup> مانظام سرمایه‌داری را احیا نماید. نمایندگان دولت ایالات متحده اعلام میکنند که وقت آن فرارسیده است که جهان را طبق مفاهیم و نظمو نسق آنها درگون سازند.

وحدت اخلاقی - سیاسی جامعه کشورهای سوسیالیستی، همانند گذشته خاری در چشم الهام دهندگان " جنگ روانی " است. امپریالیسم به حملات ایدئولوژیک علیه دوسوسیالیسم موجود کنونی در جهات مختلف ادامه میدهد. یکی از این جهات تبلیغ درک بورژوازی آزادی و موکراسیسی است.

اینک هدف " جنگ روانی " در درجه اول سیاست صلحجویانه کشورهای سوسیالیستی است که با اعلاقتخلقیها بصیلم تطابق دارد. در اینجانبیزلیه تیز متوجه اتحاد جماهیر شوروی است. در ارتباط با مسئله صلح، تبلیغات امپریالیستی با تلاش فراوان آنتی سوسیالیسم را تشدید میکند. در یک " اثر "

1 - Die Welt, 1. Juni 1982, S. 6.

جمعی خرابکاران ایدئولوژیک چنین میخوانیم: " تا هنگامیکه دولت مردان شوروی قادرند افکار عمومی شوروی را متقاعد سازند که در اظهارات خود درباره اینکه به صلح همگانی خدمت میکنند صادق هستند آنها میتوانند یقین داشته باشند که حداقل از پشتیبانی پاسیفی برخوردار میباشند" (۱).

مراکز خرابکاری امپریالیسم به سوسیالیسم علمی تهمت و افترا مییندند و میکوشند مارکسیسم - لنینیسم را ایدئولوژی تجا و زگری که صلح را به خطر میافکند قلمداد کنند. قانونمندی تاریخین تمویض سرمایه‌داری بوسیله نظام اجتماعی نو را که مارکس و ف. انگلس کشف کرده و مستدل ساخته اند، بدروغ بمنزله آموزش و تجا و زگری برای سلطه بر جهان تصور میکنند، اگرچه تجربه تاریخی تأیید میکند که تجا و زگری و جنگهای اشغالگرانه با سرشت سوسیالیسم بیگانه است. در واقع در پرتو وجود سوسیالیسم موجود تأمین صلح در از مدت در اروپا امکان پذیر گردید.

این را نمیتوان تصادفی دانست که طراحان استراتژی " جنگ روانی " علیه توانائی سوسیالیسم در استفاده از نیروی نظامی برای حفظ و دفاع صلح به چنین حملات شدیدی دست میزنند. تبلیغات امپریالیستی اباطیلی درباره " خطر نظامی شوروی " اشاعه میدهند و دعوی میکنند که اتحاد شوروی در تسلیحات برتری دارد، در کترین نظامی سوسیالیستی را تحریف میکنند و دروغ شایع میسازند که جامعه سوسیالیستی گویا میلیتاریزه میشود و گویا در کشورهای ما مجتمع نظامی - صنعتی وجود دارد. تصام اینها بدین منظور است که در نظر مردم جهان نقش جامعه کشورهای سوسیالیستی در مبارزه برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای، تأمین صلح همگانی و کاهش تشنج و خلع سلاح بی ارج و اعتبار نشان داده شود.

علیه جنبش دفاع از صلح

سرکوب سیاسی - ایدئولوژیک جنبش دفاع از صلح که در کشورهای سرمایه‌داری بمیزان قابل ملاحظه ای تشدید یافته، اینک رشته نسبتاً مستقلى از " جنگ روانی " شده است. صحبت بر سر کوشش بمنظور منزوی ساختن شرکت کنندگان جنبش ضد جنگ درون جامعه، ایجاد انشعاب در صفوف طرفداران صلح و تضعیف آن و بالاخره با تأثیر در آنها از موضع ضد کمونیستی افکندن آنها در مسیر مخالفت با سوسیالیسم موجود یعنی نیروی عمده صلح است. در ایالات متحده آمریکا کتیه ویژه ای برای طرح و برنامه ریزی تبلیغات سیاست خارجی تشکیل گردید که وظیفه اش، از جمله، خنثی کردن جنبش ویژه متوقف ساختن تولید سلاح هسته‌ای است. کشورهای ناتو همچنین مبارزه برای " جلب افکار و دلپهای مردم " (۲) و واداشتن آنها بمخالفت بانپروهای صلح دوست در کشورهای سرمایه‌داری را

1 - Gabriel, Radnitzky, Schopper, op.cit., S 178.  
2 - Die Welt, 11/12 Dezember 1982, S.3.

تشدید میکنند .

تاکتیک مدافعان " جنگ روانی " بسیار متنوع است . آنها میکوشند جنبش طرفداران صلح را متزلزل ساخته و آنرا از زمین ببرد . از شیوه های بانرمنش تبلیغاتی استفاده میشود و از جمله با اظهاراتی عوامفریبانه میخواهند و انمود کنند که دولت های کشورهای سرمایه داری طرفداران صلح میباشد و در ضمن طرفداران صلح را بمنزله خائنین بدنام ویی اعتبار میکنند . تمام این اقدامات با سرکوبی سیاسی تکمیل میگردد .

اینک یک نمونه بارز گویند . در ارتباط با استقرار موشکهای تازه امریکا در اروپای غربی و تصویب برنامه " MX " در ایالات متحده امریکا جنبش متوقف ساختن تولید و استقرار سلاح هسته ای آغاز گردید . تبلیغات امپریالیستی شرکت کنندگان در این جنبش را بشدت بدین مضمون میکند که آنها " عمال مسکو " هستند ، اگرچه حتی بیوری فدرال بازرسی و دیگر ایالات متحده " هیچگونه دلایل و مدرکی در این براینکه مسکولین جنبش را زیر نظر خود دارد پیدا نکرد " ( ١ ) . این قبیل اظهارات کسه جنبش گویند از خارج رهبری میشود برای استتار واقعیت دیگری است و آن اینکه شهادت موضعگیری طرفداران صلح در کشورهای سرمایه داری و خلق باور و ولت های کشورهای سوسیالیستی در مسائل مربوط به جلوگیری از جنگ هسته ای جهانی و خلق سلاح از توجه به منافع اساسی جامعه بشری و علاقه آن به صلح ، کاهش تشنج و همکاری بسود طرفین ناشی میشود . حتی برخی از محافظان بیوزوازی بزرگ ، بر طرف ساختن خطرلیه هسته ای را اینک بمنزله شرط عمده بقای جامعه بشری بشمار میآورند . تطابق مواضع نیروهای صلحدوست با وجود اختلاف در ایدئولوژی و نظریات سیاسییشان ، نیروهایی که به قشرهای گوناگون اجتماعی تعلق دارند ، فقط میتوانند کسانی را برآشته و ناراحت کند که این را مانع اساسی بر سر راه تحقق نقشه های شکارانه خود بشمار می آورند .

یکی از وظائف " جنگ روانی " امپریالیسم کوچک جلوه دادن خطری در نظرتوده ها است که مولود استقرار موشک های هسته ای تازه امریکا در کشورهای اروپای غربی است . به اهالی این کشور ها بطریق مختلف این اندیشه را بزرزور تلقین میکنند که بطور کلی هیچ تشریحی بوجود نیامده و در آینده هم همه چیز مانند گذشته خواهد بود . در این میان هدف روشن است : در تدارک اندر نه فقط در شرایط افزایش میلیتاریسم سیاست خارجی امپریالیسم توده ها را غافل کرد موانع گردند بلائی را که تهدید پدشا میکند درک نمایند ، بلکه شرکت کنندگان در جنبش صلح را هم لجن مال ساخته و منفرد کنند . میگوند گویند " پرشینگ - ٢ " و موشکهای بالگرد امپریالیسم خطراتک نیستند و همین سبب " ترس وواهمه عمومی و سراسیمگی " طرفداران صلح و " بزرگ کردن تصنعی ترس از جنگ " گویند کلاً بی اساس و نامعقول است .

1 - U.S. News & World Report , April 25, 1983, p.19.

حامیان " جنگ روانی " بخود اجازه میدهند حتی استقرار موشک ها را بمنزله گامی صلحدوستانه و تدبیری برای تأمین دفاع جلوه دهند . بدین ترتیب شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ در کشورهای سرمایه داری را ، مخالفان امنیت کشورهای خویش قلمداد میکنند .

این را بنیانهای آورشوم که در " جنگ روانی " از نظریات محافظه کارانه درباره نقش و مقام دولت بطور گسترده استفاده میشود . بطور مثال ، ل . هرمان سردبیر مجله " کاپیتال " که بهانگرس نظریات بیوزوازی بزرگ جمهوری فدرال آلمان است مینویسد : " کسیکه در شرایط عسکر دموکراسی در کشور حقوقی قانون را بااستناد به اخلاق مردود می شمارد ، بدین ترتیب گام تعیین کننده و قاطعی از آزادی بسوی دیکتاتوری بر میدارد " ( ١ ) . بعبارت دیگر " کشور دموکراتیک مبتنی بر حقوق " نباید با نقشه هایی که بمنابودی جامعه بشری منجر میگردد مخالفت کرد . آنهائی را که با وجود این در برابر آن نقشه ها مقاومت نشان میدهند از چهار چوب حقوق و قانون خارج میکنند .

طرفداران صلح را با ابرام هرچه بیشتر به طرفداری از " توتالیتریزم " متهم میکنند . حتی کوششهایی هم بعمل میآید که مدافعان صلح را چیزی همانند فاشیست ها قلمداد کنند . ک . د . براونر که از ایدئولوگهای محافظه کار است علاقه افراد صلح را بمنزله " ایدئولوژی خاصی " توصیف میکند که گویا مانند ناسیونال سوسیالیسم بشکل " جنبشی " تثبیت گردیده و در مسئله صلح دعوی " نمایندگسی بلا منازع " دارد . او اظهار میکند : " با اقدام در مرز میان دموکراسی و دیکتاتوری آنها ( یعنی شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ . گ . پ . ) اینکها توره های ایدئولوژیهای توتالیتر هستند " ( ٢ ) . همچنین میگوند طرفداران صلح حداقل باید با صلح با صلح از " دموکراسی پارلمانی " قرار دارند و بدین ترتیب این خطر وجود دارد که جنبش آنها میتواند " ساختار فرماندهی و فرمانبرداری " بوجود آورد که با " اصل رهبریت ناسیونال سوسیالیسم " ( ٣ ) مطابقت میکند . براتیک لکه در ساختن شرکت کنندگان در جنبش صلح بمنزله مجرمین جنایتکار در جمهوری فدرال نشان میدهد که این قبیل جملات مجرمین " جنگ روانی " امپریالیستی تحقق ارتجاسی ترین تدابیر سیاسی را تسهیل میکند بدین ترتیب مردم را از امکان دفاع از بهترین حق خود یعنی حق زندگی محروم می سازند .

زیر نقاب خطرناک در س اخلاق

ایدئولوگ های محافظه کار افراطی شیوه ها و عملیات سیاسی " جنگ روانی " را با توسل به

1 - Ludolf Herrmann, Pershing für den Rechtsstaat. In: " Die politische Meinung", Nr. 209/1983, S. 5.  
2 - Karl Dietrich Bracher, Zauberkformel und Alleinanspruch. In: Ibid, No 210, September/Oktober 1983, S. 10.  
3 - Ibidem.

دروس اخلاق غیرمنطقی مستدل میکنند و این نیرنگ بویژه بدین سبب خطرناک است که با تجاوزکارانه ترین آنتی کمونیسم بهم پیوند داده میشود.

و. کلوکسن پروفیسور فلسفه درین بااستناد به "خطر" واهی شوروی و خطر ساختگسی "دیکتاتوری کمونیستی همه گیر" اعلام میدارد که "از لحاظ معتقدات اخلاقی هم شده باید پسه ریمک جنگ اتنی هم با در نظر داشتن و محاسبه تمام پی آمده های آن تن در داد" (۱). اوسپس مینویسد: "اگر ما در مقابل نابودی جسمی (فیزیکی) قرار بگیریم که اکثر نراتیوان نابودی اخلاقی است هیچ شک و شبهه ای در این مورد نمیتواند وجود داشته باشد که انتخاب ما باید کدامیک باشد. در صورتیکه ما از آنچه ما را شایسته موجودیت در جامعه بشری میکند صرف نظر کنیم، موجودیت این جامعه حقیقتاً غیر ممکن میگردد. این را باید با اصولیت تمام (برغم اظهارات ترسهای نفرت انگیز که "بهرتر است سرخ باشیم تا مرده" که معنی آمادگی برای صرف نظر کردن از شایستگی است) اعلام داشت" (۲). نابودی جامعه بشری بنام درک نادرست شایستگی جامعه بشری! مفهوم این سخنان است. چه کنند ز هشی فراوان و محتقیری نسبت به انسان وجه پوچی و بی معنائی در چنین ایدئولوژی وجود دارد! با وجود این همین ایدئولوژی یکی از پایه های استراتژی ریگان را که هدفش انهدام سوسیالیسم موجود و سیاست رویارویی نسبت به نیروهای مترقی و صلحدوست است، تشکیل میدهد. در "جنگ روانی" سالهای ۸۰ از نووا و نوشیای در نقطه مقابل یکدیگر قرار دادن "خیر" و "شر" نمایان میگردد و رسالت آن ابتلای توده ها به باسپیل نفرت و انزجار نسبت به نظام نواست. سیاستمداران و مشاوران دولت ریگان مقدم بر هر چیز اتحاد شوروی و سوسیالیسم موجود را بطور کلی زشت و شر جلوه میدهند و آنرا "انحراف" از راه حقیقی پیشرفت جامعه بشری بشمار می آورند. آنها میگویند سوسیالیسم "شیوه عادی زندگی نیست، بلکه "توتالیترسیم"، "بهریت" و "کانون شر" است. ایدئولوگ های بورژوازی به پرگوئی خود ادا مضمید هند که علاوه بر این سوسیالیسم که گویا در حالت بحران بسر میرسد باری بردوش جامعه بشری است و همین سبب، گویا منهدم ساختن آن عالیترین درجه اخلاق است، حتی اگر بهای آغاز جنگ هسته ای باشد. در ضمن نیروی رهبری کننده هم فقط میتواند ایالات متحد آمریکا باشد که "برگزیده خدا است" تا تمدن بشری را از خطر کمونیسم که آنرا تهدید میکند برهاند. خلاصه کلام اینکه، تبلیغات امپریالیستی در جریان دامن زدن به همیستری جنگ از هیچ چیزی روگردان نیست.

1 - Wolfgang Kluxen. Gewalt und Gewaltanwendung. Ibid. No. 209, Juli/August 1983. S. 50.

جامعه بشری به متنوعترین اشکال ترسیم میکند. بطور مثال، جارجیان امپریالیسم، میخواهند نیروهای صلحدوست به "جنبه جنگی" سلاح هسته ای یعنی امکان نابودی ساکنان روی زمین در نتیجه بکار بردن آن زیاد توجه نکنند. از نت فلورات پروفیسور فلسفه دانشگاه کلن مینویسد: "ترس در مقابل بله جنگی به تسلیم بدون قید و شرط سیاسی و تبعیت از تأییدات سیاسی دشمن منجر میگردد" (۱). این تزیربا به اندیشه هائی است که از اندیشه های اجتماعی - اقتصادی امپریالیسم، بویژه از قانون جنگل رقابت ناشی میشود. طبق آن عرصه بین الطلی صحنه نبرد تضاد های آشقی ناپذیر است و در آنجا فقط بکم زور میتوان پابرجا ماند. پروفیسور کلن سپس اظهار میکند: "تنها با اتکا به حسن نیت خود نمیتوان بدین دست یافت که دشمنی که قادر باشد تسرا مطیع خود سازد وجود نداشته باشد. این را فقط میتوان با قبول برتری سیاست بدست آورد، از جمله در مسئله ای مانند مسئله سلاح اتنی که تا این اندازه برای صلح و تأمین آن قاطع و تعیین کننده است. ولی درک سیاسی درک اختلاف شده ای را هم در بر میگیرد، که میان نظام سیاسی دموکراتیک و استبدادی وجود دارد. تأکید یک جانبه بر جنبه نظامی در مسئله سلاح هسته ای ما را متوجه این خطر میکند که این اختلاف را جدی تلقی نکنند. این نیز بمعنی آن میباشد که پایان سیاست پایمان آزادی هم هست" (۲).

ولی این راهم با آوری میکنیم که بکار بردن سلاح هسته ای بصود سیاست امپریالیستی بمعنی پایان هرگونه آزادی هم برای زخمشکشان وهم برای سرمایه داران استثمارگر میبود، زیرا چنین اقدامی بمنزله پایان موجودیت فیزیکی آنها خواهد بود. این است ارزش واقعی "صلح در شرایط آزادی" که از نووا و زولیه سوسیالیسم موجود و جنبش طرفداران صلح از طرف هواداران استراتژی رویارویی مطرح میشود، فکرواند پشه اینها هنوز هم بمتهدید هسته ای بمنزله آلت و ابزار سیاسی چسبیده است.

\* \* \*

مبارزه علیه "جنگ روانی امپریالیسم" وظیفه تمام مردم روی زمین است که خواستار صلح، کاهش تشنج و خلع سلاح میباشند. این مبارزه از جلوگیری از جلوگیری از خطر بله هسته ای که نابود سازنده همه چیز خواهد بود جدائی ناپذیر است و در عین حال شرط لازم پیشروی جامعه بشری در راه ترقیسی دموکراتیک و اجتماعی نیز هست.

1 - Ernst Vollrath. Gesinnung reicht nicht. Ibid. No. 208 Mai/Juni 1983. S. 18.

2 - Ibid. S. 19.

# چهار بهار «اومانیت»

آنده کارل

روزنامه نگار فرانسوی

همچو هم آوریل سال ۱۹۸۴، هشتاد سال از بنیانگذاری روزنامه "اومانیت" سپری گردید. "اومانیت" طی این سالها احترام گسترده ملی و بین المللی بدست آورد. انتشارات "اومانیت"، شرکتی بیخ اعضا فعال حزب در فروش شماره یکشنبه آن و جشن مطبوعاتی "اومانیت" که سالانه صد ها هزار نفر را بخود جلب میکند، این روزنامه را به نشریه ای با شهرت فوق العاده گسترده ای تبدیل میکند. البته، تاریخ "اومانیت" با تاریخ حزب کمونیست فرانسه، که این روزنامه از دسامبر سال ۱۹۲۰، یعنی از کنگره تور (۱) ارگان آنست، ارتباط ناگسستی دارد.

اکنون یعنی در سال ۱۹۸۴، اگرچه ما از لحاظ زمانی از آنچنان ژورنالیست مکتونام "اومانیت" در نخستین شماره آن نوشت در وهستیم، ولی ما خود را با روح نوشته او نزد یک حس میکنیم. او نوشت: "جامعه بشری همانند مجمع واحدی یا هنوز اصلاً وجود ندارد، و یا تقریباً وجود دارد. جامعه بشری را درون هر طبقه تضاد های آشفتنی ناپذیر طبقاتی و مبارزه اجتناب ناپذیر الگارش سرمایه داری و پرولتاریا متزلزل میسازند و با اصلاح تکه پار میکنند. فقط سوسیالیسم با متحد ساختن تمام طبقات برپایه مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید این تضاد آشفتنی ناپذیر را خلع خواهد کرد و هر طبقه را، پس از آنکه بالاخره با خود شراقتی کرد، به جزئی از بهریت تبدیل میکند. هدف والای پرولتاریا بین المللی عبارت از این است که عدالت اجتماعی همگانی تمام خلقها را آشتی دهد. واقعا آتوت و فقط آتوت جامعه بشری پدید میآید، که وحدت عالی خود را در تنوع زندگی ملت های دموکراتیک و آزاد منعکس میسازد. از سال ۱۹۰۴ تاکنون جهان و فرانسه بطور چشمگیری تغییر کرده اند. سال گذشته

آ. کارل، سالهای زیادی مدبر هفت نامه "اومانیت" دیمانش بود.

۱ - حزب کمونیست فرانسه در این کنگره تأسیس گردید. هیئت تحریریه.

با تعمیق بحران سیستم حکمروایی سرمایه بزرگ و در همین حال با تشدید جنبش خلقها برای آزادی اجتماعی و ملی و آزادی معنوی توده ها مشخص میگردد. درست بهمین سبب مسائل جنگ و صلح ماهیت تحولات جهان و استراتژی حزب کمونیست فرانسه در جهت ساختمان سوسیالیسم مخصوص بخود بطریق دموکراتیک در خود فرانسه هم جنگ عکسایده فوق العاده شدیدی برپا انگیزد، برخوردار عقایدی که در آنها "اومانیت" نقش عمده را ایفا میکند.

بدین ترتیب اولاً باید جایی را که "اومانیت" در زمینه کلی تغییرات در خصلت رسانه های گروهی آخر قرن بیستم در راست معین کرد. کمونیست های فرانسوی بهیچوجه مفتون قدرت نوآوری های تکنولوژیک نشده اند، ولی با وجود این یک سلسله واقعیات آشکارا باید میکنند: بهیچوجه نتوانیم براد بود که با افزایش حجم سرعت انتقال اطلاعات و نیز در دسترس بودن اخباری که هر روز انتشار مییابد همراه است، بهدایش مسائل ارتباطی جدید و کاملاً مترمانند ما هزاره ها برقراری ارتباط بوسیله کابل، از جمله با استفاده از رشته های شیشه ای و پیشرفتهای تکنولوژیک در کازچاپ.

همه اینها درست است، ولی مسئله اساسی در واقع نه بر سر مسائل انتقال اطلاعات، بلکه بر سر محتوای آنهاست. مشخص ترین گنیم، سخن بر سر ارزیابی بین آمد های تحول تکنولوژی ارتباطات برای فعالیت حیاتی جامعه است. در اینجا باید بی شک مطالب زیر را ذکر کرد، از جمله اینکه ایالات متحده امریکا تحت ریاست جمهوری ریگان از وسائل کهنه و نیمه زیان زیادی برای تشدید فشار بر ایدئولوژیک چیزی که در فرانسه همیشه مشاهده میشود، استفاده میکند. منظور جریانی است که حزب ما آنرا با اصطلاح "جنگ ایدئولوژیک" مشخص میکند.

ثانیاً باید علل تشدید این جنگ با اسلوب جدید را در سال جاری ۱۹۸۴ در کشور ما روشن کرد. فکر میکنم هنگامیکه شرایط عینی برای تحقق تغییرات ژرف، برای دگرگونی های بنیادی اجتماعی و سیاسی فراهم میشود (وضع در فرانسه بویژه در ارتباط با شرکت وزرای کمونیست در دولت اینطور است) عامل ذهنی نقش آخرین خط دفاعی ساختار اجتماعی در حال احتضار را ایفا میکند. بنا بر این طبیعی است که ایدئولوژی و لذا مطبوعات دارای اهمیت فراوان است. در ارتباط با این مسئله نقش "اومانیت" همواره این مبارزه، که لحظه ای وقفه در آن پدید نمیآید، معین میشود.

این مبارزه در حال حاضر در چند جهت عمده انجام میشود. مهمترین آنها را بر می شماریم: تأثیر تغییرات تکنولوژیک. "اومانیت" بطور خستگی ناپذیر توضیح میدهد، که این تغییرات نباید نه به بیکاری تازه و نه به پایین آمدن قدرت خرید مردم انجامد. عملاً ما در اینجا به یک جنبه مبارزه طبقاتی بر میخوریم: آیا ترقی و پیشرفت تکنیکی برای سبک تر کردن بار انسانها و رشد تولید مسرور استفاده قرار میگیرد و یا ممکن برای افزایش بهره دهنی مالی و سود کارفرمایان؟



واکنش علیه تحریکات و تبلیغات لجام گسیخته ضد کمونیستی، که حتی به دخالت آشکار گالبرایت بانکد اروسفیر ایالات متحده و امریکاد رامورد اخلی فرانسه هم رسیده است. هدف این اقدامات گسترده بی اعتبار ساختن اشتراک و وزیرای کمونیست در دولت و بنا بر این بی اعتبار ساختن موقعیت سیاستمدارهای چپ در چهارچوب تعهداتی است که حزب کمونیست و حزب سوسیالیست در سال ۱۹۸۱ مشترکاً بعهده گرفته اند و در آخر سال ۱۹۸۳ چهار بار بگزار آنها را تایید کرده اند. امروز مسئله بدین شکل مطرح است: آیا ما با اتکا به آنچه که در عرض دو سال و نیم دولت نیروهای چپ بدست آورده ایم باز هم به این راه ادامه میدهم و یا اینکه به فشار کارفرمایان تسلیم میشویم؟

مبارزه علیه کمپانی که با سوسیالیسم موجود مخالفند. در فرانسه، میتوان گفت، بیش از هر کشور دیگری در جهان، رادیو، تلویزیون و مطبوعات بطور خصمانه برای تحریف و مسخ سیاسی سوسیالیسم موجود و در نتیجه بی اعتبار ساختن هر چه بیشتر آن کوشش میکنند. در پس این حملات مداوم، بویژه علیه اتحاد شوروی تمایل و تلاش برای ایجاد بدبینی و یاس و ناامیدی به تغییر و تحولی در جهت بهتر جهان است. هدف چنین فشار و تقویت پدیده های منفی بین کمپانی است که علاقه و توجهی به سیاست ندارند و مقابل بحران خود را باخته اند و تحریک بطور مثال، بخشی از روشنفکران به فرار از واقعیات به معنی باغی. بطور خلاصه میتوان گفت: میخواستند شک و تردید فراوانی در باره امکان هرگونه پیشرفت و بنا بر این مفهوم کلی تر امکان پیشروی سوسیالیسم بوجود آورند.

ثالثاً، سخن بر سر پی آمد های انقلاب علمی - تکنیکی است. در حقیقت پیشرفت علم و تکنیک و افزایش سریع حجم معلومات با تعهدات تازه ای را بعهده روزنامه نگاران میگذارد. مقدم بر هر چیز خواست قرار گرفتن در سطح آگاهی هائی که بشر گرد آورده و مبرم و ضروری میشود. لزوم انجام پژوهش های مختلف و فرا گرفتن نتایج آنها، کهنه شدن سریع دانائی های قبلی نیازمند تبادل نظری شایسته و درخور است. وگرنه هر دست آوردی در پژوهش های علمی بی ثمر آید در میآید. بر اساس پدیده هائی که یاد آور کردیم با این نتیجه میرسیم، که در اثر دست آورد های تکنیکی اشاعه و مقایسه و تبادل اندیشه ها اهمیت هر چه بیشتری کسب میکند. ولی در همین حال نباید دچار شبه علم و تکنوکراسی گردید.

چنین سئوالی پیش میآید که "اومانیت" در شرایط تازه در هشاد سالگی خود چه نقشی ایفا میکند، این "سالخورد" با آنکه هیچگاه پیش از این خواه در بحث و مذاکره ایدئولوژیک و خواه در رهبریک برای گسترش د اثره نفوذ خود با این اندازه جوان و دینامیک نبوده، چه نقشی بازی میکند؟

اگر بگویم که "اومانیت" مانند سایر روزنامه نیست، بمعنی آنستکه مطلب روشنی را بیان کرده باشیم. ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، در سخنرانی خود در پاریس ۱۹۷۹ در بررسی خصوصیات تئوریک نشریه را بر شمرده. او تاکید کرد که مطبوعات کمونیستی، قبل از هر چیزی مطبوعات بیان کننده حقیقت میباشدند، زیرا آنها در تمام موارد (و این موارد بیش از اندازه زیاد است) باتکیه بر سوسیالیسم علمی در واقع حقیقت را احیا میکنند. علاوه بر این، این مطبوعات با وسائیل مخصوص بخود، که کم نیست علیه تحریف و تقلب مبارزه میکنند.

این وسائیل چهار هزار خبرنگار و اوطلب "اومانیت" در گوشه و کنار فرانسه، و از آنجمله در موسسات بزرگ و در مهمترین شهرها است که خود سرمایه ای قابل توجهی نظیر است! - این وسائیل کارکنان اداره روزنامه یعنی اعضای فعال حزب و روزنامه نگاران هستند که در عین حال دارای تجربه بی نظیر زندگی اجتماعی و سیاسی میباشدند.

مطبوعات ما، مطبوعات مبارز است، زیرا "اومانیت" در موضع بینابینی میان نقطه نظر کارفرما و مال سیاسی آن و نقطه نظر طبقه کارگر و به مفهوم وسیعتر همانهایی که برای مؤد کار میکنند قرار نمیگیرد. "اومانیت" هر روز از منافع زحمتکشان یعنی نه فقط از منافع کارگران، بلکه از منافع روشنفکران نیز دفاع میکند.

مطبوعات ما، مطبوعات بحث و مذاکره و تبادل افکار است. گواهاستونی است که بیش از هر کنگره در "اومانیت" بخوانندگان اختصاص داد میشود تا برای تدارک بهتر کارکنان عقیده خود را بیان کنند. در زمینه اساسی تری، از اینجا اینطور نتیجه میشود که "اومانیت" نقش یک آموزگار را بر عهده مفهوم واقعی کلمه بازی میکند.

بالاخره مطبوعات کمونیستی، مطبوعات با احساس مسئولیت فراوان است. همانگونه که گفتیم، هر روزنامه نگار کمونیست در رهبریک باید بولویژیک روزانه خود، ابراز شایستگی، شجاعت و صداقت را هم وظیفه خود میداند، یعنی کارش استفاده از قلم فقط برای بازگو کردن مکانیکی آنچه را که در اطراف خود دیده نیست. زیرا چنانکه میدانیم حقیقت بیکار فقط از ترسیم ساده واقعیت پدید نمیآید. جنبش انقلابی بدانگونه که تجربه بجا میآموزد نمیتواند خود بخود بی باشد.

ژرژ مارش، در سخنرانی که در سال ۱۹۷۹ در توضیح داد، که "اومانیت" و سایر روزنامه های محلی حزب کمونیست، درست بعلافت انقلابی بودن خود، نمیتوانند در جامعه سرمایه داری بدون شرکت اعضای فعال حزب وجود داشته باشند. عبارت دیگر، مطبوعات انقلابی نیازمند پشتیبانی انقلابی است. این تز میگوید حرکت تبلیغاتی گسترده برای انتخابات در رهبریک از حوزه های حزبی حزب کمونیست فرانسه گردید که مسئول بخش "اومانیت" و مجموعه مطبوعات کمونیستی بطور کلی است.

در بیست و سومین کنگره حزب کمونیست فرانسه تغییر مهمی در اساسنامه حزب بعمل آمد . به ماده ۲۰۵ بندی درباره ضرورت ایجاد کمیته ای برای توزیع " اومانیته " در هر کشور اضافه شد .

در فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه تحت عنوان " همراه " اومانیته " با استقبال سالروز آن ! " که در ۱۹ ژانویه سال ۱۹۸۴ انتشار یافت ، درباره کمیته های بخش روزنامه با آنکه به سازمانهای اولیه حزب از جمله گفته شده است : " اظهار این مطلب به همکاران و همسایگان در واقع وظیفه آنان و تمام کمونیست ها است که شما همچوقت در گذشته اینقدر به روزنامه ای ، که مال خودتان باشد ، احتیاج نداشته باشید ، روزنامه ای ، که سخنان شما را بشنود و گفته های شما را بچاپ رساند ، روزنامه ای ، که توضیحات کمونیست ها درباره موضوع موجود را بنظر شما رساند و آنها را در حالیکه سایر وسائل ارتباط جمعی در پارتیان تصویری تحریف شده ، غیر دقیق و در ضمن شمارا راه میدهند .

چنین روزنامه ای وجود دارد . این روزنامه " اومانیته " است ، درباره آن باید بگران صحبت کنید ! " . در اینجا باید متذکر شد ، که یکی از اجالترین ویژگی های " اومانیته " عبارت از این است که موجودیت و پیشرفت آن طی پنجاه سال بر پشتیبانی سازمان داده شده اضافی حزب استوار است ، که در کمیته دفاع از " اومانیته " متحد گردیده اند . این کمیته ها در سال ۱۹۲۹ در نتیجه فراخوان مارسل کاشن ویل و ایان کوتوریه ، هنگامیکه بورژوازی فرانسه تلاش میکرد باعث تعطیل روزنامه گردد و آنرا در وضع مالی بسیار دشواری قرار داد تا منسوخ شوند . باید گفت اگرچه اینک وضع طوری بگری است و زمینه سیاسی کاملا با آنچه بود تفاوت دارد ، دشواریهای مالی کمتر تغییر کرده است .

مقد صر هر چه باید اینطور حساب کرد ، که غیر از " اومانیته " و متحد وی ، " لاکروا " روزنامه کاتولیکی روزنامه های روزانه ای که بیانگر عقاید محافظ گسترده اجتماعی باشند عملا در فرانسه از من رفتند . علاوه بر این کارفرمایان هنگام درج کلام " اومانیته " را تحریم میکنند ، در حالیکه رکلام منبع اساسی درآمدی است که انتشار منظم مطبوعات در کشورهای سرمایه داری را تا مین میکند . هر شماره " اومانیته " که روزانه با تیراژ ۱۳۰۰۰ نسخه انتشار مییابد ، با ضرر فروخته میشود ، و ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه فقط بکمک درآمد جشن خود و به یاری فعالیت گسترده برای جمع آوری اعانه که در پانزده سال ترتیب داد میشود ، بوجود میآید خود ادامه میدهد . میزان این اعانه امسال به ۲ میلیون فرانک بالغ گردید . در نتیجه شرکت در او طلبانه و از خود گذشتگی دهها هزار نفر از اعضای حزب کمونیست فرانسه " اومانیته " در پارتیشان ، در خیابانها فروخته میشود و به منازل و خانه ها در شهرها و روستا های تمام کشور راه مییابد . این واقعه هم متینگی بسیار عظیمی است که هر هفته حزب کمونیست فرانسه سازمان میدهد .

چنین است روزنامه " اومانیته " در سال ۱۹۸۴ ، در دوره ای که در تحقق استراتژی

جدیدی بنام فرانسه شرکت میجوید . " اومانیته " با بررسی واقعیات و رجستجوی راه حل های متری که با سخنگوی وظائف لحظه کنونی باشند هر روز خوانندگان را با موضوع کمونیست ها آشنا میسازد .

اگر بشود بر پایه تغییرات فراوانی که جریان دارد و گرایش و تمایلی که برای تحقق در گونی های بنیادی همت قضاوت نمود نفوذ " اومانیته " همطراز با هدفهای است که مطرح میکند . روزنامه شایستگی های ویژه ای دارد ولی در صورتیکه آنها را با موقعیتهای نیازهای مبرم زندگی تطبیق ندیم ( کاری که هیئت تحریریه میکوشد بطور مداوم انجام دهد ) میتوانند به نواقص روزنامه تبدیل شوند . هشتاد و هفت سالگرد ارگان مرکزی چپ حزب کمونیست فرانسه که به چهارمین بهار خنود یعنی چهارمین بیست ساله خود رسیده ، بیش از پیش الهام بخش چنین کوشش های دسته جمعی است .

" ملیتانه کمونیستا "

برای تمرین تبلیغات شفاهی

مجله کمونیست های کوهان تاریخ سیمینوزیم علمی - عملی را که موضوع آن " تبلیغات شفاهی و تشویق و تهییج بمنزله وسیله موثر رهبری سیاسی ، تربیت و بسیج توده ها " بود در پانزدهم کشتور برگزار گردید ، مورد تفسیر قرار داده است .

" ملیتانه کمونیستا " مینویسد : یکی از مهمترین نتایج سیمینوزیم کمبود توجه سازمان های حزبی کشور قرار گرفته عبارت از ضرورت آماده ساختن جدی و دقیق کارهای تبلیغی است . کمانیکه این بخش از کار باید تولید یک جمعیت آسان و آگندار گردد ، موظفند نه فقط اساسهای مارکسیسم - لنینیسم را فراگیرند ، بلکه باید بتوانند بطور ساده و روشن وقایع کنند ( قابل درک عامه - مترجم ) با مردم صحبت کنند و فن سخنرانی و نطق و خطابه را مد او و مستمر بیاموزند .

باید نظر گرفتن تجارب حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادر ، از جمله ، امکان ایجاد گروههای خبرگزاران ( انفرماتور ) سیاسی در سازمانهای اولیه حزب کمونیست کوه مورد بحث بررسی است . گشایش خانه روشنگری سیاسی در شهرها و ماکوای ابتکار گرانهای در جهت تکمیل تبلیغات شفاهی گردید . مجله معتقد است که سایر نواحی کشور نیز میتوانند باید از این اقدام مفید پیروی نمایند .

## نیروی پایان ناپذیر مبارزه آزاد بخش

خالد حماسی

عضو هیئت مرکزی

حزب کمونیست سوریه

بوخامت اوضاع خاور نزدیک کمتر با افزودن میشود. این خطر بطور مداوم وجود دارد که آتش حریق جنگ در اینجا باشد که بیشتر شعله ور گردد. اینک بویژه بروشنی دیده میشود که "مساعی صلح گسترانه" واشنگتن کفایت فقط در ورنمای دسترسی به صلح در منطقه را نرزد یک نکرده، بلکه بعیزان قابل توجهی آنرا در ورتر هم ساخته، به چه بی آمد های سخت و ناگواری انجامیده است. یاد آور میشویم که تا چندی پیش درگیری در خاور نزدیک اساساً در عملیات تجار و کاروانه اسرائیل علیه کشورهای عربی خلاصه میشد. ایالات متحده آمریکا از تل آویو همه جانبه، از لحاظ نظامی، اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی پشتیبانی میکرد و آنرا برای انجام عملیات تجار و کاروانه تازه بر میانگذاخت. ولی خود در عملیات مسلحانه آشکارا و بلا واسطه شرکت نمیکرد. واشنگتن میکوشید حتی خود را "واسطه به غرض" و "صلح دوستی" قلمداد کند که بایستی صبری برای پایان یافتن خونریزی در تلاش است. رویداد های لبنان این دعاوی دغلکارانه را کاملاً افشاء کردند. تفنگداران دریایی آمریکا، نیروی هوایی و توپخانه در پاشی آن بمب و گلوله بیشمار بر فراز شهرها و روستاهای لبنان، بر مواضع نیروهای ملی و میهن پرست کشور، بر مواضع استقرار نیروهای سوریه (که بر اساس تقاضای دولت قانونی لبنان و طبق قرار جامعه کشورهای عربی در لبنان هستند) فروریختند. روبرو روسی آمریکا و اعراب در صحنه نبرد بواقعیتهای مبدل گردید. سر بازان آتموسی اقیانوسها، دست خود را بخون امراب آغشته کردند.

۱ - این مقاله که نظریه حزب کمونیست سوریه را منعکس میسازد ادامه سلسله مقالاتی است در باره موضوع جنبش آزاد بخش ملی و وظائف نیروهای انقلابی با توجه به موضوعی که در خاور نزدیک بوجود آمده است. ( رجوع کنید به مقاله های در سپهر و ن. اشهب به ترتیب در شماره های ۳ و ۴ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" سال ۱۹۸۴. هیئت تحریریه.

مداخله مسلحانه آمریکا در لبنان انعکاس آشکار از بیگانه سازی از موضع قدرت و مظهر روشی دستگیره دولتی واشنگتن در جهت استفاده از اعمال زور و خشونت بمنزله ابزار اساسی حل و فصل مسائل بین المللی بود. قدرت آتش واحد عملیاتی آمریکا را، در آنسوی اقیانوس، دلیل و پرهان کاملاً قاطع و وزینتی برای این بشمار آوردند که لبنانی ها حاضر شوند، فرمانبرد ارانه پالمنگک اسارتبار زد و بند با اسرائیل را گردن نهند و اجازه دهند کشورشان را به عرابه کمپ - د وید بپندند.

ولی هدفهای تجار و کاروان به لبنان تنها محدود نمیکردید. ضربه، از جمله متوجه سوریه هم میشد. زیرا، پس از کمپ - د وید سوریه در واقع بگانه کشور عربی باقی ماند که، بطور واقعی و بلا واسطه در برابر تجار و اسرائیل ایستاده بود و در روبرو پایداری که از خود نشان داد به حلقه عمده نبود خاور نزدیک و جدی ترین مانع در راه تحقق نیات آلمانیس امپریالیستی - صهیونیستی مبدل گردید. تجار و کاروان میخواستند یکم فشار نظامی مستقیم، شان تاز و تهدید ایداراد مخود را به سوریه تحمیل کنند و آنرا وادار به عقب نشینی نمایند.

کوششهایی هم بعمل میآمد که با انواع عهد و موهیدها آنرا تطمیع کنند. بطور مثال گفته میشد که گویا دولت ریگان با عدم توجه کافی به منافع سوریه در لبنان و منطقه مرتکب "خطا" گردیده، ولی، گویا میتوان کار را اصلاح کرد. تلاش میکردند سوریه را به دورنمای انعقاد قرارداد ای با لبنان نظیر آنچه ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ با اسرائیل منعقد گردیده بود جلب کنند. بارها اشاراتی شد دایر بر اینکه اگر سوریه سیاست خود را نسبت به لبنان و مسئله فلسطین تغییر داده و از همکاری با اتحاد شوروی صرف نظر نماید، باز گرداندن ارتفاعات جولان که اسرائیل اشغال کرده امکان پذیر است.

ولی سوریه تزلزلنی بخود را ندارد و عقب نشینت. مرد بکشور ما، نیروهای مترقی و میهن پرست آن، رهبری کشور و ارتش در عزم خود برای مقابله با دسائیس امپریالیست و صهیونیسم و جلوه گیری از تحقق طرح های "حل و فصل" مسائل بشیوه امریکائی - اسرائیلی ( بهر شکلی که در آیند )، و عقیم ساختن توطئه کمپ - د وید و " نقشه ریگان " با موافقتنامه ماضی میان اولیای امور لبنان و تل آویو متحد و متفق الرای باقی ماندند. پشتیبانی همجانبانه اتحاد شوروی، از جمله در رشته نظامی که هدف آن حمایت از پایداری سوریه در برابر تهدیدات مداوم و تهاجمات تجار و کاروانه بود اهمیت بسیار زیادی داشت. کمک و ستان شوروی امکان داد قدرت دفاعی کشور را استحکام بخشیده و توان واستعداد رزمی نیروهای مسلح آن را افزایش دهد. این امر تا شایرنیکوشی در روحیه مردم سوریه و تظاهراتهای جنبش آزاد بخش ملی عربی داشت و اعتماد آنان به توانایی خویش برای دفع حملات دشمن و شکست دادن آن افزود.

از آنجا که موضعهگیری سوریه بر مبنای اعتقاد به حقانیت امری که از آن دفاع میکرد قرار داشت و

مستحکم و تزلزل ناپذیر بود . وقتی کشوری در آنسوی اقیانوسها که هزاران کیلومتر با سواحل لبنان فاصله دارد ، آنرا مرصه " منافع حیاتی خود " اعلام میکند ، این را فقط راوروشی امپراطوری گونسه میتوان نامید . کافی است فقط نظر سطحی به نقشه خاور نزدیک اندازیم و بطور سطحی هم شده بسا تاریخ آن آشنا شویم تا درک کنیم که : سرنوشت سوریه و لبنان و خلغهای هردو کشور با پیوند های ناگسستنی ، بهم مربوط است . سوریه با خواست خود یعنی بر لغزود و بند ی که زهر لوله توپ های اسرائیل و فشار دیپلماسی امریکایه لبنان تحمیل شده بودند فقط به حراست از استقلال و حاکمیت کشور برادر رکم کرد ، بلکه از امنیت خود هم دفاع نمود . زیرا طبق " قرارداد مربوط به صلح " مامنه ، ارتشهای تجاوزکار که قبلا بلندبهای جولان را از کشور ما جدا کرده اند ، کنترل خود را بر بخش بزرگی از سرزمین های لبنان که در نزدیکی دمشق یعنی پایتخت سوریه واقع شده است حفظ میکردند . اسرائیل میتواندست بلا مانع فضای هوایی و آبیهای ساحلی متعلق به لبنان را مورد استفاده قرار دهد و علا آنرا به پایگاه نظامی برای سایر عملیات تجاوزکارانه علیه کشور ما مبدل سازد .

سوریه چندین بار اعلام کرد که هیچ دومی نسبت به لبنان ندارد و آماده است ، بمحض اینکه پس از لغای قرارداد ده سال ۱۹۸۳ ، آخرین سر باز اسرائیلی کشور را ترک کند و در آنجا دولت ائتلاف ملی و طبق توافق نمایندگان نیروهای مختلف لبنان ، ایجاد گردد و واحد های نظامی خود را از لبنان خارج کند . ولی سوریه کاملا عادلانه هرگونه تلاشی را که برای قرارداد ان علامت مساوی میان وجود نیروهای سوریه در لبنان و اشغال اراضی کشور مستقل عربی بوسیله نظامیان اسرائیل بعمل آیند ، رد کرده و در آینده نیز رد خواهد کرد . تجاوزکار باید بدون قید و شرط بی کار خود رود ، این است خواست مردم لبنان که مورد پشتیبانی مجامع بین المللی است و در قطعنامه های مربوطه شورای امنیت سازمان ملل متحد بازتاب یافته است . این قطعنامه ها کاملا بقوت خود باقی هستند و موضع کشور ما با آنها توافق کامل دارد .

امیرالهیسم در خاور نزدیک خیلی زیاد مایه گذاشته است و همین سبب از هیچ اقدامی رویگردان نیست و برای رسیدن به خواستههای خود بدین تعلل تمام بواسطه خشونت آمیز و جناحیتکارانه رباکار میگردد . سرچشمه جدی ترین خطری که بر سراسیر منطقه ماسایه افکنده نیز همین است . در بالا گفتیم که سیاست تهدید و تطمیع و تازیان و نان شریفی نسبت به کشور ما نتایج مطلوب را برای امیرالهیسم از بیگانه بار نیارود . ایالات متحده امریکایه روایع فقط از یک وسیله استفاده ننکرده است و آن تجاوز و مسلحانه بمقیاس گسترده است . حتی میتوان گفت : نقشه های چنین تجاوزی حالا دیگر طرح و تهیه شده و فقط در انتظار اجرای خود هستند .

این سؤال پیش میآید که چرا ضربه نظامی تاکنون وارد نشده است ؟ این دست نگهداشتن

را چگونه و چه وسیله ای میتوان توضیح داد ، تعللی را که بنظر میرسد ، نه از مشخصات دولت متعایل بهما جراحی ایالات متحده امریکایه ویژه گردانندگان تل اوپو ، این سودازدگان عظیمش میلیتاریستی است چگونه میتوان تشریح نمود .

اولا طراخان استراتژی آنسوی اقیانوسها هنوز امید بموفقیت در مساعی خویش را بمنظور تفرقه انداختن در جنبه نیروهای عربی که در برابر آنها قرار گرفته اند و جلب یک یک آنها به دام زد و بند های جداگانه ، همانطور که با مصراوات میسر گردید و اندکی بعد ، نزد یک بودن بالبنان هم امکان پذیر شود ، از دست نداده اند . در چنین حالتی سوریه در برابر دشمن تک و تنها میماند .

از سوی دیگر امیرالهیست های امریکایه از این بیم دارند که با اعطیات نظامی جدید نتایج عکس آنچه آنها انتظار دارند به بار آورد . در سرهای لبنان از خاطر ترفته و هیچ فراموش نشده است . در آنجا استراتژی واشنگتن کمبنتی براتکا " به مشقت و جعاق بمنزله وسیله عامی برای انجام امور و مرصه بین المللی ، بی اعتنائی نخوت آمیز و منافع دیگر خلقتها و کم بهادان به توانائی و قاطعیت آنها برای دفاع از این منافع است به بن بست رسید . نه توبه های ۱۶ اینچی ناو جنگی " نیوجرسی " و نه موشکهای نیروی هوایی مستقر در شمشاوها ، نتوانستند آنرا از این بن بست بیرون آورند .

ما بر مردم لبنان علیه اشغال کشور ، حضور " نیروهای چند ملیتی " و قرارداد اسارت بار با اسرائیل در واقع خصلت همگانی بخود گرفت . نیروهای ملی و همین پرست کشور ضمن همکاری با سوریه و به پشتیبانی آن شکست جدی نظامی - سیاسی به رژیم پرزیدنت ا . جمیل وارد ساختند . جمیل به حزب افراطی راستگرای فالانزیست هامتکی است که از طریق هواداران خود در ارتش تاثیر میکردند . از آنجا که اسرائیلی ها و امریکایی ها درست روی این رژیم ، بمنزله مجری نقشه تبدیل لبنان به حلقه دوم کمپ - در دید تغییر شکل یافته ، حساب میکردند ، حالت بن بست وضع موجود شدت یافت . تفنگداران دریایی ایالات متحده که در خشکی استقرار یافته بودند در واقع بمحصوره درآمدند و مجبور شدند بسه ناوهای ناوگان ششم بازگردند . نیروهای انگلیسی ، ایتالیایی و فرانسوی که در ترکیب " نیروهای چند ملیتی " وارد بودند نیز لبنان را ترک کردند . ما موریت " صلح گستران " امیرالهیست به شکست و ناکامی انجامید . پرزیدنت ا . جمیل که با افتخار قاطعانه اکثریت قاطع لبنانی ها از قبول زد و بند تحقیر آمیز نائل اوپو ( باستثنای افراطیون راستگرا و ناصرفاشیست ) ورد قاطعانه آن از طرف سوریه روبرو گردید ، لغو قرارداد صلح " ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ را اعلام داشت .

این رویداد ها را بدرستی میتوان بمنزله شکست سیاست ایالات متحده و اسرائیل در لبنان و شکست عظیم تمام استراتژی خاور نزدیک واشنگتن ارزیابی کرد . ضربه های حساسی به حیثیت و اعتبار ایالات متحده وارد شده است ، حتی اعتماد کسانی به ایالات متحده در کشورهای عربی متزلزل گردید و

که به جستجوی تفاهمتقابل با کشور آنسوی اقیانوس فرامخوانند .

یک مثال نمونه بار : امریکائی ها در تلاش خود برای بجزایان انداختن مجدد " پلان ریگان " ، پس از شکست در لبنان ، چشم خود را به اردن دوختند . ارباب کاخ سفید اعلام کرد که اردن " دارای اهمیت کلیدی برای پروسه صلح است " و همین سبب میتواند به دریافت مقدار بیشتری اسلحه امریکائی مطمئن باشد . ولی روز بعد ( بمعنای واقعی این کلمه ) شاه حسین ( بهر منظور و مصلحتی کمبوده ) سیاست ایالات متحده امریکا در خاور نزدیک را بشد نمود انتقاد قرار داد . او راهروش امریکا را غیر اصولی و سالوسانه نامید و ایالات متحده را به پشتیبانی بدون قید و شرط از اسرائیل متهم ساخت و گفت امریکا بمنزله واسطه در حل و فصل درگیری خاور نزدیک اعتبار خود را از دست داده است ( ۱ ) .

ولی تجربه تاریخ بما می آموزد که تجاوزکاران امپریالیست از دروس زندگی به ندرت درست نتیجه گیری میکنند و با وجود شکست های پیاپی ، از نو و از نو دست به چاق می برند . پرزیدنت ریگان ضمن اعلام عدم تغییر اهداف سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در لبنان تهدید کرد که قادر است در هر لحظه که بخواهد به متفنگاران دریائی فرمان پیاده شدن در سواحل لبنان را بدهد . شولتس وزیر امور خارجه هم بنویس خود یاد آور شد که ایالات متحده برای دست یافتن به هدفهای گذشته در خاور نزدیک از وسائل دیگری غیر از وسائل پیشین هم استفاده خواهد کرد .

واشنگتن ، در چهارچوب " همکاریهای استراتژیک " وظائف پاراساسی ژاندارم را از نوبه نظامیان اسرائیل که به شکنجه و آزار سرزمین رنج و عذاب کشیده لبنان ادامه میدهند پیشنهاد میکند . اشغالگران در جنوب کشور مواضع خود را استحکام می بخشند و از آنجا بدون وقفه به حمله و هجوم دست میزنند . تدارکات برای جنگ و تحریکات علیه واحد های ارتش سوریه که در لبنان هستند ادامه دارد . مکرر در مکرر تهدید به جنگ علیه سوریه شنیده میشود .

ولی تل اوپو این را باید درک کند که ماجراجویی های تجاوزکارانه علیه سوریه برای اسرائیل گران تمام خواهد شد . حتی عملیات " صلح برای گالیله " ( نام هجوم به لبنان ) شرارتی را که مسود انتظار تشریفات صهیونیست ها بود بیار نیارود . در نتیجه عملیات قهرمانانه جبهه مقاومت ملی لبنان به اشغالگران خسارات سنگین مالی و تلفات شدید وارد می آید ، بارهزینه های جنگی اسرائیل را ( بسا وجود کمک امریکا ) به سرحد ورشکستگی اقتصادی رسانده و در نتیجه تمام اینها جنبش ضد جنگ در کشور گسترش مییابد . سوریه که ارتش آن یا سلاحهای مدرن ویر قدرتی مجهز است عزم راسخ دارد از آزادی و استقلال خود دفاع کند و قادر است به کمیکه به این دو تجاوز کند ضربه خرد کننده ای وارساند .

۱ - رجوع کنید به : " انترناسیونال هرنالد تریبون " ۱۹ مارس سال ۱۹۸۴ .

اسرائیل بر هیچ اساسی نمیتواند نه فقط به یک پیروزی برق آسا و سهیل و آسان ، بلکه بطور کلی به پیروزی امید واریا باشد .

لین فاکت نمیتواند بر آتش و حرارت دستد اران ماجراجویی های میلیتاریستی آب سرد نباشد . با اینهمه به امید اینکه امپریالیست ها و دستیارانشان بصدای عقل گوش فرا خواهند داد ، نمیتوان دلخوش کرد .

مقابله قاطعانه با د سائس تجاوزکارانه آلیانس امریکا - اسرائیل در خاور نزدیک روشن ترین مظهر مشی صلحد و ستانه کشور ما است . این مشی در اقدامات دیگری همچنانند پشتیبانی از ابتکارات ضد جنگ کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبش عدت عهد ، فعالیت علیه تدارکات میلیتاریستی امپریالیسم و از جمله استقرار موشکهای هسته ای ویژه ضربه نخستین امریکا در اروپای غربی و مخالفست با سابقه تسلیحاتی جنون آمیز پرو می کند . مردم سوریه انجام این اقدامات را وظیفه مبین پرستانه و انترناسیونالیستی خود و عموم اعراب بشمار می آورند .

همبستگی موثر نیروهای صلحد و ست سواره ما با سوریه هم بنویه خود شرط مهم موفقیت در کوشش مشترک برای حل و فصل حیاتی ترین مسئله ایست که تا کنون در برابر جامعه بشری قرار گرفته و آن جلوگیری از خطر نابودی تمدن در شمله های آتش سوزی هسته ایست . درگیری مسلحانه ترازه و بحقیق و وسیع در خاور نزدیک دارای پی آمد های غیرقابل پیش بینی و حتی فاجعه آمیز نه فقط برای کشورهای منطقه ، بلکه برای سراسر کره زمین است .

پیروزی عظیمی که در سرزمین لبنان بدست آمد بار دیگر نشان داد که پتانسیل ضد امپریالیستی جنبش ملی آزاد بیخش عربی و توانائی آن نه فقط برای پایداری در برابر هجوم دشمن ، بلکه وارد آوردن شکست جدی بدان تاجه اندازه زیاد است . در عین حال پراتیک سالهای گذشته ، به ویژه سالهای هفتاد و آغاز سالهای ۸۰ گواه بر این است که وجود چنین نیرویی و حتی افزایش کلی وزن و نفوذ جنبش آزاد بیخش نمیتواند ضامن پیشرفت صهودی پروسه انقلابی بطور خود بخودی ( اتوماتیک ) باشند . این پروسه که با مبارزه حاد نیروهای اجتماعی و سیاسی گوناگون همراه است بطور ناموزون جریان دارد گاهی تسریع میشود ، زمانی کند میگردد و جدر و صدد ویژه خود را داراست .

جنبش آزاد بیخش عربی در این مرحله منظره ای متنوع ، گوناگون و متضاد دارد . این جنبش ناگزیر ناگامی های تلخ و عقب نشینی هائی را بخود دیده است . جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ و اشغال سرزمین های وسیع عربی وسیله اسرائیل ، افتادن اهرم های حاکمیت بدست بورژوازی طفیلی در مصر ، عقب نشینی یک سلسله از رژیم ها ، محدودیت شدید آزادیهای دموکراتیک که از سالهای ۵۰ باشکال مختلف و درجات مختلف در تمام کشورهای عربی ادامه دارد را یاد آور میشویم . فعالیت های خرابکارانه

روزافزون ارتجاع عربستان سعودی در منطقه راههای ازمجمله پدیدهای منفی جدی بشمار آورد .  
علتکرد عوامل بین المللی ، از جمله و مقدم بر همه تشدید فشارهای نظامی از طرف امپریالیسم هم نقش  
خود را ایفاء کردند .

ولی نتایج مبارزات جنبش آزاد بیخشم ملی عربی را فقط در حد موفقیت ها خلاصه کردن  
نادرست میبود . بین دو موکراتیک در راه خود در جهت سوسیالیسم با اطمینان گام برمیدارد . در  
آنجا برهبری حزب سوسیالیست که فعالیت خود را بر مبنای اصول سوسیالیسم علمی قرار داده ،  
در گزینش های اجتماعی - اقتصادی عمیقی بنسود زحمتکشان تحقق مییابد . جنبش توده های انبوه  
مردم که امواج نیرومندش بارها مصر ، سوئدان ، تونس ، مراکش ، عربستان سعودی و سایر کشورهای راه  
لوزه در آورده فروغی نشیند . همکاری میان نیروهای مترقی و مبین پرست کشورهای عربی که اشکال  
مختلفی بخود میگیرد ( مانند هم آهنگ ساختن فعالیت ها یا اتحاد در چهارچوب جنبه واحد نظیر  
آنچه در سوریه وجود دارد ) استحکام مییابد .

کمیونست ها پیشاپیش این نیروها گام برمیدارند . آنها عملاً با ثبات رسانند ند که بیکرترین  
واستوارترین مبارزان در راه صلح ، آزادی ، دموکراسی واقعی و ترقی اجتماعی هستند . نزدیک شدن  
به مواضع ایدئولوژیک و سیاسی کمیونست ها و با اغلب پذیرش مستقیم آنها از طرف نیروهای بانفوذی که  
سالهای دراز بر پرچم ملت گزایی فعالیت کرده اند ، تا باید قانع کننده افزایش نقش کمیونست ها است .  
موفقیت های جنبش کمیونستی در کشورهای عربی انکارناپذیر است . حزب کمیونست مصر فعالیت خود را  
از سر گرفته است و حزب کمیونست سوئدان فعالیت علمی را آغاز کرده است . تمام تلاشها برای مورد شک  
و تردید قرار دادن سهم تاریخی احزاب طبقه کارگر در مبارزه در راه آزادی ملی ، کم به آدان به  
اهمیت اشتراک آسهاد ریکارهای کنونی ، در راه تحکیم استقلال بدست آمده ، مجواستثمارنــ  
استعماری و تا مین پیشرفت مترقی و دموکراتیک باشکست مواجه گردید .

کمیونست ها در نخستین صفوف کسانی بود موهستند که با مقاومت دلیرانه خود " پروسه  
کمپ - دوید " را عملاً فلج کردند و مانع تحقق " پلان ریگان " شدند . سازمان دهندگان مداخله  
سلحخانه در لبنان آشکارا نقشه کشیده بودند که پس از ظلمه ، میان اعراب یاس و نومیدی برانگیخته  
و دانهاتلقین کنند که گویا ، دیگر چیزی نمیتوان امید بست و غیر از رفتن بدنیال تسلیم طلبان برای  
گرنش و تعظیم بکسانیکه در آن سوی اقیانوس سرنوشت اعراب را در دست دارند ، راه دیگری وجود ندارد .  
مرتجعین عرب که ناقل و مروج ایدئولوژی ملی گرای راست هستند ، نیز همین را میخواستند . ولی مسئله  
شکل کاملاً متفاوتی بخود گرفت . در پی رویداد های لبنان درست مواضع کسانی متزلزل گردید کسسه  
تزوکدائی سادات را تبلیغ میکردند ، بدین ترتیب که در مسافله مربوط بمحل و فصل معضلات لبنان

نود و نه درصد ووزق هادردست واشنگتن است . ولی این واقعیت از نوتایید گردید کمنه فقط ۹۹ ،  
بلکه تمام صد درصد ووزق هادردست خلقهایی است که با انکابه پشتیبانی نیروهای مترقی جهان  
برهبری اتحاد شوروی و همفکشرهای جامعه کشورهای سوسیالیستی از حقوق حقه خویش دفاع  
میکنند .

یکی از مهمترین هدفهای تجا و زامریکا - اسرائیل در واقع همین هم بود که کشورهای  
راد نظر اعراب بی اعتبار سازد و آنها را به موثر بودن کمک شوروی مشکوک نماید و مناسبات دوستی  
و همکاری نزدیکی کف آنها را با اتحاد شوروی پیوند میدهد برهم زند . اما این بار هم نتیجه بعکس  
شد . زندگی برای چندمین بار بگیری و موثر بودن پشتیبانی اتحاد شوروی از کسانی را که در برابر  
تهدید ها و حملات تجا و زکارانه امپریالیست ها سرخم نمیکند با ثبات رسانند . اتحاد شوروی در نظر  
اعراب بمنزله متحد مطمئن و نیرومند و هم رزم در برابر علیه دشمن مشترک بیشتر تثبیت شد . علائق  
دوستی اعراب و اتحاد شوروی مستحکم گردید . این دوستی ، اینک عامل بسیار روزینی در زندگی  
سیاسی دنیا ی عرب است . وجهه اعتبار این یا آن حزب و سازمان در اینجا میزان زیادی بوسیله  
موضع آن نسبت بمتحکم این روابط و دستانه معین میشود .

رویداد های لبنان سابقه بسیار مهمی در تایید اشکارا این نکته است که مقابله با خزشهای  
توسعه طلبانه امپریالیسم و گسستن زنجیرهای وابستگی که در قرارداد ها و موافقت نامه های اسارت  
آور تجسم یافته اند کاملاً امکان پذیر است . این همگواه دیگری بر آنست که جنبش آزاد بیخشم ملی عربی  
با وجود تمام مراد بها و عقب نشینی هایی که در بالا بدانها اشاره کردیم ، بطور کلی در مسیر صعودی  
پیشرفت میکند . بطوریکه در گزارش کمیته مرکزی حزب کمیونست سوریه به پنجمین کنگره حزب ( سال  
۱۹۸۰ ) خاطر نشان گردیده " برای قضاوت درباره جریان امور بطور کلی ، فقط دنبال کردن برخی  
از پدیدهای سطحی در دنیا ی عرب کافی نیست . خیانت این یا آن رئیس دولت ، ناپیگیری این یا  
آن هیئت حاکمه ، اگرچه در یکی از کشورهایی هم باشد که دارای رژیم مترقی است ، نمیتواند میزان و  
معیاری برای قضاوت درباره همه جنبش آزاد بیخشم ملی عربی ، با پایاها و اساسی برای اظهاراتی از این  
قبیل باشد که گویا جنبش با بحران یا فروکش رو برو است . باید پروسه های عمیقی را که در اساس بر بنیاد  
آن و در میان توده های مردم جریان دارد و تاثیر آنها بر پیشرفت جنبش بطور کلی را دید " ( ۱ ) .

ولی گرایش ضد امپریالیستی که بطور عمیق ویژه کشورهای عربی و هم کشورهای آزاد شده است  
در سیاست آنها بطور اتوماتیک بروز نمیکند . در اینجا خیلی چیزها وابسته به خصلت رژیم های حاکم و  
سرهت اجتماعی - طبقاتی نیروهایی است که در رأس حاکمیت قرار دارند . در کشورهایی که دارای

۱ - اسناد پنجمین کنگره حزب کمیونست سوریه . دمشق ۱۹۸۲ ، صفحات ۸۵-۸۴ .

سمتگیری سوسیالیستی هستند ( مانند جمهوری دموکراتیک خلق یمن ) این گرایش مضمون اجتماعی بسیار روزینی کسب نمود و علیه مناسبات استثماراری بطور کلی عمل میکند . آنجا که رژیم های حاکم که زمانی از مواضع میهن پرستانه دفاع میکردند تغییر ماهیت داده اند ، محافل حاکمه تاویل به سازش با امپریالیسم وحتى تسلیم طلبی مستقیم از خود نشان میدهند . در برخی از کشورهای همبازار شدیدی بر سر مسئله دوزنمای پیشرفت ادامه دارد و گاهی ( همانطور که در سوریه شاهد آن هستیم ) میان سمت ضد امپریالیستی سیاست خارجی و مشی محدود ساختن ترقی اجتماعی در زمینه سیاست داخلی اختلاف بچشم میخورد .

کمونیست های سوریه جهات منفی موجود در سیاست اجتماعی - اقتصادی دولت را از نظر دور نمیکنند . شرایط زندگی توده های مردم در کشور ما مانند گذشته دشوار است . بیکاری ، گرانسی ، فقدان مسکن قشرهای انبوه زحمتکش را ساخت در فشار قرار میدهند و به خواستهای حیاتی آنها اغلب توجه نمیشود . در عین حال بورژوازی انگل رویه رشد است و رشوه خواری و فساد رواج پیدا میکند . محافل حاکمه با احتیاط و ترس بر لزوم ابتکارات و فعالیتهای مستقلانه توده ها میدان میدهند . آزاد بهای دموکراتیک نقض میشود و امکان فعالیت نیروهای مترقی - میهن پرست محدود میگردد . ولی در عرصه سیاست خارجی ، دولت ازمشی ضد امپریالیستی پیروی میکند . این خط مشی از لحاظ اهمیت و تاثیر خود از مرزهای سوریه فراتر رفته و سراسر منطقه خاور نزدیک و دنیا عربی را تحت تاثیر قرار میدهد . این سیاست گاهی در مبارزه جهانی علیه نیات سوء تجار و کارانه و میلیتاریستی امپریالیسم است .

ما معتقدیم که هیچ سیاست دیگری بهتر از این برای کشور ما وجود ندارد . دمشق اینسک یک مرکز مهم فعالیت های سیاسی بین المللی است . به نقش آن در تعیین سمت و جریان رویدادها که در منطقه بوقوع می پیوندد ، حتی دشمنان هم بایی میلی و خشم مجبور میشوند اعتراف کنند . روشن است که اگر سوریه در برابر فشار عقب نشینی میکرد و موضع بیکار قاطعانه با متجاوزان ترک مینمود ، ناگزیر از اعتبار روحیستی که بدست آورده محروم میشد و اهمیت عاطفی بانفوذ در سیاست منطقه ای بین المللی را کاملاً از دست میداد . سرنوشت آن بدستگمانی می افتاد که تاکنون به پایمال کردن خشونت آمیز حقوق حقه و منافع مردم سوریه ، لبنان ، فلسطین و سایر خلقهای عرب ادامه میدهند و با ارباب و تهدیدید مانع موجودیت مستقل و ملی آنها میشوند .

امپریالیسم و ارتجاع این را بخوبی میدانند و همین جهت میکوشند حداقل مشکلات موجود در سوریه را تشدید کنند . آنها با تلب و تاب تلاش میکنند صفوف قشرهای میهن پرست را بپراکنده سازند و به فشار اقتصادی متوسل میشوند ، تا تاثیر این فشار اقتصاد را بدانجهت شدید تراست که سوریه بطور کلی

از مشی اجتماعی اقتصاد مترقی دور شد و راست ( اگرچه خطر چنین دوری گرفتاری را اولیای امور هم درک میکنند ) . در این جریان حساب آنها این است که مواضع میهن پرستانه سران کشور را متزلزل سازند مانع تعمیق دگرگونی های بنیادی شوند و از تحکیم مناسبات با اتحاد شوروی جلوگیری کنند .

آنچه گفته شد سئوالاتی را مطرح میسازد که دارای اهمیت بسیار است . بطور مثال چگونه باید کمونیست ها همکاری و اتحاد در زمینه جبهه واحد در برابر علیه امپریالیسم و بیکار در راه صلح را با اختلاف نظر ها و گاهی برخورد ها در عرصه اجتماعی - اقتصادی تلفیق کنند ؟ آیا دیگر امکانی برای برطرف ساختن اختلاف میان جهت سیاست خارجی و سیاست داخلی سوریه ، یعنی بازگرداندن کشور براه ترقی اجتماعی باقی نمانده است ؟

در پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه تاکید گردید که : " ملاک عمل ما بهنگام تعیین موضع حزب نسبت به وضع عمومی کشور ، رژیم موجود بطور کلی و هر حزب یا گروه بندی سیاسی این است که وضع کشور ، رژیم ، آن حزب یا گروه بندی با مسئله عده یعنی مسئله مبارزه علیه استعمار ، امپریالیسم و نیات سوء آنها در چه ارتباط متقابل است " ( ۱ ) . درست همین معیار اساس اتحاد ما با حزب بعث و احزاب مترقی دیگری است که در جبهه ملی مترقی سوریه متحد شده اند . ولی این یگانه اصل اساسی سیاست حزب کمونیست سوریه نیست . این حزب با در نظر گرفتن کامل این اصل ازمشی حفظ استقلال سیاسی ، سازمانی واید و ولوژیک خود ، بمنزله سازمانی که با نگرش واقع طلبانه کارگزار است ، پیروی نموده و این دورا با هم تلفیق میکند . حزب دلیرانه و بطور بیگنا از خواستهای توده های مردم دفاع میکند و ضمن مبارزه در راه ارضای خواستهای سیاسی و اقتصادی آنها هدفش بازگرداندن سوریه براه ترقی اجتماعی است .

مناسبات حزب کمونیست سوریه و حزب بعث بر اساسهایی استوار است که هر دو حزب را در مبارزه علیه دسائس امپریالیسم ، مبارزه در راه آزادی خلقها و صلح جهانی متحد میسازد ، اگرچه گاهی در برخی از مسائل عقاید و نظریات آنها با هم تطابق نداشته باشد . ولی در برخورد به مسائل پیشرفت اجتماعی - اقتصادی ، گسترش دموکراسی و نقش توده ها با هم اختلاف نظر داریم . این هم طبیعی است ، زیرا کار پایه های ایدئولوژیک ما یکسان نیستند . مهم این است که بدانیم این قبیل اختلافات وجود دارد و با آنها بد رستی و بطور کثرت برخورد نمانیم .

موضع اصولی کمونیست ها چنین است : باید مشی میهن پرستانه ای را که سوریه دنبال میکند تقویت کرد و صفوف اطراف آن محکمتر ساخت . ما سعی خود را برای برطرف ساختن پدیده های منفی در چهارچوب همکاری که میان ما برقرار است ، بعمل میآوریم و این تلاش و کوشش را تابع مسئله اصلی

یعنی تشدید مبارزه ضد امپریالیستی می‌کنیم .  
 در شرایط موجود کوشش در خاور نزدیک ، این مبارزه بشکل کاملاً مشخصی بروز می‌کند .  
 لیبی‌تیزان متوجه طرح های " حل و فصل " نظیر کمپ د دوید ، " پلان ریگان " و تهیه حضور نظامی  
 امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم امریکاد منطقه است . در همین حال این مبارزه بیش از هر زمان  
 دیگری با مبارزات مشترک خلقها در راه صلح و برطرف ساختن خطر بلیه همسته ای در هم آمیخته .  
 مبارزه در این دو جهت پس از انعقاد قرارداد مربوط به " همکاری استراتژیک " میان ایالات متحده  
 امریکا و اسرائیل ابرام بیشتری یافت ، زیرا قرارداد در واقع شکل تازه و خاص بلوک نظامی تجاوزکاری است  
 که اقدامات شرکت کنندگان در آن جدیترین خطرها برای صلح نه فقط در منطقه ما ، بلکه در سراسر  
 کره زمین بوجود می‌آورد .

در ضمن ، در بسیاری از بخش های مهم جنبش آزاد بیخوش ملی عربی ، وظیفه دموکراتیزه کردن  
 زندگی اجتماعی در عرصه های گوناگون آن در درجه اول اهمیت قرار میگیرد . در این مقطع ، هم  
 سمگتری مشی سیاسی در جهت ارضای منافع توده های مردم ، هم آزادی ابتکارات توده ها و تأمین  
 امکانات واقعی ، برای اینکه بتوانند سهم آگاهانه خود را در اتخاذ و تحقق تصمیمات مهم سیاسی  
 ادراک کنند ، مورد توجه است . دموکراسی وسیله اساسی افشا و عقیم ساختن توطئه های ارتجاع داخلی  
 و دفاع از دستاوردهای زحمتکشان و تعمیق آنهاست . محدود ساختن دموکراسی تاثیر منفی جدی  
 در ثبات سیاسی رژیم های میهن پرست و نقض آنها در مبارزه ملی باقی میگذارد و در نهایت بیکارموقفیت آمیز  
 با دشمن امپریالیستی را بفرنج میسازد .

تحکیم اتحاد خلل ناپذیر و رزمجویانه واحد های مختلف جنبش آزاد بیخوش ملی عربی با نیروهای  
 پروسه انقلابی جهانی و مقدم بر همه با کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها با اتحاد  
 شوروی برای سرانجام این همکاری آزادی اهمیت فوق العاده ایست . مناسبات کوشش میان اتحاد شوروی  
 و سوریه در عرصه های گوناگون و از جمله در عرصه های سیاسی و نظامی بهترین نمونه ایست که امکان  
 میدهد معلوم کنیم این مناسبات میتوانند چه تاثیری در پیشرفت اوضاع داشته باشند . کمک به اعتدالی  
 این مناسبات تا سطح بسیار بالا تری یعنی آنچه را که خود زندگی و تشدید روز افزون بیکار طلب میکند ،  
 وظیفه مشترک ما است .

کمونیستهای سوریه با قاطعیت هر نوع بروز آنتی سوسیالیسم را محکوم و رد میکنند . ما عمیقاً  
 معتقدیم که دفاع از سیاست شوروی در مقابل هرگونه تلاشی که برای تحریف وی اعتبار کردن آن بعمل  
 می‌آید ، نه فقط وظیفه ای انترناسیونالیستی و پرولتری ، بلکه موضعی عمیقاً میهن پرستانه است که منافع  
 بنیادی ملی خلق سوریه و نیازمند بهای مبارزه در راه پیشرفت مترقی و دموکراتیک کشورهای آزادی سرزمین

های اشغالی اعراب ایجاب میکند ، یاد آور می‌شویم که پایه واقع بینانه برای حل و فصل بحران  
 خاور نزدیک همانا پیشنهادات مشهور اتحاد شوروی است که با قطعنامه های مربوطه سازمان ملل  
 متحد ، قرارهای کنفرانس های اعراب در سطح عالی در فسن کاملاً مطابقت میکند .  
 مقابله با حملات جبهه متحد امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع ، فقط بوسیله تحکیم وحدت  
 صفوف خود امکان پذیر است . این امر هم به مناسبات متقابل واحد های مختلف جنبش آزاد بیخوش  
 ملی عربی و هم به وضعیت داخلی هر يك از آنها مربوط است . مبارزه برای حل عادلانه مسئله فلسطین  
 علیه توسعه طلبی اسرائیل و در راه آزادی سرزمین های اشغالی اعراب مهمترین عامل بسیج و یکپارچگی  
 تمام میهن پرستان عرب بود موهبت .

پس از مسئله فلسطین ، شعرا آینده نزدیک که شعاری قاطع و غیر قابل گذشت است ، خواست  
 تأمین حق تعیین سرنوشت ، بازگشت به میهن و ایجاد کشور مستقل فلسطین برای خلق عرب فلسطین  
 است . در ضمن ما مرتباً تأکید می‌کنیم که یگانه نماینده قانونی مردم فلسطین ، سازمان آزاد بیخوش  
 فلسطین است که برای احیاء و تحکیم وحدت درونی آن ، بر پایه برنامه سیاسی و قرارهای شانزدهمین  
 اجلاس شورای ملی فلسطین باید به آن ازر حثیت کمک کرد . ما برای عادی شدن و تحکیم مناسبات  
 سوریه و فلسطین که این اواخر ، متأسفانه بهم خورد ، است ، اهمیت فراوانی قائل هستیم .

رویداد های لبنان گواه بر این است که وحدت نیروهای ملی و میهن پرست کشور ، محکوم  
 ساختن قاطعانه فراخوانهای قوم و مسلکی از طرف آنها ، تحکیم مناسباتشان با سوریه در سطح متحدین  
 آن و اتکا به پایداری میهن پرستانه آن ، ضامن تثبیت پیروزیهای که بدست آمده ، انجام موفقیت آمیز  
 مبارزه برای بهبود راندن اشغالگران و قطع هرگونه مداخله مسلحانه است . هم آهنگ ساختن عوامل  
 داخلی این پایداری و وظیفه میهن پرستان سوریه و در درجه اول وظیفه شکت کنندگان در جبهه  
 ملی مترقی است . پشتیبانی همه جانبه از این جبهه از خارج و وظیفه مهم عهد تمام واحد های جنبش ملی  
 آزاد بیخوش عربی است .

برای آنکه این جنبش بتواند به هدف های خود دست یابد ، مقدم بر هر چیز باید توده های مردم  
 را به حرکت در آورد و آنها را وارد اریه فعالیت کند . باید بدین نکته اعتراف کرد که کمونیست های کشورهای  
 عربی هنوز نتوانسته اند بهترین و موثرترین شکل و شیوه بسیج توده های مردم را یافته و پیشنهاد نمایند .  
 برای برطرف ساختن این ضعف ، کمیته رهاسازی است باید همه سعی در یک نقطه متمرکز کرد و در این نیز  
 مستلزم تشدید فعالیت در عرصه مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی ، فراگرفتن اشکال گوناگون کار محسوس  
 میان توده ها ، عطف توجه به مسائل مردم آنان و فعالیت مضرانصرای برقراری و تحکیم اتحاد با نیروهای  
 است که علیاً امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع مبارزه می‌کنند .

مشی اصلی اد امپیکارد رسماً سر جبهه ها است که باید با تعیین سمت و آوردن ضربه عمد در  
 هر لحظه معین و متمرکز نیروها و وسائل اساسی در آن جهت توجا باشد . بیکار رید و نوقفه قاطعانه تا پیروزی کامل  
 اد امخو هد یافت .



## موضع اتحادیه انقلابی زنان

## سنگال

نخستین کنگره اتحادیه موقتیک زنان سنگال که رهبری حزب استقلال و کار سنگال فعالیت میکند برگزار گردید. در این کنگره اسنادی به تصویب رسیده است که مصلحت و وظائف این سازمان متروقی زنان را معین میکند. این سازمان فعالیت خود را جزئی از مبارزه کلی مردم سنگال در راه بدست آوردن حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، کسب استقلال واقعی و پیشرفت اقتصادی و مبارزه در راه دموکراسی و صلح بشمار میآورد. هدف سازمان در میدان زندگی به جنبش انقلابی گسترده زنان است که آزادی واقعی آنها بدون نوسازی دموکراتیک سراسر جامعه غیر ممکن است. این است علت عمده ای که موجب شده است اتحادیه رهبری سیاسی حزب استقلال و کار سنگال به برنامه واید تولوزی آنها بپردازد.

اتحادیه موقتیک زنان سنگال از لحاظ سازمانی وظیفه خود را در این میدان که بهترین شکل فعالیت را در شرایط ویژه کشورهای توجه به سطح کنونی آگاهی زنان سنگال بهیاد. در همین حال اتحادیه بر اختلاف بنیادی خود با سازمان های مختلف "فولکلوری" (توده ای) زنان که بوسیله احزاب راستگرا ایجاد گردیده و در واقع کار یک توریست جنبش اجتماعی دموکراتیک است تأکید میورزد. در اسناد کنگره جای زیادی به مسئله جنگ و صلح اختصاص داده شده است. یادآوری میشود که مبارزه خلقها در راه صلح ارتباط مستقیم با زنان دارد، زیرا آنها با اعطای حیات به کودکان خود سمبل زندگی هستند. بهمین سبب است که آنها بخش فعال جنبه گسترده نیروهای راتشکیل میدهند که با عزم راسخ تصمیم گرفته اند نقشه های جنایتکارانه امپریالیست ها و آتش افروزان جنگ را عقیم گذارند. اتحادیه موقتیک زنان سنگال بدین مناسبت پشتیبانی کامل خود را از فراسیون بین المللی دموکراتیک زنان و آمادگی همکاری با همه سازمانهایی را که در آن عضویت دارند اعلام میکند.

## اوروگوئه

## پهروزی نیروهای میهن پرست

کمیته مرکزی حزب کمونیست اوروگوئه اعلامیه منتشر کرد که طی آن آزادی ژنرال ل. سیرنی صدر جنبه گسترده را بگرمی تبریک و تسنیت گفته و تأکید میکند که این رویداد پهروزی پرافتخار دموکرات ها و میهن پرستان اوروگوئه و سراسر جهان است. در این سند گفته شده است با پایان زندان ده ساله ژنرال نه فقط مرحله ای تاریخی در مبارزه در از مدت مردم با دیکتاتوری، بلکه بازتاب وضع سیاسی جدید را اوروگوئه است، زمانی فرارسیده که مردم اینکار را بدست میگیرند و آمادگی خود را برای سرنگون ساختن رژیم جوروستم نشان میدهند.

لئیسیر سیرنی پرچمدار جنبه گسترده و برنامه آزاد بخش آن، محبوب مردم و نماینده همه زندانیان دیکتاتوری اوروگوئه در عرصه بین المللی و سمبل درخشان مقاومت علیه استبداد است که با روحانه میگوید عزم و اراده او را در هم شکند. ژنرال سیرنی با کسب مجد آزادی از نو در رأس اتحاد سیاسی قرار میگیرد که با اشتراک خود او ایجاد گردیده و اکنون نیرومند تر از گذشته است. مبارزه در راه فعلی ساختن کامل جنبه گسترده و همه سازمانهایی که در آن اشتراک دارند، اینک خصلتی بازگشت ناپذیر بخود میگیرد و به امروز وحدت و یکپارچگی نیروهای ضد دیکتاتوری قوه محرکه تازه میبخشد. کمونیست ها که با قاطعیت از اقدامات گسترده برای تبدیل سال ۱۹۸۴ به سال آزادی همه زندانیان سیاسی پشتیبانی میکنند مبارزه در راه آزادی خ. پیرس یکی از رهبران حزب کمونیست اوروگوئه و نماینده پارلمان از جنبه گسترده، این انسانی را که نمونه مقاومت و یابرداری، میهن پرستی و وفاداری به مردم است وظیفه افتخار آمیز و شرافتمندانه خود بشمار میآوردند.

برای جلب توجه ها و بهبود کیفیت حزب

## ژاپن

در اسناد و مدارک هفتمین پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن (ژانویه سال ۱۹۸۴)

جای زیادی به مسئله ساختن حزب اختصاص داده شده است. خاطر نشان میگرداند که از سال ۱۹۷۲ تا آخر سال ۱۹۸۳ تعداد اعضای حزب کمونیست ژاپن برغم اقدامات گسترده مختلف ضد کمونیستی که علیه حزب انجام گرفته، از ۳۰۰ هزار نفر به ۴۸۰ هزار نفر بالغ گردیده است. به تعداد سازمانهای اولیه حزب هم افزوده شده است (از ۲۵۰۰ واحد سازمانی تا ۳۶۰۰ واحد) و این نیز نتیجه استحکام ارتباط های کمونیست ها با توده های مردم است.

در رنگره تأکید گردید که هدف فمده اینک عبارت از تبدیل حزب کمونیست ژاپن به حزبی نیمه میلیتاری و نیرومند هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی است. این بدان معنی است که بایست مساهی رانه فقط متوجه رشد صفوف حزبی، بلکه مقدمات بهره ر چیز متوجه این نمود که هر کمونیستی وظایف خود را بشکلی شمر بخش انجام دهد. کمیته مرکزی پیشنهاد کرد که توجه اصلی به پذیرش اعضای تازه از میان جوانان در مؤسسات و مدارس عالی معطوف گردد.

خبرهای کوتاه

بنگلادش

کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش قطعنامه ای را در باره وضع کشور تصویب رسانید. در قطعنامه از برنامه بلوک پانزده حزب چپ و دموکراتیک پشتیبانی شده است. در این برنامه الفای حکومت نظامی، احیای حقوق اساسی و آزادیهای توده های مردم و انجام انتخابات پارلمانی در نظر گرفته شده است. در این سند همچنین ضرورت حفظ وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک برای رسیدن به این هدفها تأکید گردیده است.

بلژیک

بوروئی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست بلژیک اعلامیه ای انتشار داده که در آن ابتکار تازه کمونیست ها برای یافتن راه برون رفت کشور از بحران اقتصاد و مالی تشریح شده است. کمونیست ها، از جمله، خواستار وضع مالیات اضافی برای ثروتمندان، مبارزه قاطعانه با سرپچی اکثرانحصارها و بانک های داخلی از پرداخت مالیات و چاپ و انتشار اوراق وام دولتی ویژه گردیدند.

# تعقیب شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ در کشورهای ناسئو

امید های محافل حاکم کشورهای ناسئو اینکه با پیدایش موشک های آمریکائی در اروپای غربی جنبش ضد موشک "فروکش خواهد کرد" برآورده نشد. ۳۰ ژانویه ۱۹۸۴، یعنی در روز مقاومت فقط در جمهوری فدرال آلمان در بیش از ۵۰۰ شهر تظاهرات عظیمی علیه استقرار موشک های هسته ای آمریکا برپا گردید.

محافل امپریالیستی یک سلسله از کشورهای ناتو در جریان مبارزه با اقدامات ضد جنگی توده ها، آنچه را بحقیقه آنها میتوانست جنبش صلح را فاقد مضمون و منفرد ساخته و ارجح و اعتبار آنرا از بین ببرد بکار گرفتند. مطبوعات ارتجاعی بشدت خشمگین است. تهمت و افترا نسبت به جنبش بطور کلی و با هر یک از شرکت کنندگان بطور جداگانه پدید آمده ای عادی شده است. طرفداران صلح را بفند داشتن روحیه مبهم پرستی و حتی خیانت به منافع ملی متهم گرد می بینند. در همین حال جو تروس و وحشت در برابر انسانه "خطر شوری" هر چه بیشتر زهر آلود میشود.

تأثیر روانی بهیچوجه آخرین وسیله ای نیست که کشورهای ناسئو علیه جنبش ضد جنگ بکار میروند. از دیگر شیوه ها هم استفاده میشود که تلاش برای در نقطه مقابل یکدیگر قرار دادن مجامع صلح دوست و انواع مختلف "سازمانهای" کاذب که در مواضع میلیتاریستی قرار دارند، تعقیب و تحریم از طرف پلیس مخفی، جریمه کردن شرکت کنندگان در تظاهرات ضد جنگ، وضع قوانین ویژه یا تشدید قوانین موجود و اعمال زور مستقیم از جمله آنها است.

بذکر چند فاکت می پردازیم.

سازمانهای طرفدار میلیتاریسم. هدف آنها عبارت از نابود ساختن جنبش ضد جنگ، ایجاد ابهام و سردرگمی در صفوف آن و گمراه ساختن طرفداران صلح است. بطور مثال در ایالات متحده آمریکا "انستیتوی ویژه مسائل دینسی و دموکراسی" یکی از این سازمانهای نوظهور است. هدف آن، از جمله، خنثی کردن تأثیرات روهانپرات صلح طلب میباشد. منابع مالی آن با پانگون و سایر روابط بسیار نزدیکی دارند. بیش از یک سوم اعضای شورای انستیتورا مرتجعین و آششبه از "کمیته جهان آزاد" کذائی تشکیل میدهند. انستیتو از مناسبات خارجی دولت ریگان پشتیبانی

میکند و طبیعی است که از نظر موافق آن برخوردار است .

مجمع ملی ( فوروم ناسیونال ) سرپرستی سناتورج . دیتون که از ضد کمونیست های هاراست سازمان نظیر دیگری در ایالات متحده است . " فوروم " در جریان فراندومی که در سال ۱۹۸۲ آغاز گردید و طی آن نزدیک به ۹۰۰ ارگان حاکمیت محلی به متوقف ساختن تولید و استقرار سلاح هسته ای رأی داد ، ایجاد گردید . نقطه نظر و اعتقاد آن تشدید و خاست اوضاع بین المللی ، پشتیبانی از سابق تسلیحاتی و عمل " از موضع قدرت " است ، بطور خلاصه تمام چیزهایی است که با منافع سیاست امپریالیستی تطابق دارد .

بوسیله نیروهای ارتجاعی در بریتانیا گروهک های متعددی بوجود آورده شده است که زیر شعارهایی نظیر " در راه صلح از موضع امنیت " ، " در راه جهان آزاد " ، " صلح بکف نساتو " ، " برای دفاع " وغیره عمل میکنند . تمام آنها مشی میلیتاریستی ایالات متحده آمریکا و تا آنجا می کنند میکوشند ابتکارات صلح اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را معکوس جلوه دهند و سبب شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ در اروپای غربی حمله میکنند .

تعقیب و پیگرد همه گیر . برزیدنت ریگان در همان سال اول حاکمیت خود انجام " عملیات مخفی " در کشور بوسیله بوری فدرال بازرسی و سیارا آزاد کرد ( ۱ ) . این دو اداره از دولت " اجازه " گرفتند و عمل خود را به سازمان های اجتماعی گسیل دارند و از این حق خود بطور گسترده استفاده کردند . دو ایرمخفی گفتگوهای تلفنی را گوش میکنند ، نامه های خصوصی را باز میکنند ، بدون مجازات وارد خانه مرد میشوند و بسیاری از شخصیت های اجتماعی مشهور را زیر نظر دارند . بوری فدرال بازرسی ، هرگاه سازمانهای ضد جنگی / مانند " کمیته دوازدهم ژوئن " ( ۲ ) ، " پزشکان خواستار مسئولیت اجتماعی " ، " بسیج برای ادامه زیمتا " و شورای صلح ایالات متحده آمریکا را زیر نظر گرفته و ثبت میکند .

نظیر این وضع راهم در بریتانیا میتوان دید . در آنجا هم تعقیب و پیگرد شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ ادامه دارد ، گفتگوهای تلفنی را گوش میدهند و نامه های خصوصی را باز میکنند . در کومپوترهای پلیس انگلستان در باره ۳۶ میلیون نفر ثبت گردیده و این رقم تقریباً تمام بزرگسالان کشور را در بر میگیرد . از براتیک تهیه " لیست سیاه " بوسیله د وایر ویزه در جمهوری فدرال آلمان ، ایتالیا ، ترکیه و سایر کشورهای ناتو نیز استفاده میشود .

1 - Politicale Affairs, october 1981, p. 22.

۲ - " کمیته ۱۲ ژوئن " نام ائتلاف سازمانهایی است که در سال ۱۹۸۲ تظاهراتی را در نیویورک

تدارک دیدند که یک میلیون نفر در آن شرکت جستند . هیئت تحریریه .

در تعقیب طرفداران صلح د وایر ویزه ارتش نیز شرکت میکنند . او اخر ژانویه سال جاری " واشنگتن پست " اطلاع داد که پنتاگون عمل خود را بدرون جنبش متوقف ساختن تولید و استقرار سلاح هسته ای میفرستد . در کفرانسی که در ژانویه سال ۱۹۸۴ در برلینگن ( جمهوری فدرال آلمان ) ، زیر شعار " الغای آزاد بهای د موکراتیک را متوقف سازید " برگزار گردید اطلاع داده شد که پلیس ، اداره " نگهبان قانون اساسی " و شعبه ضد جاسوسی ارتش جمهوری فدرال آلمان پرونده شش میلیون وجهار صد هزار نفر از شهروندان را مورد بررسی قرار داده اند .

تازیانة پول

جریمه نقدی یکی از وسائل رایج مبارزه با جنبش های ضد جنگ در کشورهای ناتو است . سازماندهندگان تظاهرات عظیمی که در اکتبر سال ۱۹۸۳ علیه استقرار موشکهای امریکائی در بروکسل برگزار شد ۹۰۰ هزار فرانک بلژیک جریمه شدند . در کانادا شرکت کنندگان در تظاهرات مسالمت آمیزی در مقابل ساختمان کمپانی " لیتون سیستمز " که دستگا های هدایت کننده برای موشک های بالدار ایالات متحده آمریکا میسازد ، در شمار جریمه شدگان بودند . در جمهوری فدرال آلمان دادگاه گرت باستیان ژنرال بازنشسته بوندس وهررا بجرم شرکت در تظاهرات ضد جنگ به پرداخت ۹ هزار مارک محکوم کرد . در یک سلسله از شهرهای آلمان غربی تظاهرات کنندگان را موظف میکردند " حقی الزحمة " پلیس را که راه پیمائسی های ضد موشک را نگهبانی میکرده ، بپردازند .

قوانین ویژه

لا یحه قانون دولت جمهوری فدرال آلمان در باره مجازات شرکت کنندگان در تظاهرات مسالمت آمیز طبق موازین جزائی از نمونه های بارز است . در این لایحه امکان محکوم ساختن تظاهرات کنندگان به یکسال زندان ، در صورت انجام دادن دستور پلیس در این برهه ایان دادن به " اعمال قهرآمیز " و متفرق شدن بدون درنگ پیش بینی شده است . ( در ضمن میدانیم که اعمال قهرآمیز را تحسیر سیک کنندگانی انجام میدهند که خود پلیس بعین صفوف تظاهرات ضد جنگ فرستاده است . بطور مثال در کرفلد دسته ای آشوبگر ، به هنگام برگزاری راه پیمائی ۲۰ هزار نفری در دفاع از صلح به مناسبت ورود بوش ، معاون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا ، به ماشین وی سنگ و بطری پرتاب کردند و بدین ترتیب برای اعمال فشار علیه شرکت کنندگان در تظاهرات بهانه بدست پلیس دادند ) .

لا یحه قانون اعتراض شدیدی را در کشور برانگیخت . کمیته هم آهنگ کننده جنبش صلح جمهوری فدرال آلمان قاطعانه آنرا محکوم کرد و دولت را به نقض قانون اساسی متهم ساخت . کمیته در اعلامیه ویژه ای انزجار خود را نسبت به " آزار و اذیت دامنه دار و بی سابقه ای که ... دولت فدرال علیه مخالفان استقرار سلاح هسته ای تازیه آمریکا روا میدارد بیان داشت " . مارتین هیرش صدر

اتحاد و محفوقه آنان عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان اعلام کرد که تصورش را هم نمیتواند بکند که چگونه ممکن است بهنگام انجا چنظاره های بزرگ توده های مردم را مجبور کند به سرعت ، محلی را که تظاره های در آنجا برگزار میشود ترک کند . همین عدم امکان انجام این کار آنان را به " نقض کنندگان " قانون مدل میسازد .

در انگلستان افزایش تعداد پرونده های محاکماتی علیه طرفداران صلح دولت را برانگیخت حتی به اصطلاح به ساد متمرکز ن جریان رسیدگی بد انها توسط جوید و برای این کار شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ را از امکان تقاضای تجدید نظر در رأی دادگاه محروم کرد . طرح قانونی تهیه شده است که به " گواهی های پلیس و جرائم " مربوط است و بموجب آن افراد پلیس میتوانند در کوچک و خبیان همه را نقض و بازجویی کنند و بازداشت شدگان را برای مدت درازی بدون اعلام جرم نگهدارند ، در زندگی خصوصی مردم مداخله کنند ، نامه ها و اسناد شخصی افراد را بخوانند و حتی اصول اختفای پزشکی را هم نقض کنند . لایحه قانونی دیگری هم تهیه شده است که در آن مخارج محافظت پلیس از شرکت کنندگان در تظاره های را باید تظاره کنندگان بپردازند . د ه هیللی وزیر دفاع در دولت سابق لیبرالست بریتانیا بدین مناسبت اظهار داشت اینطور بنظر می آید که حق اظهار نظر از این بعد فقط در حد توانائی پولدارها خواهد بود .

اعمال زور پهلواوسطه

" استدلال های " معمولی دولت علیه مبارزان راه صلح باتوم پلیس ، گاز اشک آورها ماشین های آبپاش است .

در ایالات متحده امریکا اردوی صلح لیبرموور ( در ایالت کالیفرنیا ) که چندین ماه در زیر چادرها وجود داشت و با همکاری برخی از سازمانهای اجتماعی و مذهبی ، نزدیک مرکز طلعی - پژوهشی ویژه تهیه انواع جدید سلاح هسته ای بوجود آمده بود ، بسیار معروف است . شرکت کنندگان در آن معینارومیتینگ تشکیل میدادند و اعلامیه های حاوی فراخوان به ابراز مقاومت در برابر روشی میلیتاریستی کاخ سفید پخش میکردند . افراد پلیس بارها به طرفداران صلح حمله کردند ، آنها را زدند ، شهرک و چادرهای آنرا خراب کردند ، ولی چادرها مجددا برپا میشد . بیستم ژوئن سال گذشته ، روز اقدام برای خلع سلاح ، هزاران پلیس به ساکنان اردو حمله ور شدند . امروز ۹۰ نفر را بازداشت و زندانی کردند .

دولت انگلستان علیه زنانی که در اطراف پایگاه ایالات متحده امریکا در گریتم کومون کشمیک میدهند جنگ واقعی اعلام کرده است . شرکت کنندگان در این اقدام در از مدتی ضد جنگ را به ثابودی فیزیکی ( جسمی ) تهدید کرده اند . این اواخر این قبیل تهدیدها هر چه بیشتر با شرارت

و اوپاشی و حملات شبانه اوهاشان مزد و زورنا صرحتا بتکار همراه میگردد . بارها در این قبیل اقدامات از پلیس سواره و پیاده همراه با سگهای پلیس و از چترها باز استفاده شده است .

اقدامات پلیس علیه زنان اردوگاه بین المللی صلح در کومیزو ( ایتالیا ) که علیه استقرار موشک های هسته ای امریکا در آنجا اعتراض میکردند شهرت اسفناکی یافته است . پلیس زنان شرکت کننده در تظاره های رابسختی مورد ضرب و شتم قرار داد ، برخی از آنها بشدت زخمی شدند .

هنگامیکه در نوامبر سال گذشته پارلمان آلمان فدرال " قرارموشکی ایالات متحده " را مورد بحث و بررسی قرار داده بود در پشت دیوارهای آن تظاره های توده ای جریان داشت . شرکت کنندگان در تظاره های خواستار آن بودند که سلاح های تازه امریکائی در اراضی کشور استقرار نیابد . بدستور دولت افراد پلیس با ماشین های آبپاش و گاز اشک آور و باتوم به تظاره کنندگان حمله کردند ، هفتاد نفر بشدت زخمی شدند و بیش از ۵۰۰ نفر را بازداشت کردند .

واحد های ارتش همیشویه های مبارزه با تظاره کنندگان را فرامیگیرند . درستاد ناتو سندی بشماره ۱-۱۰ تهیه شده است . در این سند خاطر نشان گردیده است که در " شرایط فوق العاده " ارتش هرگونه آشوب و تظاره های در کشورهای عضو که بتواند " منافع اشتراک جهان آزاد " را بخطر اندازد سرکوب خواهد کرد . در شهر یاد ارس ( در جمهوری فدرال آلمان ) مرکز ویژه ای وجود دارد که افسران ارتشهای بلوک در آنجا شیوه های عملیات ارتش در شرایط " خاصیت اوضاع درون کشور " را بررسی و معین میکنند . واحد های ویژه با قدرت تحرك زیاد بفرماندهی ایسمن افسران تشکیل گردیده و تعلیمات می بینند . فرمان ب. ب. روجرس ژنرال امریکائی فرمانده عالی نیروهای مسلح متحد ناتو در او باید بین مضمون در دست است که باید بروی تظاره کنندگانی که به محل استقرار موشکهای ایالات متحده امریکا نزدیک شوند " آتش گشود " . نمونه هائی هم از " کار " پراتیمیک واحد های امریکائی ویژه متفرق ساختن تظاره های ضد جنگ دیده شده است . از جمله ، در اوت سال ۱۹۸۳ در جمهوری فدرال آلمان سربازان ایالات متحده راه پیمائی صلح در اطراف پایگاه هوایی رامشتین را متفرق کردند . در مارس سال ۱۹۸۴ هم نظیر این " عملیات " را با دگان پایگاه نظامی امریکا در مونتلا ننگن انجام داد . در این جریان بسیاری از شرکت کنندگان در تظاره های ضد جنگ بشدت مضروب و زخمی شدند .

بر ارتش های کشورهای عضو ناتو پایگاه های آماده ساختن واحد های نظامی برای مبارزه با " بی نظمی و اغتشاش غیر نظامیان " ایجاد گردیده است . وسائل تکنیکی و سلاحهای ویژه ای برای برانگیز کردن تظاره کنندگان طرح ریزی و تهیه میشود . در انگلستان اشتراک فعالانه ارتش در فرو نشاندن آشوب ها و اغتشاش های سیاسی " در آئین نامه های ارتشی و جزوه های آموزشی ویژه سرکوب

قیاموشش پیش بینی شده است . در جمهوری فدرال آلمان سه هزار نفر بودند و شرد ورمادگی ویژه ای را میگذرانند تا برای مقابله با تظاهرات اهرات در دفاع از صلح آماده باشند .

اینها فقط برخی از فاکت های فراوانی است که نشان دهنده شیوه های سنتی و تهازه سرگوب تظاهرات ضد جنگ در کشورهای ناتواست . محافل حاکمه این کشورها که با دامنه بیسابقه جنبش صلح و محکوم ساختن توده ای سیاست مدارات جنگی روبرو شده اند تلاش میکنند اعتراض نیرومند ضد جنگ را خاموش سازند ، هرچه بیشتر به خشونت و اعمال زور متوسل میگردند و موازین دموکراسی و آزادی را که خود معمولاً مورد مدح و توصیف قرار میدهند ، به چیزی نمیگیرند .

با وجود این جنبش ضد جنگ گسترش و تحکیم مییابد . توده های انبوه هرچه بیشتری درک میکنند که برغم تبلیغات زور و انفعالیتهای رسمی ، در شرایط کنونی دفاع از صلح بمعنی مبارزه در راه حفظ زندگی در روی زمین است . در واقع همین مسئله است که توجه و علاقه همگانی توده ها را علیه کسانی برمی انگیزد که سیاستشان بوجود آوردن خطر بلا واسطه بلهیه هسته ای است .

بقیه از صفحه ۴۹

"اتیوپیین هرالده"

پهشتاژ تشکیل میشود

روزنامه با تجزیه و تحلیل فعالیت کمیسیون ویژه سازماندهی حزب زحمتکشان اتیوپی مینویسد کمیسیون کارزادی بمنظور انتشار آموزش مارکسیستی - لنینیستی میان توده ها انجام داده است ، برهبری آن بسیاری از سازمانهای اجتماعی استحکام قابل توجهی یافتند . در مقاله تأکید میگردد که در نتیجه شرایط برای تشکیل حزب پهشتاژ طبقه کارگر فراهم گردیده است . کمیسیون ویژه سازماندهی حزب زحمتکشان برای گسترش روابط با احزاب برادر کشور های جامعه کشورهای سوسیالیستی اهمیت اصولی قائل است . کمیسیون انترناسیونالیسم پروولتری را یکی از منابع عمده نیروی خود بشمار میآورد . اتیوپیین هرالده خاطر نشان میسازد که فقط حزبی که اصول مارکسیسم - لنینیسم را رهنمود خود قرار دهد میتواند ساختمان پایه های جامعه سوسیالیستی در کشور را رهبری کند .

به قتل و گشتار در مراکش پایان دهید

چندین ماه است ، که اخبار اضطراب آوری از مراکش میرسد . نیروهای دموکراتیک و میهن پرست به قیاس وسیعی از طرفاً مورین دولت مورد تعقیب قرار میگیرند . در یک سلسله از نقاط بسیاری از اعضا " حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش و نیز کسانی را که هواداران حزب هستند ، محاکمه میکنند . تعقیب و پیگرد پر دامنه کنونی پس از تظاهرات اهرات تهنی در استان علییه شرایط فوق العاده دشوار زندگی ، بالا رفتن قیمت ها ، استعمار و ظلم و ستم که در سراسر کشور برقرار گردید ، آغاز شد . این تعقیب و پیگرد شامل مطبوعات مترقی مراکش ، و در درجه اول روزنامه حزب ترقی و سوسیالیسم " البیان " نیز گردید . از ۲۲ ژانویه سال جاری مندرجات آن تحت سانسور شد بد قرار میگیرد و با اصولاً توقیف میشود .

اتهاماتی که بدمیهن پرستان زندانی نسبت داده میشود ، کاملاً بی پایه و اساس است . دادستان هیچگونه مدرک و دلیلی که گواه بر تحریک به افشاش و بی نظمی از طرف متهمین باشد در دست ندارند . با وجود این ، افراد را محاکمه میکنند و به مجازاتهای شدید محکوم مینمایند . در سراسر مراکش موج خشم و انزجار علیه اعمال مامورین دولت شدت می یابد . هیئت تحریریه " البیان " تعداد بسیاری نامه و اعلامیه در پشتیبانی از کمونیست ها و سایر میهن پرستان دریافت میدارد .

مبارزان راه آزادی و دموکراسی در سراسر جهان همبستگی خود را با نیروهای میهن پرست اعلام میدارند و پایان بخشیدن به محاکمات و تضییق و فشار آزادی کسانی را که برخلاف قانون زندانی شده اند و همچنین الغای تصمیمات ننگین برای جلوگیری از تبع و نشر حقایق درباره اوضاع مراکش را طلب میکنند .

علی جوینیلی

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۵ و ۶ (مه - ژوئن) سال ۱۹۸۴ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

**PROBLEMS OF  
PEACE AND SOCIALISM**

Theoretical and Information Journal of Communist  
and Workers' Parties throughout the world

No 5 , 6 1984